

نسیم قدس

ماهنامه

جمعیت حامیان آزادی قدس شریف

شماره ۶- اسفند ۱۳۸۷

صاحب امتیاز:

موسسه فرهنگی حامیان آزادی قدس

مدیر مسئول:

احمد سروش نژاد

سر دبیر:

محمدباقر شمسی پور

همکاران این شماره:

محمدتقی تقی پور- شمس الدین رحمانی

علیرضا سلطانشاهی- مجید صفاتاج- اکبر علیزاده

اعتمادی

قاسم غفوری و...

امور هنری:

افشین ضیائی‌ان علی پور

ویراستار:

ثریا جهانبانی

طراحی و امور فنی:

ترمه صبا سپهر

چاپ:

راوی

توزیع:

موسسه فرهنگی مطبوعاتی راه زندگی

نشانی:

تهران- صندوق پستی ۱۹۳۴-۱۱۱۵۵

تلفن:

۴-۰۳۶۹۷۷۹۰۳

نمابر:

۶۶۴۱۸۱۴۳

نشانی اینترنتی:

www.hamyanequds.ir

پست الکترونیک:

info@hamyanequds.ir

توضیح

در شماره گذشته نام آقای امیر اهواری نویسنده «سمبولیسم مذهبی در سینما» از قلم افتاده بود که ضمن پوزش اصلاح می‌گردد.



بازگشایی مدارس

فهرست

- ۲..... حرف اول.....
- ۳..... آشتی کنان.....
- ۴..... از ناله شوفار تا آتش مرکاوا.....
- ۸..... جهانی شدن حماس.....
- ۱۰..... مسادا؛ حقیقت یا افسانه.....
- ۱۴..... مروری بر روند اشغال فلسطین.....
- ۱۶..... شکل‌گیری مقاومت اسلامی لبنان.....
- ۲۰..... نظریه پردازان صهیونیسم.....
- ۲۲..... تلمود (۳).....
- ۲۴..... نگاهی به جنبش اسلامی در فلسطین.....
- ۲۶..... بهایی‌ها و اسرار نفوذ آن‌ها.....
- ۳۰..... هراس صهیونیست‌ها.....
- ۳۱..... حسبنا الله و نعم الوکیل.....
- ۳۲..... چراغی که به خانه رواست.....
- ۳۴..... بنی‌امیه و دولت بیزانس.....
- ۳۷..... معرفی کتاب.....
- ۳۸..... واژگان دردسرساز.....
- ۳۹..... تاریخ در انتظار.....
- ۴۰..... هولوکاست، دروغ مقدس غرب.....
- ۴۲..... باز می‌گردیم.....
- ۴۴..... یک دبیرکل شجاع.....
- ۴۵..... فلسطین در گذر تاریخ.....
- ۴۶..... نامه‌هایتان رسید.....
- ۴۷..... جدول.....

* از همه علاقه‌مندان به موضوع آزادی قدس شریف به ویژه اعضای جمعیت دعوت می‌شود مقالات، داستان، شعر و هرگونه مطلبی را که برای انتشار مناسب تشخیص می‌دهند، به نشانی صندوق پستی نشریه ارسال کنند.

* نسیم قدس در انتشار و ویرایش مطالب آزاد است و آثار رسیده پس فرستاده نمی‌شود.

* نقل مطالب از نشریه با ذکر منبع آزاد است.



حرف اول

دستاوردهای «حرب الفرقان»

در بعد حقوقی نیز می‌توان به این مهم اشاره داشت که تا قبل از جریان مقاومت ۲۲ روزه مردم مومن و بی‌دفاع غزه هیچ یک از مراکز قضایی کشورهای اروپایی و غربی حاضر به پذیرش واقعی دادخواست‌های حقوقی ضد رژیم صهیونیستی و سران جنایتکار آن نبودند، اما اکنون با تلاش جهانی حقوقدانان متعهد بهانه‌ها و ترفندها برای امتناع از پذیرش دادخواست‌ها پایان یافته و در اولین گام‌ها، دادگاهی در اسپانیا ۲۸ تن از سران رژیم صهیونیستی را به اتهام ارتکاب جنایات جنگی و نسل‌کشی تحت تعقیب قرار داده و سران رژیم صهیونیستی بخصوص به فرماندهان و نظامیان حاضر در تهاجم به غزه هشدار داده‌اند که به منظور پیشگیری از احتمال دستگیری و محاکمه از کشور خارج نشوند!

در بخش فرهنگی، اجتماعی و تبلیغی، اما بیشترین برد ممکن با مردم مظلوم غزه و دولت منتخب حماس بود. شکست صهیونیست‌ها در اجبار ساکنان غزه به خروج از موطن‌شان، به رغم به کار بردن تمامی شیوه‌ها و شگردها و وسایل و ابزار تبلیغی شانتاژ و تهدید، ناتوانی نظامیان صهیونیست از خاموش کردن صدا و تصویر فرستنده‌های متعلق به حماس، به رغم گلوله باران و بمباران و موشک‌باران و وجب به وجب خاک غزه، برملاشدن روزه سکوت بسیاری از رهبران مذهبی جهان و جالب‌تر از آن مفتی‌های درباری منطقه در اعلام همدردی و همبستگی با مردم غزه و تایید دولت حماس، بلکه صدور فتوا در حرمت هرگونه کمک به حماس و حتی تظاهرات در حمایت از مردم غزه، خیزش جهانی ملت‌ها و اعتراضات خودجوش مستمر و پرشور آنها، حتی با وجود ممانعت و سرکوب شدید برخی دولت‌ها، تبدیل محتوای شعارها و اعتراض‌ها از شعار توقف تهاجم اسرائیل به غزه و کشتار مردم بی‌دفاع، به شعار آزادی فلسطین و نابودی اسرائیل و صهیونیسم، بخصوص در کشورهای اروپایی و آمریکایی و بویژه در شهرهایی چون آمستردام و نیویورک و کشورهایی چون آرژانتین و برزیل که بیشترین تعداد یهودیان و مراکز مهم اقتصادی و جاسوسی یهودی صهیونیستی در آنها مستقر و فعال‌اند، اعلام همبستگی بسیاری از چهره‌های سیاسی، فرهنگی، هنری، ورزشی دنیا با مردم مظلوم فلسطین و غزه و در پی آن افشای تهدید و تنبیه آنها، مخالفت خودجوش مردمی در مورد هرگونه همکاری و یاری صهیونیست‌ها، از جمله خودداری اعضای اتحادیه‌های کارگری افریقای جنوبی از تخلیه بار کشتی‌های اسرائیلی و اقدام دانشجویان سوئدی در واداشتن سفیر اسرائیل به فرار از دانشگاهشان با پرتاب لنگه کفش، ... همه و همه تنها مواردی اندک، به منظور نشان دادن بخش‌هایی از دستاوردهای مقاومت تاریخی و افتخارآمیز مردم مظلوم غزه بود، در برابر تهاجمی که خود بدان «حرب الفرقان» نام نهاده‌اند.

و این هنوز از نتایج سحر است

سردبیر

با وجود گذشت مدت زمانی از پایان موقت تهاجم همه‌جانبه صهیونیست‌ها به غزه و مقاومت جانانه دولت قانونی حماس و مردم مظلوم و بی‌دفاع آن سامان، اخبار، گزارش‌ها، تحلیل‌ها و نتیجه‌گیری‌ها درباره این رویداد مهم ادامه دارد. از جمله مواردی که شایسته است در این میان به آن پرداخته شود، دستاوردها و نتایج این پایداری و مقاومت است. این دستاوردها را شاید بتوان به بخش‌های نظامی - سیاسی - حقوقی - فرهنگی، اجتماعی، تبلیغی تقسیم کرد.

در بخش نظامی، فروریختن هیمنه پوشالی صهیونیان و آشکار شدن ناتوانی آنان از ادامه سرکوبی سبعانه و بی‌هدف ملت فلسطین و اعلام ناگزیر آتش‌بس یکجانبه، افشای ضعف‌های عدیده سلاح‌ها و جنگ‌افزارهای به ظاهر مدرن و پیشرفته که سال‌ها درباره بی‌نقص بودن و دقت عمل آنها داد سخن داده و در بوق‌های تبلیغی خود دمیده بودند، نمایش مفتضحانه درماندگی سیستم امنیتی اسرائیل (موساد) در شناسایی هیچ یک از سامانه‌های موشکی حماس، ناتوانی نظامیان اسرائیلی در هدف قرار دادن حتی یک پایگاه موشکی یا موشک شلیک شده، وحشت و درماندگی نظامیان آل‌یهود که حتی در گزارش‌های خبری داخل فلسطین اشغالی نیز منعکس بود و... را می‌توان از جمله دستاوردهای نظامی این نبرد نابرابر دانست.

در بعد سیاسی، افشای بیش از بیش ماهیت جریان نفاق برخی حاکمان کشورهای عربی - اسلامی در همدستانی با کفار عربی صهیونی و مخالفت همه جانبه با پیروزی ملت فلسطین و آزادی قدس شریف، اعتراف سران یهود به تحت فشار بودن از سوی خائنانی چون حسنی مبارک مصری، ملک عبدالله حجازی و ملک عبدالله اردنی برای تهاجم به غزه و سرکوب کامل دولت قانونی حماس و مردم بی‌دفاع حامی آن، ایجاد شکاف و انشقاق بین سردمداران سیاسی و نظامی صهیونیست، اقدام جسورانه برخی رهبران کشورهای آمریکای لاتین همچون ونزوئلا و بولیوی در اخراج سفرای رژیم صهیونیستی و تعلیق روابط، تصمیم ناگزیر برخی حکام عرب در تعلیق روابط با اسرائیل همچون قطر و موریتانی، آشکار شدن این واقعیت برای افکار عمومی دنیا بویژه ساداندیشان منطقه و داخل کشور، که در «گره خوردن امنیت امریکا به امنیت اسرائیل» و سلطه کامل روتاری فراماسونری و لابی صهیونیسم بر ارکان تصمیم‌گیری امریکا، فرقی مابین باراک اوباما با جورج دبلیو بوش و کلینتون و دیگران نیست، اقدام قهرمانانه نخست‌وزیر ترکیه آقای رجب طیب اردوغان در پاسخگویی شجاعانه به مهمل بافی‌های پرز، رئیس یهودیان اشغالگر و ترک شایان تقدیر محل اجلاس صهیونیستی داووس، تحت فشار افکار عمومی قرار گرفتن «عمرو موسی» دبیرکل اتحادیه عرب، به علت سکوت و ترک نکردن اجلاس مزبور در اعتراض به یاهو‌سرایی‌های پرز،... را باید بخشی از دستاوردهای سیاسی این مقاومت مؤمنانه ۲۲ روزه دانست.



آشتی کنان!

علیرضا

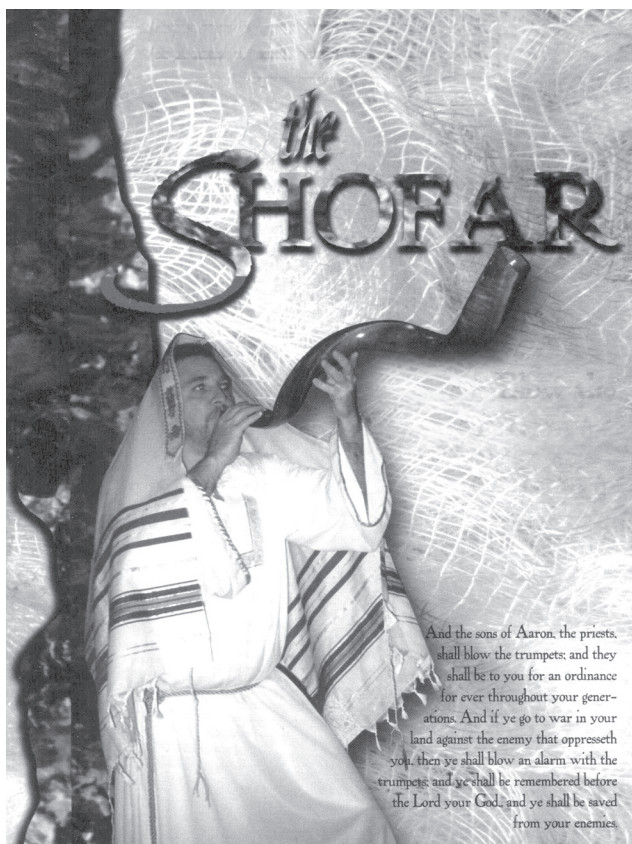
آدم اصلا از این مواضع سران کشورهای عربی درقبال مسئله فلسطین و کشتار غزه حظ می‌برد. انگار که اگر اینها با این سخنانشان نبودند، جهاد و مبارزه در مصاف با صهیونیست‌ها، لطفی نداشت. مردم فلسطین و غزه بیش از ۱۳۰۰ شهید داده‌اند، آنها در کویت مجلس آشتی کنان می‌گیرند و به افتخار ملک عبداللہ سعودی باهم ناهار می‌خورند و پس از آن حتما از سر سیری یک دو میلیاردی هم به بازسازی غزه کمک می‌کنند که با رشادت تمام، یک میلیارد آن را عربستان لطف می‌کند. خداییش از این همه صفا و لاج بودن یک محفل گرم عربی نباید حظ برد؟ همان‌ها که هنگام ویران کردن غزه به دست پسرعموهایشان سکوت می‌کنند و پس از این ویرانی برای لاپوشانی جنایات آنها حسابی پول خرج می‌کنند. تازه حرف‌های خیلی پرمغزی هم می‌زنند. مثلاً ملک عبداللہ... (همون از هر جهت بزرگه) با استفاده از تورات که ظاهراً آن را خوب بلد است، می‌گوید: «نه تنها در آیین اسلامی، بلکه حتی در تورات نیز تاکید شده است که قصاص یک چشم تنها در مقابل یک چشم است نه در مقابل چشم‌های مردم یک شهر».^۱ یعنی این اسرائیل بی‌تربیت نباید برای تنبیه حماس همه مردم غزه را تنبیه کند! حالا هی بگید که چرا اینها سکوت می‌کنند. آخر حرف زدنشون هم بدتر از سکوت‌ه. برای حظ بیشتر از این محفل روحانی نگاهی هم به عکس خودمونی اجلاس^۲ بیندازید که چطور آن دو تا خبیث روسیاه دارند مخ سوریه و قطری که در این ماجرا آبروی خودشان را خریدند، می‌زنند.

پی نوشت‌ها:

۱- روزنامه اطلاعات، ۸۷/۱۱/۱، صفحه آخر

۲- همان، صفحه آخر





از ناله «شوفار» تا آتش «مرکاوا»

عبدالرحمن احمدی

مردم مسلمان ایران فراموش نکرده‌اند که در جنگ شش روزه، ژوئن ۱۹۶۷م/ ۱۳۴۶ش، معروف به جنگ سوم اعراب و اسرائیل، رژیم صهیونی کرانه غربی رود اردن به همراه شرق بیت‌المقدس، نوار غزه و بلندی‌های جولان کشور سوریه را به تصرف و اشغال خود درآورد. در این جنگ نه فقط صدها هزار فلسطینی بار دیگر (پس از تقابل سال ۱۹۴۸م/ ۱۳۲۷ش) از خانه و کاشانه خود آواره که هزاران نفر نیز به طرز وحشتناکی قتل‌عام شدند. به گزارش برخی گزارشگران و خبرنگاران غربی در بعضی مناطق فلسطینی شطی از خون جاری و روان شده بود.

بنابراین رژیم صهیونیستی و کانون‌ها و رسانه‌های تبلیغاتی وابسته به صهیونیسم، به منظور سرپوش‌گذاری بر این جنایات هولناک و پیش‌گیری از ابراز احساسات و اعلام همدردی مسلمانان با فلسطینیان از یک سو و نیز با هدف مظلوم‌نمایی قوم یهود از سوی دیگر، از طریق نشر اکاذیب، تحریفات و شبهات، تبلیغات گسترده‌ای را در سراسر جهان سامان دادند که بعضاً سبب اغفال برخی، از جمله تعدادی انگشت‌شمار از افراد معلوم‌الحال در داخل ایران گردید. به دنبال این رویدادها، استاد شهید مرتضی مطهری با درایت و هوشمندی تمام، در یکی از جلسات تفسیر قرآن، در سال ۱۳۴۹ش، در ضمن تشریح و تبیین اهداف و نوع شگردهای دشمنان در مسیر انحراف افکار عمومی و تحریف واقعیت‌ها، ضرورت و اهمیت آگاهی، هوشیاری، زیرکی و بیداری مسلمانان را یادآور شد و فرمود:

«این یک خطر بزرگ است برای یک اجتماع، که افرادش ناآگاه باشند. دشمن اگر زیرک باشد، خود این‌ها را ابزار علیه خودشان قرار می‌دهد؛ یک داستان جعل می‌کند، بعد این داستان را به زبان خود این‌ها می‌اندازد، تا خودشان قصه‌ای را که دشمنشان علیه خودشان جعل کرده، بازگو کنند. این علتش ناآگاهی است و نباید مردمی این قدر ناآگاه باشند که حرفی را که دشمن ساخته، ندانسته بازگو کنند. حرفی که دشمن جعل می‌کند، وظیفه شما این است که همان جا دفنش کنید»

شوفار در ادبیات عبری همان شاخ قوچ است که طبق آیین یهود، در ایام و اعیاد خاص و نیز قبل از عزیمت به جنگ نواخته می‌شود.

مرکاوا در اصل «مرکبه» به معنی «ارابه یهود» است که در دوران کنونی نوع خاصی از تانک‌های اسرائیلی را با آن نام‌گذاری کرده‌اند.

نوشتر حاضر، در صدد بیان چگونگی هم‌آهنگی و هم‌صدایی بین تهاجم جنون‌آمیز تانک‌ها و جنگنده‌های اسرائیلی و قتل‌عام وحشتناک کودکان، زنان، جوانان و سالمندان مظلوم غزه در جنگ ۲۲ روزه از یکسو و برخی تحرکات مرموز تبلیغی - روانی، همراه با شبهه‌افکنی و تردیدپراکنی علیه مقاومت اسلامی مردم غزه و حتی تطهیر ماهیت و توجیه عملکرد وحشیانه قاتلان کودکان پرپر شده فلسطین، در داخل کشور است.

یعنی درست در زمان و موقعیتی که مردم پنج قاره جهان یکپارچه و یکصدا در حمایت و جانبداری از مقاومت و پایداری حماسی مردم غزه به پا خاسته بودند و با اعلام انزجار و تنفر از مهاجمان خون‌آشام اسرائیلی، شعار «آزادی فلسطین» و نابودی اسرائیل را سرمی‌دادند، تعدادی انگشت‌شمار با ژست‌های فیلسوف مآبانه و اداهای خردگرایانه، خود را در صف و سنگر صهیونیان قرار دادند و بر دستان خون‌آلود «لیونی»، «باراک»، «ولمرت» و «اشکنازی» بوسه زدند. همان اقدامی که رایس، سارکوزی، مرکل، گوردون براون، مبارک و دو عدد عبدالله در اردن و عربستان آشکارا و در انتظار عمومی مرتکب شدند و رسانه‌های غربی و بعضی بلندگوهای عربی برای آنها «هورا» کشیدند.

در بحبوحه جنگ غزه و در اوج خیزش جهانیان، به‌ویژه جهان اسلام و از جمله مردم مسلمان ایران، بعضی شبکه‌های ماهواره‌ای و فرستنده‌های رادیویی خارج از کشور، سوالات، شبهات و اکاذیبی مبنی بر فروش زمین از سوی فلسطینیان، اعتقادات و باورهای مردم فلسطین، نوع تعامل فرهنگی و فکری فلسطینیان و شیعیان، مظلومیت قوم یهود و... را منتشر و پخش کردند که تاحدودی طبیعی بود و مسبوق.

اصلاً دشمن می‌خواهد این پخش بشود. شما باید دفنش کنید و به یک نفر هم نگوئید، تا به این وسیله با حربه سکوت نقشه دشمن را نقش بر آب کنید»^۱. شهید مطهری برای تنویر افکار عمومی در برابر شبهات و تحریفات یهود، در ادامه می‌افزاید:

«مثلاً یک وقتی شایع بود و شاید هنوز هم در میان بعضی شایع است؛ یک وقتی دیدم یک کسی می‌گفت: این فلسطینی‌ها «ناصبی» هستند. ناصبی یعنی دشمن علی علیه‌السلام. ناصبی غیر از سنی است [...]».

سنی برای امیرالمومنین احترام قائل است چون او را خلیفه چهارم و پیشوای چهارم می‌داند و علی را دوست دارد. ناصبی یعنی کسی که علی را دشمن می‌دارد. سنی مسلمان است ولی ناصبی کافر است. ما با ناصبی نمی‌توانیم معامله یک مسلمان بکنیم. حال کسی می‌آید و می‌گوید این فلسطینی‌ها ناصبی هستند. آن یکی می‌گوید. این به آن می‌گوید. او هم یک جای دیگری تکرار می‌کند. و همین طور. اگر ناصبی باشند کافرند و در درجه یهودی‌ها قرار می‌گیرند»^۲.

شهید مطهری این شبهات و تحریفات و تبلیغات را ساخته و پرداخته خود یهود برای ایجاد نفاق، شکاف و شقاق بین مسلمانان و یک شگرد کهنه یهودی با هدف ایجاد تردید و تزلزل در حمایت مسلمانان از فلسطینیان دانسته و در پاسخ می‌فرماید:

«هیچ فکر نمی‌کنند که این، حرفی است که یهودی‌ها جعل کرده‌اند. در هر جایی یک حرف جعل می‌کنند برای این که احساس هم‌دردی نسبت به فلسطینیان را از بین ببرند. می‌دانند مردم ایران شیعه‌اند و شیعه دوستدار علی(ع) و معتقد است که هر کس دشمن علی(ع) باشد کافر است؛ [لذا] برای این که احساس هم‌دردی را از بین ببرند، این مطلب را جعل می‌کنند [...] دشمن یهودی یک عده مزدوری را که دارد، مامور می‌کند و می‌گوید: شما پخش کنید که این‌ها ناصبی‌اند. قرآن دستور داده در این موارد - اگر چنین نسبت‌هایی نسبت به افرادی که جزو شما هستند و مثل شما شهادتین می‌گویند، شنیدید، وظیفه‌تان چیست»^۳.

اسرائیلیات مدرن: برگردان و تکرار جهودیات کهن

به‌رغم همه روشنگری‌ها و هشدارها و حتی وجود معیارها و ملاک‌های متقن، محکم و مستدل، باز هم مردم مسلمان ایران با شگفتی فراوان شاهد و ناظر پخش و انتشار این قبیل «اسرائیلیات» در خلال جنگ غزه بودند.

دوشنبه ۲۳ دی ماه ۱۳۸۷، در هفدهمین روز لشکرکشی صهیونیست‌ها به غزه (ساعت ۲۳)، آقای ک-ع، مجری برنامه شبکه اول سیما، به بهانه طرح سوال بینندگان از طریق پیامک، سوالات و شبهات

شگفت‌انگیزی درباره فروش اراضی فلسطینیان در سال‌های اولیه اشغال فلسطین، چگونگی ارتباط فلسطینیان با مردم ایران، معتقدات و دیدگاه‌های مردم فلسطین درباره اهل بیت، رفتار آنها با اسیران کربلا در شام و... طرح کردند که نه تنها خود ایشان و یا دست‌اندرکاران شبکه پاسخ لازم را به این سوالات و

شبهات ندادند، بلکه جعلیات ساخته و پرداخته یهود را با ادبیاتی دیگر در میان میلیون‌ها مخاطب تلویزیون مجدداً تکرار و القا کردند.

آیا طرح این قبیل اسرائیلیات در تلویزیون و در میان میلیون‌ها مخاطب کودک، نوجوان و جوان جامعه اسلامی و عدم ارائه پاسخ مناسب و لازم به آن چه معنی می‌تواند داشته باشد و چگونه قابل ارزیابی است؟

نمونه دیگر، پخش یک برنامه به اصطلاح علمی در ستایش و بزرگداشت آلبرت انیشتین یهودی، جمعه ۲۷ دی ماه ۱۳۸۷، یعنی بیستین روز جنگ غزه (ساعت ۱۹) از شبکه چهار سیما بود.

در این برنامه که عیناً برگردان یک فیلم به اصطلاح مستند خارجی بود، انیشتین یهودی، «اسطوره»، «نماد علم»، «تجسم دانش»، و شاخص و نماد فرهنگ، معیار اخلاق و انسانیت و مدنیت و بشردوستی به مخاطبان معرفی و القا می‌شود. اما در این برنامه هیچ کس پیامک نمی‌فرستد و کسی سوال نمی‌کند و یادآور نمی‌شود که:

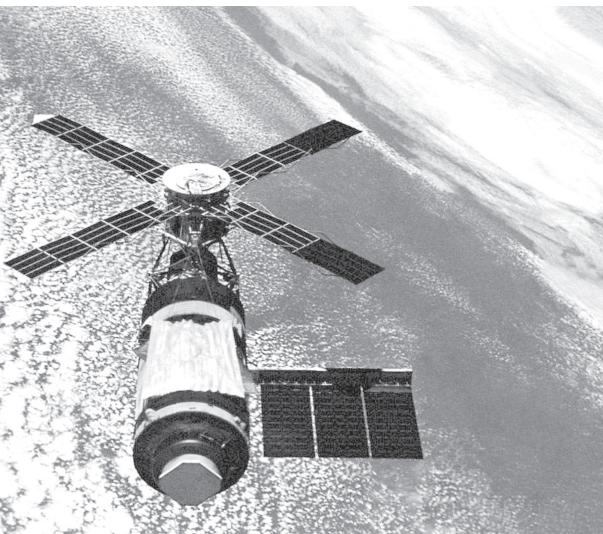
۱- به اعتقاد شماری از اندیشه‌مندان و محققان و آگاهان عرصه علم، نظریه‌ای را که به نام انیشتین ثبت شده و شهرت پیدا کرده، پیش از او، دانشمند دیگری کشف و اعلام کرده بود، اما تشکیلات مافیایی پس پرده دنیای علم و دانش! با طرد و منزوی ساختن و گمنام نگه داشتن او، این نظریه در اختیار یکی از اعضای حلقه محرمانه، به نام انیشتین قرار داد و باعث شهرت و آوازه او شد.

۲- تاریخ علم و اخلاق از یادآوری چگونگی برخوردهای اخلاقی و شیوه‌های رفتاری انیشتین با همسر دانشمندش خانم ماریچ - که طبق برنامه‌ای رمزآلود، گوشه گیر و خانه‌نشین شد و نیز فرزند بیماراش - نه تنها شرم دارد بلکه اربابان «تجارتخانه صنایع علم جدید» از افشا و آشکار شدن نقش این زن در پیدایش نظریه‌ای که به نام انیشتین شهرت یافته و ثبت شده

**راستی! به کدام
مقام مسئول، کدام
محکمه و مرجع
رسیدگی باید
شکایت کرد و از
چه کسی گله و
شکوه نمود؟**

هراسناک‌اند.

۳- انیشتین به همراه دوستان یهودی خود، مثل ادوارد تیلر و اینهایمر (که هر سه یهودی بودند) برای آزمایش میزان اثر تخریبی اولین بمب اتمی تولید شده در مرکز اتمی نوادا در آمریکا، هری ترومن رئیس‌جمهور وقت آمریکا را



به استفاده از این بمب در هیروشیما ژاپن وادار و هزاران انسان بی‌گناه را به طرزی بی‌رحمانه و فجیع به خاک و خاکستر تبدیل کردند. همین افراد پس از دو روز، برای مقایسه میزان تخریبی بمب اتمی دیگر که با عنصر و فرمول دیگری تهیه شده بود، بازهم جنایت دیگری را رقم زدند و آن بمباران اتمی شهر ناکازاکی ژاپن بود، آن هم زمانی که ژاپن پرچم سفید تسلیم را بالا برده بود.

۴- انیشتین یهودی در کتاب خاطرات خود که قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران ترجمه، و به چاپ رسیده است، به صراحت اعتراف کرده که او عضو فعال جنبش جهانی صهیونیسم بود و برای استقرار دولت یهودی در سرزمین فلسطین پایه‌های رهبران و سران صهیونیست تلاش و کوشش کرده است. به دلیل همین تلاش‌ها، انیشتین گزینه مناسب و مطلوب سازمان جهانی صهیونیسم برای منصب ریاست جمهوری رژیم جدیدالتاسیس و نامشروع اسرائیل در همان زمان بود که خود به علت کهولت سن و پاره‌ای ملاحظات از پذیرش آن امتناع ورزید.

البته این اولین بار نبوده و نیست که تلویزیون به پخش چنین برنامه‌هایی دست می‌زند. هنوز یادمان نرفته است که چند صبحی پس از حماسه پیروزی حزب‌الله در جنگ ۳۳ روزه، آن‌گاه که مهاجمان وحشی یهودی منطقه جنوب لبنان را قتلگاه ساخته و با تخریب و انهدام خانه‌ها و دیگر اماکن، آن سامان را به تلی از خاک تبدیل کرده بودند، مردم ایران شاهد و نظاره‌گر پخش سریال سی قسمتی «مدار صفر درجه» از شبکه اول سیما شدند.

در این سریال تلویزیونی، که پخش آن در حدود ۳۰ هفته یعنی بیش از نیم سال طول کشید، یک دختر یهودی به نام «سارا» مظهر عشق، عاطفه، اخلاق، علم، فرهنگ و نماد یک یهودی مظلوم، معصوم، آواره و بی‌وطن به بینندگان جامعه اسلامی معرفی شد. آن‌چنان که عواطف و احساسات مخاطب و بیننده به طور طبیعی بر آوارگی، غربت و مظلومیت او تحت تاثیر قرار داده شد، به گونه‌ای که ناگزیر باید با او حس ترحم و همدردی نشان دهد. و این اساسی‌ترین پیام این سریال بود که ایهاالناس! تعداد معدودی «صهیونیست بد» را با این یهودیان خوب مظلوم، معصوم، فرشته‌خو، آواره و بی‌وطن اشتباه نگیرد. این‌ها اگر به فلسطین نیز رفته‌اند و پناه برده‌اند! و خانه و سرزمین فلسطینیان را تصرف کرده و صاحبخانه را قتل عام و یا آواره کرده‌اند، از سر ناچاری و ناگزیری بوده است، پس روا نیست که موشک‌های مقاومت اسلامی برای دفاع از خود، پناهگاه و مامن آنها را هدف قرار دهد!

مثال و نمونه دیگر اسرائیلیات اخیر رسانه‌ها، مقاله‌ای است با عنوان «همسایگی بدون دردسر» در «ضمیمه هفتگی روزنامه اعتماد ملی» روز شنبه ۵ بهمن ۱۳۸۷. در این مقاله با سرپوش گذاردن و کتمان پیمان شکنی، نقض عهد، خیانت، جنگ‌افروزی، توطئه علیه شخص پیامبر(ص) و مسلمانان و نیز نقش و عملکرد دسیسه‌آمیز و خیانت‌بار یهود در صدر اسلام که حتی دست به ترور پیامبر گرامی اسلام زده بودند، در تطهیر چهره و ماهیت و توجیه عملکرد و تبرئه آنها چنین نوشته شده است:

«به جز برخی تخصصات اولیه در صدر اسلام، در طول تاریخ یهودیان در جوامع اسلامی عمدتاً زندگی مسالمت‌آمیزی داشته‌اند».

برای بهتر فهمیدن معنی تخصص و «تخصصات» به صفحه ۱۰۴۴، ج یک

فرهنگ معین مراجعه شود. یعنی «باهم جنگیدن»، «درهم افتادن»، «باهم دشمنی کردن» و... یعنی هر دو طرف، شخص پیامبر اسلام و مسلمانان از یک سو و یهودیان از سوی دیگر به یک اندازه در برابر یکدیگر! سهم و نقش در اختلاف، درگیری و جنگ داشته‌اند!

آیا مستندات تاریخ صدر اسلام این اسرائیلیات و جعلیات بنی‌اسرائیلی را تایید می‌کند؟

در جای دیگر مقاله، در تطهیر ماهیت و تبرئه یهود، فرضیه توراتی «قوم برگزیده» و «قوم برتر» این گونه مورد تایید قرار می‌گیرد و بدان تصریح می‌شود:

«قرآن به طور غیر مؤکد، اما به صراحت، اشاره به برگزیدگی قوم بنی‌اسرائیل هم کرده است». و در ادامه تاکید شده است که: «مفسران مسلمان دچار مقداری سختی برای توضیح این تعبیر شده‌اند»!

ما را با نویسنده این مقاله که نشان می‌دهد با تاریخ و تعالیم اسلام و آموزه‌های قرآن آشنایی کافی و لازم را ندارد سخنی نیست. اما جای بسی تعجب و تأسف است که روزنامه اعتماد ملی در حساس‌ترین وضعیت و موقعیت تاریخی جهان اسلام و امت اسلامی، یعنی شش روز پس از تهاجم ۲۲ روزه ارتش ایهود به غزه، به انتشار دیدگاه‌های انحرافی و تحریف شده و دروغ دست می‌زند که جز تلاش برای انحراف افکار عمومی با هدف ایجاد «حاشیه امن» برای صهیونیان و تبرئه حامیان قومی آن‌ها و نیز پاک کردن حافظه تاریخی امت اسلامی، به‌ویژه جوانان از فتنه‌ها و شرارت‌های تاریخی قوم یهود، معنی دیگری نمی‌تواند داشته باشد.

نمونه دیگر تحرکات مرموز بنی‌اسرائیلی در عرصه رسانه‌های داخلی، مقاله‌ای است که قسمت اول آن روز یکشنبه ۱۳ بهمن ۸۷ با عنوان «اردوگاه مرگ غزه» و بخش دوم با عنوان «امروز هولوکاست در غزه جریان دارد» روز دوشنبه ۱۴ بهمن ۸۷ در روزنامه اطلاعات چاپ و منتشر شده است.

این مقاله، براساس آنچه در بخش اول تصریح شد، دو هفته قبل از ۲۷ ژانویه ۲۰۰۹م/ ۸ بهمن ۱۳۸۷ یعنی حدود ۲۴ دی ۸۷ یعنی تقریباً هجدهمین روز جنگ غزه به رشته تحریر درآمده و با اندکی تاخیر در روزنامه چاپ شده است.

در این مقاله، به بهانه کشتار مردم مظلوم و بی‌پناه غزه و جنایات صهیونیست‌ها در آن سرزمین، بیش از همه برای مظلومیت قوم یهود نوحه‌سرای و شعار سرداده شده است.

در این مقاله به موازات جنایات صهیونیست‌ها در غزه و بلکه بیش و پیش از آن، در تایید و صحت داستان هولوکاست و کشتار یهودیان در «اتاق‌های گاز هیتلری» و «کوره‌های آدم‌سوزی» در اردوگاه‌های آلمان نازی قلمفرسایی شده است.

در بخشی از نوشته یادشده آمده است:

«هولوکاست دیروز در داخائو، «بوخن‌والد»، «کراکو» و «آشویتس» بود، هرچند آن جنایات هرگز فراموش نمی‌شود».

«میلیون‌ها بی‌گناه یهودی، اسرای جنگی روسی، اسرای فرانسوی [...] بایستی در اردوگاه‌های کار اجباری کشته شوند تا قوم ژرمن [...]».

«نازی‌های دیروز از حل نهایی مساله یهود صحبت می‌کردند». «آیا



سخنان

امروز ایهود باراک، زبیبی لیونی، آریل شارون یا ایهود اولمرت و... ما را به یاد سخنرانی‌های هنریش هیملر، نماد وحشت و سازنده اولین اردوگاه کار اجباری (داخانو) نزدیک شهر مونیخ و معمار و سازنده کارخانه آدم‌کشی نمی‌اندازد؟»

در این نوشته، در پوشش محکوم کردن جنایات سران و رهبران اسرائیل در قتل و کشتار مردم غزه، از یک داستان ساخته و پرداخته صهیونیستی که امروز کاملاً رنگ باخته و بطلان آن آشکار گردیده، جانبداری و حمایت و بر آن مهر تأیید زده شده است. علاوه بر این همان روایت و حکایت شایع و معروف صهیونیستی و یهودی درباره جنگ جهانی دوم تکرار و تبلیغ شده و همان دیدگاه، مورد تأیید و پذیرش قرار گرفته است.

راستی! اگر کانون‌های ذی‌نفوذ یهود و سازمان‌های صهیونیستی نام و نشان دار مثل سازمان جهانی صهیونیسم و کنگره جهانی یهود می‌خواستند این قبیل اسرائیلیات را از طریق رسانه‌های داخلی منتشر کنند، چگونه باید اقدام می‌کردند؟

آیا بهتر از این شگرد و شیوه، راهی برای انتشار جعلیات و داستان‌های دروغین و تحریفات جنجالی آنها مقدور و ممکن بود؟

راستی! چگونه این همه سوالات، ابهامات و شبهات بنی اسرائیلی یعنی «اسرائیلیات» در رسانه‌ها منتشر می‌شود، اما اخبار و اطلاعات و موضوعاتی بسیار مهم در همین حوزه، که دانستن آنها برای عموم مردم به ویژه نوجوانان و جوانان دختر و پسر کنجکاو و هوشمند عصر کنونی لازم و ضروری است، باید در پس پرده، محرمانه باقی بماند؟

چگونه و از طریق کدام رسانه ملی و همگانی و یا روزنامه کثیرالانتشار می‌توان به این قبیل اکاذیب و تحریفات و جعلیات بنی اسرائیلی یک به یک پاسخ داد، تا به سمع و نظر همه مخاطبان و علاقه‌مندان برسد و به سوالات و ابهامات آنها پاسخ داده شود؟

راستی! به کدام مقام مسئول، کدام محکمه و مرجع رسیدگی باید شکایت کرد و از چه کسی گله و شکوه نمود؟

در خاتمه یادآوری این خاطره تازه، اما بسیار تلخ خالی از اهمیت نیست که روز سه‌شنبه ۸ بهمن ۱۳۸۷ مقارن با ۲۷ ژانویه ۲۰۰۹م، گروهی از نویسندگان، پژوهشگران، اهالی قلم، دانشجویان، استادان و دانشگاهیان، تحت برنامه‌ریزی و مدیریت یک موسسه مردم نهاد (جمعیت حامیان آزادی قدس شریف) با همکاری اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان مستقل دانشگاه صنعتی شریف، به برگزاری همایشی با عنوان «دروغ مقدس غرب» اقدام نمود. دکتر «فردریک توبن» آلمانی تبار، از استادان دانشگاه‌های استرالیا، از منکران و منتقدان بین‌المللی و معروف افسانه هولوکاست یکی از سخنرانان و میهمانان این همایش بود که در طول سه روز اقامت در تهران طبق برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری میزبان (جمعیت حامیان آزادی قدس شریف) توانست در برخی مراکز و موسسات علمی، فرهنگی و رسانه‌ای سخنرانی کند و مباحث موردنظر را به طور علمی مورد بررسی قرار دهد. برنامه حضور دکتر فردریک توبن در برنامه گفت و گوی ویژه بعد از خبر شبکه دوم سیما به همراه یکی از کارشناسان و پژوهشگران ایرانی این حوزه، به منظور تبیین کارشناسی و تخصصی موضوع

در
زمان مناسب

یادشده، از دیگر طرح‌های میزبان بود که پس از سه روز تلاش مستمر و پی‌گیری‌های جدی، متأسفانه با پاسخ منفی بعضی مقامات، مسئولان و مدیران ذی‌ربط شبکه دوم مواجه شد.

جالب این که در کشاکش این قضایا، آقای «...» که به طور اتفاقی از ماجرا مطلع شده بود، فوراً در شامگاه چهارشنبه ۹ بهمن ۸۷ با تلفن همراه آقای «A» در شبکه دوم سیما تماس برقرار و ایشان را ملزم می‌کند که برای او و آقای فردریک توبن برنامه گفت و گوی ویژه بعد از خبر پنجشنبه ۱۰ بهمن ۸۷ را تدارک دیده و مهیا کند و چنین نیز می‌شود! در این برنامه اگرچه دکتر توبن به نکات ارزشمندی اشاره می‌کند، اما آقای «...» نه تنها درباره اصل موضوع و ماهیت آن از اظهارنظر خودداری می‌کند، بلکه با یک سری کلی‌گویی‌ها، بی‌هیچ صراحت در بیان موضوع و یا اعلام موضع درباره آن، تنها توفیق می‌یابد تا سیمای ایشان از شبکه دو پخش شود. در این برنامه از یک بنیاد خیالی که وجود خارجی ندارد یاد و درباره آن تبلیغ می‌شود.

علاوه بر این، مسئولان و مدیران محترم شبکه دوم سیما و اکثر متخصصان و کارشناسان ذی‌ربط به خوبی واقفند که آقای «...» هیچ‌گاه کارشناس و یا پژوهشگر این حوزه نبوده و نیست و حتی آشنایی لازم را با مباحث یادشده نداشته و ندارد.

از همه مهم‌تر این که، مجری گرامی و محترم برنامه گفت و گوی ویژه بعد از خبر پنج‌شنبه ۱۰ بهمن ۸۷، در همان آغاز گفت و گو، علت حضور آقای فردریک توبن و فلسفه برنامه گفت و گوی ویژه را، برگزاری «همایش دروغ مقدس غرب» در دانشگاه صنعتی شریف اعلام می‌کند.

با این حال، مدیران و مسئولان محترم و ذی‌ربط شبکه دوم به این سوال پاسخ نمی‌دهند که چگونه صدا و سیما از پخش یا اعلام هرگونه خبر یا گزارش «همایش دروغ مقدس غرب» خودداری می‌کند و با سکوت معنادار از کنار آن می‌گذرد اما به بهانه و مناسبت برگزاری همایش، آن هم سه روز بعد و بدون هماهنگی و یا دعوت از دست‌اندرکاران همایش، به بحث و بررسی پیرامون آن می‌نشینند؟

و جالب‌تر آن که فردی را به عنوان صاحب‌نظر یا کارشناس در کنار فردریک توبن می‌نشانند که نه تنها از اصل برنامه همایش خبر ندارد که هیچ سنخیت و ارتباطی نیز با برگزارکنندگان آن نداشته است.

البته نکته‌های شنیدنی و شگفت‌انگیز دیگر در این باره وجود دارد که شرح و یادآوری جزئیات آن در این نوشتار نه به صلاح است و نه صواب.

شرح این حرمان و این خون جگر این زمان بگذار تا وقت دگر

پی‌نوشت‌ها:

۱ و ۲-۳ مطهری، مرتضی، درس‌هایی از قرآن، انتشارات صدرا، ج ۴

جهانی‌شدن حماس

جهانی شدن حماس

قاسم غفوری

رژیم صهیونیستی در حالی در ۱۳۸۷/۱۰/۷ حملات وحشیانه‌اش را علیه ۱/۵ میلیون ساکن غزه آغاز کرد که پس از ۲۲ روز جنایت و ددمنشی سرانجام ضمن اعتراف به ناتوانی در برابر مقاومت، به عقب نشینی و تسلیم شدن در برابر آن وادار شد. در کنار تحولات جاری جنگ غزه نکته قابل توجه در این جنگ که می‌توان آن را شکستی بزرگ برای صهیونیست‌ها و متحدان غربی و عربی آنها دانست، جهانی شدن حماس و مشروعیت یافتن بین‌المللی مقاومت بود. پس از پیروزی جنبش حماس در انتخابات سال ۲۰۰۶ و تشکیل دولت منتخب، رژیم صهیونیستی و متحدانش که این مسئله را شکستی بزرگ می‌دانستند با اعمال تحریم‌های گسترده علیه غزه و استفاده از ابزارهای بین‌المللی بویژه تحرکات کشورهای غربی و آمریکا تلاش کردند تا حماس را نه به عنوان دولت منتخب مردم فلسطین، بلکه به ادعای خودشان گروهی تروریستی معرفی کنند، تا مانع از مشروعیت بین‌المللی آن شوند. هرچند که صهیونیست‌ها و متحدانشان برای این امر ۳ سال فعالیت همه‌جانبه داشتند، اما نه تنها این توطئه محقق نشد، بلکه هر روز بر جایگاه جهانی مقاومت افزوده شد. در این میان و در وضعیتی که صهیونیست‌ها بر این ادعا بودند که برای سرکوب به اصطلاح گروهی تروریستی جنگ غزه را آغاز کرده‌اند و جامعه جهانی نیز باید از آن حمایت کند، نتایج ۲۲ روز جنگ خلاف این ادعا را اثبات کرد. جهان در واکنشی معکوس حماس را نه تنها به عنوان دولتی منتخب و مردمی بلکه الگویی برای تمام آزادی‌خواهان جهان دانست که برای دفاع از خاک و ملت خویش به مقاومت پرداخته است.

در باب جهانی شدن حماس و الگوی مقاومت و شکست طرح صهیونیست‌ها برای ایجاد به اصطلاح اجماع جهانی علیه آنها می‌توان به نکاتی چند اشاره کرد (الف) از همان روزهای آغازین جنگ ۲۲ روزه جهان اسلام و سراسر عرصه بین‌الملل شاهد برپایی تظاهرات گسترده حامیان مقاومت بود که به رغم تمام تحرکات تبلیغاتی صهیونیست‌ها و متحدانشان، یکصدا با اعلام حقانیت مقاومت، حمایت خود را از حماس اعلام کردند. تظاهرات مردم جهان و تاکید آنها بر حمایت از مقاومت ملت فلسطین و لزوم در نظر گرفتن این گزینه به عنوان یک عنصر فعال و موثر در معادلات منطقه‌ای، بیانگر فراگیر شدن فرهنگ مقاومت است. افکار عمومی جهان با تمجید از مقاومت شجاعانه رزمندگان فلسطینی و مردم غزه در برابر وحشیگری توصیف‌ناپذیر صهیونیست‌ها، خواستار حمایت از مقاومت شدند.

(ب) اعتراف به قدرت و جایگاه حماس و مقاومت، صرفاً معطوف به افکار عمومی جهان نبود، بلکه در عرصه داخلی رژیم صهیونیستی نیز اعتراف‌های مشابهی را شاهدیم. بسیاری از کارشناسان و آگاهان نظامی و سیاسی رژیم



روزنامه صهیونیستی «هاآرتص» در گزارشی، با اشاره به تقویت روحیه مقاومت فلسطینی‌ها پس از نبرد ۲۲ روزه در نوار غزه نوشت: جنگ غزه با شکست کامل اسرائیل پایان یافت.

نتیجه‌گیری

در جمع‌بندی کلی از تحولات جنگ غزه می‌توان گفت که ابعاد شکست صهیونیست‌ها و متحدانشان در برابر مقاومت غزه صرفاً در قالب نظامی، اطلاعاتی و امنیتی نبوده است، بلکه در بعد مهم افکار عمومی جهان و اجرای توطئه در انزوا قرار دادن آن نیز می‌توان این ناکامی را مشاهده کرد. بر این اساس چنانکه حزب الله لبنان پس از جنگ ۳۳ روزه به جایگاهی جهانی دست یافت، اکنون نیز مقاومت فلسطین به این منزلت دست یافته که نتیجه آن شکست تمام توطئه‌های سه سال گذشته دشمنان مقاومت برای انزوای دولت منتخب و مردمی حماس است.



یدیعتو آحارونوت: تجاوز ارتش اسرائیل به نوار غزه باعث افزایش محبوبیت حماس و کاهش نیروهای مخالف با آن شد

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- روزنامه صهیونیستی هاآرتص ۱۳۸۷/۱۱/۰۶
- ۲- روزنامه صهیونیستی یدیعتو آحارونوت ۱۳۸۷/۱۱/۰۴
- ۳- شبکه تلویزیونی الجزیره، ۱۳۸۷/۱۱/۰۴
- ۴- پایگاه اینترنتی المحيط ۱۳۸۷/۱۱/۰۶

صهیونیستی اذعان کرده‌اند که جنگ غزه صرفاً موقعیتی منطقه‌ای و جهانی برای حماس به همراه داشته که دیگر نمی‌توان با آن مقابله کرد. در همین زمینه روزنامه صهیونیستی «هاآرتص» در گزارشی، با اشاره به تقویت روحیه مقاومت فلسطینی‌ها پس از نبرد ۲۲ روزه در نوار غزه نوشت: جنگ غزه با شکست کامل اسرائیل پایان یافت. اقدامات اسرائیل ضربه مهلکی را به موقعیت آن نزد افکار عمومی جهان وارد کرده است.^۱ روزنامه یدیعتو آحارونوت نیز پیش‌تر با اشاره به نظر کارشناسان این رژیم اعتراف کرده بود که تجاوز ارتش اسرائیل به نوار غزه باعث افزایش محبوبیت حماس و کاهش نیروهای مخالف با آن شد و تاکید کرد که این درگیری حماس را به عنوان یک واقعیت در میان کشورهای عربی نشان داد.^۲

ج (در کنار افکار عمومی جهان و اعتراف‌های محافل رسانه‌ای و سیاسی رژیم صهیونیستی بر جایگاه جهانی مقاومت، تاکید نهادهای مدنی و حقوق بشر و سازمان‌های بین‌المللی مبنی بر حقانیت مقاومت غزه و لزوم محاکمه سران رژیم صهیونیستی به جرم ارتکاب جنایات‌های جنگی در وضعیتی که صهیونیست‌ها سعی داشتند تا سرکوب فلسطینی‌ها را به اصطلاح مبارزه با تروریسم عنوان کنند، می‌توان نشانه دیگری از جهانی شدن جایگاه مقاومت دانست. چنان‌که در اقدامی هماهنگ حدود ۳۵۰ سازمان و کانون و کلا از جمله کانون و کلاهای عرب، و کلاهای اروپایی و جمعیت‌های مدنی موسوم به ائتلاف بین‌المللی برای محاکمه جنایات‌های جنگی رژیم صهیونیستی، علیه این رژیم به دادگاه لاهه اقامه دعوی کردند.^۳ همچنین دادگاه جنایی بین‌المللی خواستار محاکمه پنج تن از سران صهیونیست به اتهام ارتکاب جنایات جنگی در نوار غزه شد.^۴ این موضع‌گیری‌ها نشان داد که جهان بر ماهیت مردمی حماس به عنوان دولتی منتخب تاکید دارد و حربه انزوای حماس دیگر کارایی خود را از دست داده است.

بررسی تحولات جنگ غزه و واکنش‌های جهانی به صراحت نشان می‌دهد که این جنگ برخلاف نظر صهیونیست‌ها و متحدانشان که خواستار نابودی مقاومت بودند، نه تنها به این نتیجه نرسید، بلکه دستاورد آنها مقبولیت و مشروعیت جهانی حماس و مقاومت بود که سبب شد تا جهان اذعان کند که حماس دولت منتخب فلسطین و مقاومت تنها گزینه برای حفظ آرمان‌های فلسطینیان است. این جنگ صفت‌بندی‌های جدیدی را در عرصه منطقه‌ای و جهانی به همراه داشت که در یک سوی آن مقاومت و گروه‌های فلسطینی قرار داشتند که افکار عمومی منطقه و جهان به رغم تمام تبلیغات مسموم دشمنان مقاومت به حمایت از آنها پرداختند، تا نشان دهند که صهیونیست‌ها و متحدانشان در جهان جایگاهی ندارند و در سوی دیگر آن رژیم صهیونیستی و برخی متحدان عربی و غربی آنها قرار داشتند که به رغم تمام فعالیت‌های سیاسی و تبلیغاتی، سرانجام در برابر مقاومت تسلیم شدند، بویژه اینکه در عرصه افکار عمومی نیز با ناکامی سنگینی در برابر مقاومت مواجه شده بودند.

مسادا

حقیقت یا افسانه

بخش اول

نویسنده: احمد الشحات هیکل
مترجم: علی عباسی

اشاره

یهودیان، همان گونه که قرآن^۱ به تحریف‌گری آنها صراحت دارد، در بسیاری از وقایع تاریخی دست می‌برند و حوادث را آن‌گونه تاویل و تفسیر می‌کنند که در حال حاضر به آن نیاز دارند. ضمن آنکه اساساً ممکن است برخی وقایع را قلب و اصل ماجرا را به گونه‌ای دیگر بیان کنند.

هولوکاست یا افسانه قتل عام شش میلیون یهودی در جنگ جهانی دوم، یکی از نمونه‌های بارز تحریف‌گری یهودیان در عصر مدرنیسم است که عده‌ای از مورخان آزاده با انواع و اقسام شیوه‌های علمی و فرهنگی آن را افشا کرده و زیر سوال برده‌اند.

داستان مسادا از مشهورات نادر تاریخ یهود است که هم‌اکنون یهودیان با رنگ و لعابی که به آن داده‌اند، به آن می‌بالند و آن را در قالب‌های مختلف به رخ جهانیان می‌کشاند که ساخت فیلم مسادا به کارگردانی بوریس ساگال و با نقش‌آفرینی پیتر اتول^۲ از نمونه‌های آشکار سرمایه‌گذاری کمپانی‌های صهیونیستی همچون یونیورسال است که با این هدف برای آینده و حال یهود از بطن تاریخ سراسر محنت و مخدوش‌شان، اسطوره استخراج می‌کنند.



مسادا در منابع یهود

مسادا، کلمه‌ای عبری به معنی قلعه و پناهگاه است. مسادا قلعه‌ای قدیمی است که در سال ۱۸۴۲ در جنوب شرقی فلسطین، بر روی کوهی صخره‌ای (که در منابع عبری تپه مسادا و در منابع عربی تپه مصعده یا مسعده یا سبه گفته شده است) کشف شد. این کوه در قسمت شرق بیابان بحرالمیت^۳ قرار دارد. قلعه مسادا از لحاظ طبیعی پناهگاه خوبی است، چرا که در قله کوه واقع شده است و دامنه‌های کوه نیز شیب بسیار تندی دارد. ارتفاع قسمت شرقی قلعه به ۴۵۰ متر می‌رسد، در حالی که قسمت غربی آن ۱۰۰ متر ارتفاع دارد. طول قلعه ۶۰۰ متر و عرض آن بین ۱۳۰ تا ۲۴۰ متر است. ارتفاع کوه از سطح دریا ۴۶۲ متر است. از سوی دیگر به وسیله دره‌های عمیقی از قسمت خشکی اطراف خود جدا شده و راه‌های منتهی به قلعه صعب‌العبور و خطرناک است.

دور قلعه دیواری به طول ۱۴۰۰ متر و ضخامت ۴ متر کشیده شده بود که تعداد زیادی برج روی این دیوار وجود داشت. این قلعه منابع آبی کافی داشته که از آب باران تامین می‌شده است. باتوجه به مواردی که گفته شد دشمنانی که قصد ورود به این منطقه را داشتند باید از جان خود می‌گذشتند.

براساس اطلاعاتی که یوسف‌بن متی‌هاو (۳۷-۱۰۱ م) - که در منابع غربی به یوسفوس فلاویوس معروف است - آورده است، هردوس (۷۴-۴ ق م) که در سرزمین یهودا حکم می‌راند (۳۷-۴ ق م) این قلعه را بین سال‌های (۳۷-۳۱ ق م) ساخته و منابع آبی و آذوقه کافی در آن قرار داده بود و او در آنجا قصر باشکوهی برای خود ساخته بود. البته برخی مورخان معتقدند که این بنا قبل از این تاریخ درست

شده است.

افسانه مسادا طبق آنچه در مدارس اسرائیل به دانش آموزان آموزش داده می شود- در سال ۶۶ م و با آغاز نافرمانی گروهی از یهودیان و فرار آنها به سمت قلعه مسادا و تصرف آن قلعه آغاز شد. این عده سیکاری ها^۴ نامیده می شدند. در سال ۷۰ م عده دیگری از سیکاری ها به آنان ملحق شدند. همه این افراد از کسانی بودند که قبل از آنکه ارتش روم، قدس را اشغال کند از آنجا گریخته بودند. سیکاری ها تحت رهبری «العیازار بن یائیر» در این قلعه پناه گرفتند. آنها هنگامی که متوجه شدند رومی ها به سمت آنان لشگرکشی کرده اند با خود پیمان بستند که تا آخرین نفس از قلعه مسادا دفاع کنند. ارتش روم قلعه را به محاصره خود درآورد، به طوری که هیچ کس نمی توانست از این محاصره فرار کند. یهودیان حاضر در قلعه ۹۶۰ نفر بودند. این عده سه سال در مقابل ارتش روم از قلعه دفاع کردند. اما در سال ۷۳ و هنگامی که به شکست خود در برابر رومی ها مطمئن شدند، دو راه پیش روی خود دیدند: اول اینکه شکست سختی از سپاه روم بپذیرند و به بدترین نحو کشته شوند و یا اینکه اسیر شوند و به اسرای جنگی تبدیل گردند. در این هنگام آنها همه اشیای قلعه را به آتش کشیدند. سپس به صورت دسته جمعی خودکشی کردند.



افسانه مسادا طبق آنچه در مدارس اسرائیل به دانش آموزان آموزش داده می شود- در سال ۶۶ م و با آغاز نافرمانی گروهی از یهودیان و فرار آنها به سمت قلعه مسادا و تصرف آن قلعه آغاز شد.

العیازار بن یائیر قبل از خودکشی سخنرانی کرد و مردم را به مرگ دسته جمعی و خودداری از پذیرش شکست و تسلیم شدن دعوت کرد. او در آغاز این سخنرانی گفت:

ما هیچ گاه خود را خدمتگزاران رومی ها و یا هیچ کس دیگری قرار نمی دهیم، جز خداوند متعال که عین عدالت و حقیقت و آفریدگار بشر است.

بنا به شهادت شاهدان - که یوسف بن متیتاهو آنها را ثبت کرده است - مردها، زنان و فرزندان خود را کشتند. سپس قرعه کشی و از بین خود ده نفر را انتخاب کردند تا این عده بقیه مردان را بکشند. این ده نفر نیز یک نفر را انتخاب کردند تا نه نفر دیگر را بکشد و در آخر نیز قبل از تصرف قلعه، این

یک نفر هم خود را کشت.

از حدود هزار نفری که در قلعه مسادا سنگر گرفته بودند هفت زن و کودک باقی ماندند که در لوله های آب مخفی شده بودند. بله، مقدر بود که این عده زنده بمانند تا قصه مسادا را منتشر کنند.

بهره برداری صهیونیسم از مسادا

در ابتدا صهیونیست ها از ترویج بسیاری از افسانه های تورات- که مطابق ایدئولوژی آنها نبود- خودداری می کردند. مثلاً نجات بشر به وسیله ظهور مسیح را رد می کردند، در مقابل به ساخت افسانه های دیگری می پرداختند که با اهداف آنها سازگار باشد. قصه مسادا نیز برای نیاز سران صهیونیسم به قانع کردن افکار عمومی ترویج شد. آنها با این داستان به یهودیان باوراندند که اجداد آنها مرگ را به رها کردن سرزمین و ذلت اسارت ترجیح می دادند و به همین علت هم اسطوره های مقاومت و شجاعت شدند. میخا یوسف بردیچفسکی^۵ از مروجان مهم قصه مسادا بود. او این اسطوره را به عنوان الگوی شجاعت و فداکاری در راه دفاع از سرزمین مطرح کرده بود. البته در زمینه شاخ و برگ دادن به این داستان در بین جوانان یهودی در فلسطین، شمیریا گوتمان^۶ اقدامات موثرتری انجام داد.

در خور ذکر است که قصه قلعه

مسادا در تاریخ یهود به مدت چند قرن به صورت حلقه گمشده ای درآمده بود، تا اینکه ترجمه دکتر یعقوب نفتالی سمحونی از کتاب جنگ یهود علیه روم در سال ۱۹۲۳ م در ورشو منتشر شد. اصل این کتاب نوشته یوسف بن متیتاهو است. این ترجمه در یادآوری این افسانه قدیمی برای مهاجران یهود اهمیت بسزایی داشت. پس از او اسحاق لمدان^۷، شاعر یهودی، قصیده بلندی درباره مسادا سرود. این قصیده بین سال های ۱۹۲۳ و ۱۹۲۴ م منتشر شد و در سال ۱۹۲۷ م نیز به شکل مجموعه به چاپ رسید. لمدان در این قصیده با روشی تراژیک، سختی هایی را بیان می کند که در مهاجرت سوم یهودیان^۸ گریبانگیر آنان شده بود و احساس تفرقه و یاس و خودکشی میان یهودیان را به تصویر می کشد. در این قصیده تسلط دشمنان یهود بر جهان یکی از

کنند. همچنین بعضی گروه‌های تندرو نیز فلسفه سیکاری‌ها را برای ترور دیگران بنیاد نهادند، تا جایی که حتی بعضی از آنها نام سیکاری بر گروه خود گذاشتند؛ مانند گروهک سری یهودی که در دهه ۷۰ برای انفجار مسجدالاقصی برنامه‌ریزی کرده بود.

روزنامه یدیعوت احرونوت، در شماره روز جمعه ۲۰۰۵/۵/۱۴ به وجود

یگان‌های رزمی جدید باعنوان مسادا اشاره کرد. این نیروها در پایان سال ۲۰۰۳ م با هدف کشتار بازداشت‌شدگان اعراب و فلسطینی در بازداشتگاه‌ها و زندان‌های اسرائیل تاسیس شد. آنها قصد داشتند به این وسیله گروهان‌هایشان را آزاد کنند و کنترل امور زندان را نیز در دست گیرند و از سوی دیگر مانع ایجاد شورش در داخل زندان شوند. افسانه مسادا به تازگی از یک نماد ایدئولوژیک ملی به یک چشم‌انداز سیاحتی تبدیل شده است تا علاوه بر تبلیغات فرهنگی، منافع اقتصادی صهیونیست‌ها را نیز تامین کند. قلعه مسادا هم‌اکنون بعد از دیوار غربی بیت‌المقدس - که در منابع عبری به دیوار ندبه معروف است^۱ - مقام دوم آثار تاریخی اسرائیل را کسب کرده است. البته این مقام بعد از ترمیم قلعه به دست مهندسان اسرائیلی به مسادا داده شد. در سال ۱۹۷۱ م نیز، از قسمت شرقی کوه، تله‌کابینی به سمت قله کوه راه‌اندازی شد. در سال ۲۰۰۱ م یونسکو این قلعه را به عنوان یک اثر تاریخی به ثبت رساند.

از آنچه گذشت روشن می‌شود که امروز دیگر مسادا جزء لاینفک هویت شخصی و اجتماعی یهودیان و از افسانه‌های مهم ساختگی یهود



افسانه مسادا به تازگی از یک نماد ایدئولوژیک ملی به یک چشم‌انداز سیاحتی تبدیل شده است تا علاوه بر تبلیغات فرهنگی، منافع اقتصادی صهیونیست‌ها را نیز تامین کند

به نفع رژیم صهیونیستی به حساب می‌آید.

پی‌نوشت‌ها:

۱- قرآن کریم، سوره مبارکه نساء آیه ۴۶.

۲- وی برنده جایزه اسکار و بازیگر معروف نقش اول در فیلم لارنس عربستان

مشکلات یهودیان عنوان و به افسانه مسادا به عنوان الگویی برای آزادی یهود توجه شده بود. بعد از انتشار این قصیده بود که مسادا به عنوان نمادی درآمد که در حافظه یهود باقی ماند. گفته می‌شود قصیده لمدان مهم‌ترین متنی است که در خلال قیام ورشو - که در آگوست ۱۹۴۴ م برضد نیروهای آلمانی شکل گرفته بود - الهام‌بخش یهودیان شد.^۲ پس از آن یهودیان به

کشف این حلقه گم شده همت گماشتند و آن را به وسیله کاوش‌های باستان‌شناسی خود تحکیم کردند.

در جنگ جهانی دوم، هنگامی که ارتش آلمان پیشروی را در شمال آفریقا آغاز کرد، یهودیان فلسطین می‌ترسیدند که آلمان‌ها به آنجا برسند، به همین علت تاریخ‌نگاران و اسطوره شناسان خود را مجبور کردند تا این اسطوره‌ها را دوباره احیا کنند. به همین لحاظ قضیه مسادا را ترویج کردند تا روحیه یهودیان را تقویت کنند و آنها را به سوی مرگ با عزت فراخوانند. آنها این اشعار را سرمی‌دادند که «مسادا دیگر سقوط نخواهد کرد».

جنبش‌های جوان‌گرایی صهیونیستی از این اسطوره برای شکل‌دهی هویت نوجوانانی استفاده می‌کردند که به تازگی عضو این جنبش‌ها شده بودند و به نوعی عملیات وسیع شستشوی مغزها را آغاز کردند تا به یهودیان بقبولانند که مرگ یا خودکشی دسته‌جمعی بهتر از تسلیم شدن در برابر اشغالگران است. به همین منظور در سال ۱۹۴۰ م در امریکا سازمان جوانان صهیونیستی با نام مسادا

تشکیل شد که بعضی از اعضای آن در زمینه شهرک‌سازی یهودی در فلسطین نیز فعالیت می‌کردند.

گروه‌های مسلح رژیم صهیونیستی - به ویژه نیروهای پالماخ - در دهه چهارم قرن بیستم قلعه مسادا را به عنوان محل آموزش سلاح انتخاب کردند تا به این وسیله از قصه مسادا برای جنبش‌های خشونت‌طلب و تروریست بهره‌برداری

NATIONAL GEOGRAPHIC

THE REAL King Herod

ARCHITECT OF THE HOLY LAND

MAP SUPPLEMENT OLD JERUSALEM

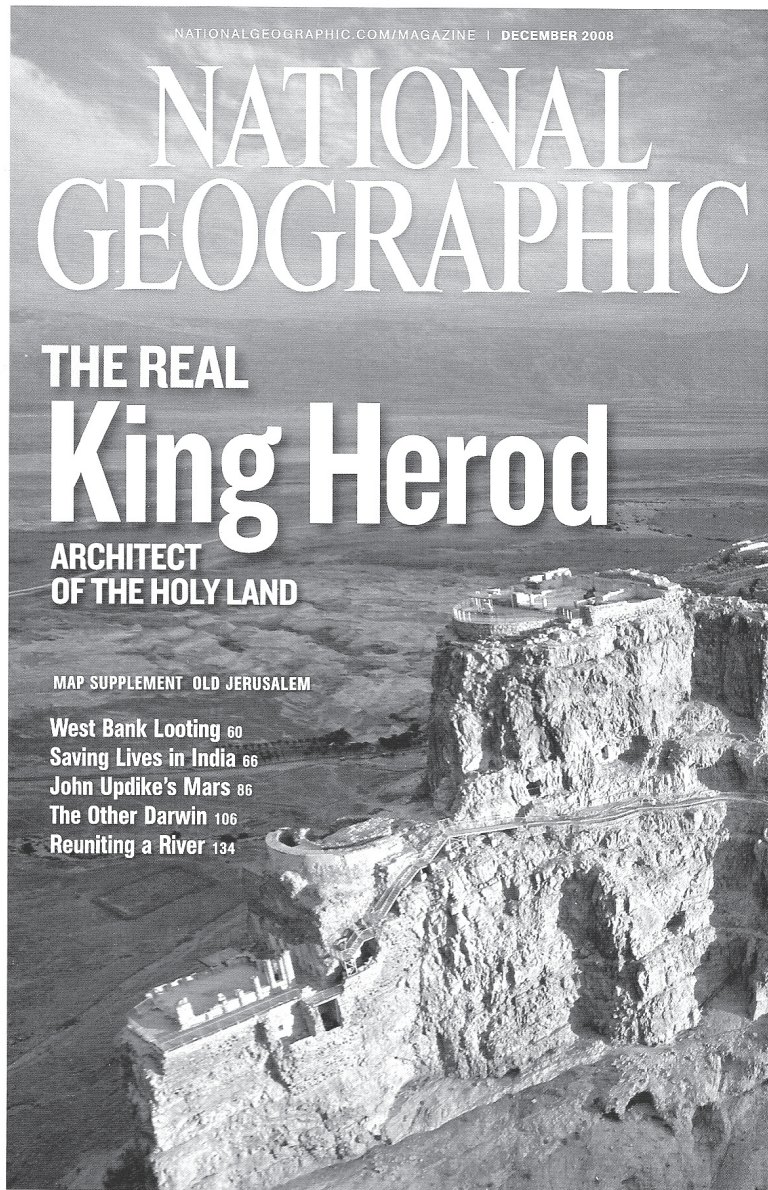
West Bank Looting 60

Saving Lives in India 66

John Updike's Mars 86

The Other Darwin 106

Reuniting a River 134



راستی ماهنامه معروف National Geographic
در آخرین شماره خود و در آستانه حمله همراه با شکست اسرائیل به غزه ضمن انتشار یک نقشه بسیار فنی و شکیل از هیکل سلیمان و توزیع آن همراه ماهنامه، گزارشی از مسائل فلسطین ارائه کرد و جالبتر از همه، آوردن تصویری از قلعه مسادا بر روی جلد آن بود.

است.

۳- این صحرا که در منابع عبری تحت عنوان «صحرای یهودا» شناخته می‌شود، در جنوب کرانه باختری و شمال نقب، در ساحل بحرالمت واقع شده است.

۴- سیکاری‌ها (Sicarii) از کلمه لاتین (Sica) گرفته شده و به معنای خنجر کوچک است. به سبب اینکه این عده همواره با خود خنجر حمل می‌کردند به این نام خوانده می‌شدند. سیکاری‌ها خنجر خود را داخل لباس‌هایشان مخفی می‌کردند و برای کشتن قربانیان خود آن را بیرون می‌کشیدند. آنها به‌ویژه از عیدها برای غارت و کشتار مردم استفاده می‌کردند. از مهم‌ترین قربانیان این عده، یوناتان (کاهن بزرگ یهودی) بوده است.

۵- میخا یوسف بن گوریون (بردیچفسکی) در سال ۱۸۶۵ در اوکراین متولد شد و در سال ۱۹۲۱م درگذشت. او ادیب و متفکر معروف یهودی بود که ایجاد تغییر در ارزش‌های فکری یهود را خواستار شده بود. او تالیفاتی به زبان عبری و آلمانی دارد.

۶- شمیریا گوتمان در سال ۱۹۰۹م در خانواده روسی‌الاصل در اوکراین متولد شد و در سال ۱۹۹۶م در اسرائیل درگذشت. خانواده‌اش در سال ۱۹۱۲م به فلسطین مهاجرت کردند. او از اولین سواره‌نظام‌های جنبش صهیونیستی جوانان کارگر بود. وی در سال‌های ۱۹۴۲ و ۱۹۴۳م گروهک سری یهود را برای آموزش نظامی یهودیان و آماده‌سازی آنان برای مهاجرت به سرزمین‌های اشغالی در عراق تاسیس کرد. گوتمان همچنین از نخستین رهبران یگان‌های عرب کرانه باختری بود. وی کارشناس مناطق جغرافیایی و باستانی فلسطین بود، به ویژه در زمینه قلعه مسادا - که در سال ۱۹۳۳م برای اولین بار آن را دید - تالیفات بسیاری دارد.

۷- اسحاق لمدان (۱۸۹۹م - ۱۹۵۴م) از شاعران بزرگ یهود بود که شعرهایش را به عبری می‌نوشت. وی در اوکراین متولد شد و در سال ۱۹۲۰م به فلسطین مهاجرت کرد. او در زمره مهاجران مرحله سوم صهیونیست‌ها به شمار می‌رود. لمدان یکی از سه نفری است که شعر عبری معاصر را در فلسطین بنیاد نهادند (این سه نفر عبارت‌اند از: لمدان، ابراهام شالونسکی و اوری تسفی گیرنبرگ).

۸- در منابع مطالعاتی [نویسنده]، مهاجرت‌های صهیونیستی، به فلسطین، به چند دسته تقسیم می‌شود. هر کدام از این دسته‌ها، عوامل و ویژگی‌های خاص خود را دارد. این تقسیم‌بندی به این قرار است: مهاجرت اول (۱۸۸۲ - ۱۹۰۳)، مهاجرت دوم (۱۹۰۴ - ۱۹۱۸)، مهاجرت سوم (۱۹۱۹ - ۱۹۲۳)، مهاجرت چهارم (۱۹۲۴ - ۱۹۳۲) و مهاجرت پنجم (۱۹۳۳ - ۱۹۳۹). [این تقسیم‌بندی البته کامل نیست]

۹- می‌گویند در گتوی معروف ورشو قیام یهودیان علیه نازی‌ها شکل گرفت که در آن یهودیان از خود در قبال تهاجم نازی‌ها دفاع می‌کردند. این قیام در قالب یک فیلم از هالیوود به تصویر کشیده می‌شود که در آن رشادت‌های بسیار عجیب و غریبی از یهودیان خلق می‌شود!!! همچنین کتابی در ایران تحت عنوان رستاخیز گتوها به این موضوع می‌پردازد.

۱۰- در منابع اسلامی به دیوار براق معروف است.



روند تغییر مالکیت اراضی فلسطینی و تصرف دارایی‌های فلسطینی‌ها موضوعی درخور توجه است، چرا که آگاهی از این امر ماهیت اصلی پروژه صهیونیسم و حمایت بین المللی از آن توسط قدرت‌های استعمارگر را بیشتر آشکار می‌کند.

الف) پیش از جنگ سال ۱۹۴۸

اشغال سرزمین فلسطین در سال ۱۹۴۸، نقطه اوج حرکتی بود که از سال‌ها پیش از آن برای اسکان یهودیان در سرزمین فلسطین آغاز شده بود. پیش از سال ۱۸۸۲، تنها ۸ هزار یهودی در این سرزمین زندگی می‌کردند. در اولین موج مهاجرت یهودیان که از سال ۱۸۸۲ آغاز شده و تا سال ۱۹۰۳ ادامه داشت، با حمایت صهیونیسم بین الملل که در آن موقع (Hovevei Zion) نام داشت حدود ۳۵ هزار مهاجر یهودی به خاک فلسطین گام نهادند و موج دوم مهاجرت نیز در فاصله سالهای ۱۹۰۴ تا ۱۹۱۴ اتفاق افتاد و حاصل آن ورود ۴۰ هزار مهاجر یهودی دیگر به فلسطین بود. به همین ترتیب از سال ۱۹۱۹ تا ۱۹۲۳ نیز ۴۰ هزار نفر و طی سالهای ۱۹۲۴ تا ۱۹۲۹، ۸۲ هزار نفر روانه فلسطین شدند. در پی توافق سازمان صهیونیسم با نازی‌های آلمان برای مهاجرت یهودیان ساکن آلمان به این کشور، طی موج پنجم مهاجرت در فاصله سال‌های ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۹، ۲۵۰ هزار نفر و در موج ششم یعنی از سال ۱۹۳۹ تا ۱۹۴۸، ۱۵۰ هزار یهودی دیگر وارد فلسطین شدند. براساس آمارهای فوق، در سال ۱۹۴۸، ۶۰۸ هزار و ۲۲۵ یهودی در فلسطین زندگی می‌کردند که کل اراضی تحت تملک آنها به یک میلیون و ۵۸۵ هزار و ۳۶۵ دونم، یعنی تنها ۷ درصد این سرزمین بالغ می‌شد و جمعیت فلسطینی‌ها به یک میلیون و ۴۰۰ هزار فلسطینی می‌رسید.^۱

در سال ۱۹۴۷ به موجب قطعنامه تقسیم فلسطین در سازمان ملل، ۵۶ درصد مساحت تاریخی فلسطین به یهودیان اختصاص داده شد و این در حالی بود که مالکیت ۸۰ درصد اراضی اعطا شده به یهودیان در دست فلسطینیان بود. به موجب این قطعنامه، ۷۲۵ هزار عرب فلسطینی در یک سو و ۱۰ هزار یهودی در دو بخش عربی و یهودی فلسطین قرار گرفتند.^۲

ب) پس از سال ۱۹۴۸

طی جنگ ۱۹۴۸، نیروهای اسرائیلی ۵۳۱ روستا و شهر فلسطینی مورد پاکسازی نژادی قرار دادند و کاملاً تخریب کردند. در این سال، ۸۵ درصد ساکنان مناطق فلسطینی واقع در اراضی اشغالی ۴۸ برابر با ۷۸ درصد مساحت فلسطین که به بیش از ۸۴۰ هزار نفر می‌رسیدند مجبور به مهاجرت شدند.

اسرائیل در این زمان ۱۷ میلیون و ۱۷۸ هزار دونم از اراضی فلسطینی‌ها را تصاحب کرد و تنها ۱۵۰ هزار فلسطینی در این مناطق اشغالی باقی ماندند و ۱۵ هزار فلسطینی نیز کشته شدند. در فاصله سال‌های ۱۹۴۸ و اوایل دهه ۵۰ میلادی، صهیونیست‌ها ۷۰ درصد از اراضی تحت مالکیت فلسطینی‌ها را غصب کردند.^۳

در سال ۱۹۵۰، کنست رژیم صهیونیستی قانونی را تصویب کرد که به موجب آن هر کس که قبل، طی و پس از جنگ ۱۹۴۸ در اراضی اشغالی ۴۸، حضور نداشته است، صرفنظر از علت آن غایب شمرده شده و زمین وی مصادره می‌شد. همچنین به موجب قانون دیگری که با نام «قانون استرداد اراضی» که در سال ۱۹۵۳ به تصویب رسید، تصاحب اراضی عرب‌ها قانونی شمرده شد.^۴

ج) پس از سال ۱۹۶۷

در پی وقوع جنگ سال ۱۹۶۷، رژیم صهیونیستی موفق شد با شکست دادن ارتش‌های کشورهای عربی، کل مساحت فلسطین و نیز ارتفاعات جولان در سوریه و صحرای سینای مصر را به تصرف خود درآورد. در این زمان، رژیم صهیونیستی با فراغت بال، اقدام به مصادره اراضی فلسطینی‌ها و ساخت شهرک‌های مختلف صهیونیست نشین در نوارغزه و کرانه باختری نمود. به طوریکه تا سال ۲۰۰۲، ۱۸ شهرک صهیونیست نشین در نوارغزه و تا سال ۲۰۰۶، ۱۴۴ شهرک صهیونیست نشین در کرانه باختری با جمعیت ۴۷۵ هزار و ۷۶۰ نفر ساخته شد.^۵ تا سال ۲۰۰۰، ۵۰ درصد اراضی باقی مانده تحت تملک فلسطینی‌های مقیم اراضی اشغالی ۱۹۴۸ به دست صهیونیست‌ها تصاحب شد.^۶ گرچه سازمان ملل نیز تداوم اشغال اراضی سال ۱۹۶۷ را از سوی اسرائیل نامشروع می‌داند، ولی به هر حال کرانه باختری توسط دیوار حائل به بخش‌هایی پراکنده و کوچک تقسیم شد و صهیونیست‌ها به روند زمین‌خواری خود ادامه دادند.

د) قرارداد اسلو

در سال ۱۹۹۳ و در پی امضای قرارداد اسلو که مهم‌ترین دستاورد حکومت خودگردان و گامی به عقب برای صهیونیست‌ها محسوب می‌شود

اسرائیل، متعهد شد که محل استقرار سربازانش را از مرکز شهرهای عمده کرانه باختری (جنین، طولكرم، نابلس، رام الله، بیت لحم، اریحا، قلقیله و الخلیل) به حومه آنها منتقل کند. بدین ترتیب اسرائیل، مدخل‌های ورودی و خروجی شهرها و نیز کلیه جاده‌های منتهی به کرانه باختری را تحت نظر گرفت. فلسطینی‌ها، امور شهرها و حدود ۴۰۰ روستای درون کمربند امنیتی ایجاد شده به وسیله رژیم صهیونیستی را به عهده گرفتند، ولی مسئولیت واقعی حفظ امنیت، منابع یا زمین‌های خارج از مراکز مسکونی به عهده اسرائیلی‌هاست و فلسطینی‌ها حق مداخله در امور مهاجران، پلیس و ارتش اسرائیل را ندارند. اسرائیل همچنین اختیار امور ۵۰ تا ۶۰ روستای فلسطینی را برعهده دارد. بر این اساس کرانه باختری به ۳ قسمت A، B، C تقسیم شد. منطقه A که ۳ درصد کرانه باختری را تشکیل می‌دهد و شامل شهرهای مذکور بوده و تحت حاکمیت غیرنظامی تشکیلات خودگردان است. کنترل امنیتی مناطق B که متضمن ۶۸ درصد سکنه فلسطینی کرانه باختری و ۲۲/۸ کل مساحت کرانه باختری می‌شود برعهده رژیم صهیونیستی و اداره امور اقتصادی، اجتماعی آن به عهده تشکیلات خودگردان است. مناطق C یعنی ۷۴/۲ درصد کرانه باختری نیز به طور کامل تحت کنترل اسرائیل است. همچنین طی قرارداد اسلو، ۶۰ درصد نوارغزه که مجموعاً ۲۸۸ کیلومتر مربع است به تشکیلات خودگردان سپرده شد. طبق قرارداد شرم الشيخ که به «وای ریور ۲» موسوم شد، مقرر شد ۱۰ درصد از منطقه C به منطقه B و ۸/۱ درصد از مناطق B و C به منطقه A منتقل شوند. ولی با این حال این قراردادهای ناعادلانه نیز که در صورت اجرایی شدن آنها، ۴۰ درصد سرزمین‌های اشغالی به صورت پراکنده به فلسطینی‌ها اختصاص می‌یافت عملی نشد و رژیم صهیونیستی از آن امتناع کرد و تنها یک درصد از منطقه C را به منطقه A تبدیل کرده و واگذاری سایر درصدها و مراحل را معلق کرد. براساس آخرین وضعیت، در حال حاضر منطقه C، ۶۰ درصد مساحت کرانه باختری با ۷۰ هزار نفر فلسطینی را شامل می‌شود. همچنین ۲۸۳ هزار شهرک نشین صهیونیست در این منطقه ساکن هستند.^۸

هـ) عقب نشینی از نوارغزه

به هر حال هزینه‌های تداوم اشغالگری، رژیم صهیونیستی را مجبور ساخت یکجانبه و بدون هماهنگی با طرف فلسطینی از نوارغزه عقب نشینی کند و با این اقدام، علاوه بر ارائه چهره‌ای صلح طلب از خود در سطح بین المللی، شهرک‌های کرانه باختری را توسعه بخشد و همچنان نوارغزه را تحت نظارت و محاصره خود داشته باشد. به این ترتیب در سال ۲۰۰۵ نوارغزه با ۳۶۰ کیلومتر مربع وسعت در اختیار تشکیلات خودگردان قرار گرفت.

و) پس از کنفرانس صلح آنابولیس

در پی تحولات به وجود آمده در عرصه سیاسی فلسطین، به قدرت رسیدن جنبش حماس و تحریم آن از جانب آمریکا، کشورهای اروپایی و کمک کننده شاهد برگزاری کنفرانس به اصطلاح صلحی برای پیشبرد روند سازش در آنابولیس آمریکا (۲۰۰۷) بود. به رغم تعهدات رژیم صهیونیستی در این کنفرانس در مورد توقف شهرک‌سازی، روند حوادث بعدی نشان داد

که این رژیم به هیچ یک از تعهدات خود پایبند نیست. هم اکنون در کرانه باختری بالغ بر ۸۰ پست ایست و بازرسی و ۴۴۶ مانع حرکتی از جمله بلوک‌های سیمانی، توده‌های خاک و دروازه وجود دارد که تردد فلسطینی‌ها را به طور تبعیض آمیزی محدود کرده و بر وضعیت اقتصادی آنان تأثیر بسیار نامطلوبی داشته است. در حالی که انتظار می‌رفت پس از کنفرانس آنابولیس اوضاع بهتر شود، وزارت مسکن و شهرسازی اسرائیل از اجرای یک طرح جدید ساخت و ساز بی سابقه در ۱۰ سال گذشته، برای ساخت هزار و ۹۰۰ واحد مسکونی در کرانه باختری خبر داد. علاوه بر این طی این مدت، کار ساخت بیش از ۲۰ هزار واحد مسکونی در قدس نیز آغاز شد که زیر بنای آنها مجموعاً بالغ بر ۲ میلیون متر مربع است.^۹

نتیجه گیری:

با نگاهی به سوابق اشغالگری رژیم صهیونیستی، عملیاتی شدن شعار اسرائیل بزرگ (از نیل تا فرات) تا حدی قابل تصور است. صهیونیست‌ها تا قبل از ۱۹۴۸ با خرید زمین‌های فلسطینی (هر چند اندک)، اجرای نقشه از پیش طراحی شده خود را شروع کردند و سپس قطعنامه تقسیم سازمان ملل را پذیرفتند. اما اعلام استقلال رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۴۸ موجب از دست رفتن حدود ۸۰ درصد اراضی فلسطینی شد که این امر در سال ۱۹۶۷ وضعیت جدیدی پیدا کرد. در این سال نه تنها کرانه باختری و نوارغزه بلکه صحرای سینا و بلندی‌های جولان نیز به اراضی اسرائیلی اضافه شده و این اراضی ۴ برابر شد. در سال ۱۹۸۲ نیز جنوب لبنان به اشغال اسرائیلی‌ها درآمد. اما این روند از سال ۲۰۰۰ معکوس شد. در این سال جنوب لبنان از وجود سربازان اسرائیلی تخلیه شد و ۵ سال بعد نوارغزه نیز به فلسطینی‌ها سپرده شد. در حال حاضر نیز رژیم صهیونیستی از یکسو با تشکیلات خودگردان و از سوی دیگر با دولت سوریه در حال مذاکره بر سر نحوه عقب نشینی از کرانه باختری و بلندی‌های جولان است.

پی نوشت ها:

1-www.ifamericansknew.org/history/demography.html

2-www.Palestineremembered.com/Articles/General Story 2375. html

3-Ibid

4-www.onepalestine.org

resources/Israeli_Apartheid_Laws.html

۵- مرکز اطلاع رسانی فلسطین، ۱۳۸۶/۵/۷

6-www.Palestineremembered

com/Articles/General/Story2375.html

۷- نگاهی به قراردادهای وای ریور ۱ و ۲، احمد سروش نژاد، فصلنامه مطالعات فلسطین، سال اول، شماره اول، پاییز ۱۳۷۸، مؤسسه تحقیقات و پژوهشهای سیاسی علمی

ندا

۸- روزنامه فلسطین، ۲۰۰۸/۵/۲۸

۹- دنیا الوطن، ۱۳۸۶/۱۱/۲۲

اشاره: دو بخش اول و دوم این مطلب در شماره‌های ۳ و ۴ از نظر شما گذشت. در نخستین بخش، ضمن اشاره به اشغال لبنان به دست رژیم صهیونیستی که سرآغاز شکل‌گیری مقاومت اسلامی بود، در مورد شکل‌گیری تجمع اسلام‌گرایان شیعه و روند فعالیت حزب‌الله توضیحاتی ارائه گردید. در دومین بخش با توضیحاتی درباره زمینه‌های شکل‌گیری مقاومت اسلامی لبنان به اعلام موجودیت حزب‌الله و در پی آن تحول در عملیات ضدصهیونیستی اشاره شد و اکنون ادامه‌موضوع:

نابودسازی ارتش مزدوران آنتوان لحد:

با وجود برتری نظامی اسرائیل در ابتدای دهه ۸۰ میلادی، این رژیم به‌تنهایی قادر نبود مناطق اشغال شده در لبنان را تثبیت کند و به کمک نیروهای بومی احتیاج داشت. این کار را شبه‌نظامیان مزدور آنتوان لحد انجام می‌دادند. در راس این شبه‌نظامیان، عده‌ای معلوم‌الحال قرار داشتند که برای باقی ماندن بر سر قدرت از هیچ جرم و جنایتی دریغ نمی‌کردند. رژیم صهیونیستی از این مزدوران ارتشی به نام ارتش لبنان جنوبی تشکیل داده بود. مقاومت اسلامی برای مقابله با این پدیده شوم، هجوم‌های گسترده و پیاپی به مقر این افراد داشت، هدف مقاومت ایجاد گسستگی در بین شبه‌نظامیان مذکور بود، بنابراین فرماندهان آنان را یکی از پس دیگری مورد هدف قرار داد؛ افرادی چون حسین عبدالنبی، عبدالنبی بزی (الجلبوط)، ژوزف کرمو و به دنبال آن عقیل هاشم فرمانده تیپ غربی که یکی از اصلی‌ترین مهره‌های مرتبط با دستگاه‌های اطلاعاتی اسرائیل بود.

«هاشم» که بارها از او به عنوان جانشین آنتوان لحد نام برده می‌شد و زمانی که اسرائیل خود را آماده می‌کرد تا نیروهایش را از لبنان خارج کند، تنها انتخابش در فرماندهی برای نگهداشتن شبه‌نظامیان «هاشم» بود؛ در خلال آخرین حمله نظامی مقاومت اسلامی، در پناهگاهش در روستای مرزی «دبل» مورد هدف قرار گرفت. بمبی قوی که در منزلش کار گذاشته شده بود به دفتر سیاه زندگی‌اش خاتمه داد و خواب‌های اسرائیل را برای ابقای دنباله‌هایش در جنوب لبنان باطل ساخت.

ورود حزب‌الله به عرصه جنگ روانی:

مواجهه با دشمن صهیونیستی به روش‌های نظامی محدود نشد. این بار مقاومت به روش‌هایی روی آورد

که در طول جنگ اعراب با اسرائیل بی‌سابقه بود. تا قبل از این برتری تبلیغات



صهیونیست‌ها

سبب شده بود تا

این حقایق را کاملاً

وارونه جلوه دهند. در تبلیغات

آنها عرب‌ها، همیشگی آدم‌های ترسویی

معرفی می‌شدند که تنها کارشان ترور بود و درمقابل،

سرباز اسرائیلی با شجاعت تمام سلاح به دست گرفته و مردانه وارد میدان جنگ می‌شد و دشمن را نابود می‌کرد.

ورود مقاومت به این عرصه، اوضاع را دگرگون ساخت و صفحات تلویزیون، پایگاه‌های اینترنتی و... تبدیل به صحنه جنگی تمام‌عیار شد که هریک از طرفین سعی در بهره‌برداری بیشتر از امکانات موجود را داشت. خوشبختانه مقاومت اسلامی توانست در خلال این جنگ نه‌تنها ضربات سهمگینی را از لحاظ روانی بر سربازان اسرائیلی وارد آورد، بلکه موفق شد صحنه جنگ را به داخل جامعه اسرائیل بکشاند و از طرف دیگر شعار بیداری ملت‌های عرب به ویژه فلسطینیان را یکی از مقاصد خود در جنگ روانی‌اش علیه اشغالگران قرار داد.

یکی از شیوه‌هایی که حزب‌الله در جنگ روانی علیه رژیم صهیونیستی به کار برد، استفاده از دوربین فیلمبرداری در کنار سلاح مقاومت و فیلم‌برداری از عملیات نظامی مقاومت علیه صهیونیست‌ها بود.

«اداره تبلیغات جنگ» با وارد کردن دوربین خود به صحنه‌های عملیات مقاومت اسلامی، سعی در به تصویر کشیدن دلاوری‌های مجاهدان در کمین‌ها، ردیابی اهداف صهیونیستی، انهدام پایگاه‌ها و به اهتزاز درآوردن پرچم پیروزی بر فراز دژهای اسرائیل کرد.

اولین بار در سال ۱۳۶۳ بود که دوربین فیلمبرداری وارد صحنه شد، تا لحظه به لحظه عملیات بی‌نظیر «سُجُد» را به تصویر بکشد. مهم‌ترین عملیات در محکم‌ترین مواضع دشمن از لحاظ استحکام، پایگاه نظامی «دبشه» در نزدیکی شهر نبطیه بود. در این عملیات دوربین مقاومت ادعاهای دشمن را مبنی بر انکار عملیات و تسخیر پایگاه باطل ساخت. زیرا تصاویری که همان شب از تلویزیون پخش شد، نشان داد که مجاهدان مقاومت اسلامی ضمن قدم نهادن

در پایگاه اسرائیلی‌ها، پرچم خود را

بر فراز یکی از سنگرهای آن

نصب کردند. پخش

این تصاویر از

تلویزیون

مقاومت

و شبکه

اینترنات

افکار

عمومی

اسرائیل

را به شدت

تحریک کرد و

باعث شد تا ارتش

اسرائیل نتواند خبرهای

مربوط به شکست‌های نظامی

خود در جنوب لبنان را سانسور کند. این

وضعیت و عملیات روانی حزب الله باعث تقویت فزاینده

قدرت و اقتدار حزب الله شد

پایان اشغال و ادامه مقاومت:

در ۱۵ اسفند ۱۳۷۸ کابینه اسرائیل رسماً طرح عقب‌نشینی ارتش این کشور از جنوب لبنان را تصویب کرد و ایهود باراک نخست‌وزیر وقت اسرائیل طی نامه‌ای رسمی به کوفی آنان دبیرکل وقت سازمان ملل، اعلام کرد که ارتش اسرائیل در ۱۷ خرداد ۱۳۷۹ به صورت یک جانبه اقدام به ترک خاک لبنان خواهد کرد. این تصمیم مهر تاییدی بر اولین شکست کامل نظامی اسرائیل در طول جنگ با اعراب و پایان اسطوره شکست‌ناپذیری ارتش اسرائیل بود.

نکته قابل توجه این بود که خروج اسرائیل نه در تاریخ مذکور بلکه روزها قبل از آن صورت پذیرفت و در بامداد روز چهارشنبه چهارم خرداد ۱۳۷۹ ارتش اسرائیل شبانه به تخلیه کلیه مواضع خود در جنوب لبنان اقدام

و خاک لبنان را ترک کرد. این عقب‌نشینی مفتضحانه و عجیب، شگفتی همگان را نه تنها در لبنان و جهان عرب، بلکه در سراسر جهان برانگیخت. به دنبال این فرار شبانه شبه‌نظامیان مزدور -نیروهای آنتوان لحد- در دسته‌های چندصد نفری خود را به رزمندگان مقاومت اسلامی و یا ارتش لبنان تسلیم کردند و فرماندهان و عناصر کلیدی آن همراه خانواده‌هایشان به اسرائیل پناهنده شدند.

عقب‌نشینی اسرائیل از جنوب لبنان، پایانی خفت‌بار بر تهاجم سال‌های ۱۳۵۷ و ۱۳۶۱ اسرائیل به لبنان بود که شادی و سرور را در میان مردم لبنان از هر طایفه و مذهبی به دنبال داشت. دولت لبنان نیز روز پنج‌شنبه پنجم خرداد ۱۳۷۹ را به‌عنوان روز مقاومت و آزادسازی تعطیل رسمی اعلام و آن را تحت عنوان عید ملی برای همیشه در تاریخ لبنان ثبت کرد.

عملیات تبادل اسرا:

مقاومت اسلامی لبنان در مقابله با اشغالگران اسرائیلی، شهدای گرانقدری را تقدیم کرد، ولی مسئله به همین جا ختم نمی‌شد، چرا که به اسارت درآمدن پیکرهای مطهر بسیاری از این شهدا، روده شدن برخی از شهروندان از خانه‌هایشان در مناطق اشغالی و یا زندانی شدنشان به سبب همکاری با مقاومت اسلامی و یا حمایت از آن، شکل دیگری به ماجرا می‌داد. تنها راه نجات زندانیان و به دست آوردن پیکرهای شهدا، اجرای عملیات مبادله با اسرائیلی‌ها بود. ازطرفی مبادله نیازمند این بود که مقاومت نیز اسیرانی را از اسرائیل در دست داشته باشد. اولین اقدام در سال ۱۳۶۴ صورت گرفت و به عملیات الاسیرین (دو اسیر) معروف شد و به دنبال آن تلاش‌های دیگری به ویژه عملیات پیروزمندانه انصاریه در این زمینه صورت پذیرفت.

عاشورای سال ۱۳۷۹ یک ماه قبل از خروج نیروهای اسرائیلی از جنوب لبنان نیز، سیدحسن نصرالله دبیرکل حزب الله لبنان طی سخنانی اعلام کرد:

«ما ملتی هستیم که اسیرانمان را در زندان‌ها رها نمی‌کنیم و برای آزادی آنان از هیچ تلاشی دریغ نمی‌ورزیم»

وعده سید حسن نصرالله به خانواده‌های اسرا این بود: «فرزندان شما را به شما برخواهیم گرداند، مخصوصاً شیخ عبدالکریم عبید و حاج مصطفی الدیرانی و سمیر قنطار». از این رو در مهر ماه ۱۳۷۹ مجاهدان مقاومت اسلامی طی عملیات چشمگیری به نظامیان صهیونیست در مزارع شبعاء (در مناطق اشغال شده لبنان) حمله کردند و سه سرباز اسرائیلی را به اسارت خود درآوردند. پس از گذشت یک هفته سید حسن نصرالله خبر از اسارت یک افسر موساد داد. اسارتی که دشمن را در بهت و حیرت فروبرد و آنها روز بعد فهمیدند چه اتفاقی افتاده است. این عملیات باعث امیدواری زندانیان در بند اسرائیل شد، البته در این زمان، کشورهای زیادی تلاش کردند تا با دخالت در ماجرا به نوعی مسئله را فیصله دهند. اما در این میان جواب حزب الله فقط این بود:

«هر حرفی قیمت خودش را دارد»

پس از آن بود که رژیم صهیونیستی تن به آزادسازی اسرای لبنانی و فلسطینی داد که در میان آنها دو چهره شاخص به نام‌های شیخ عبدالکریم عبید و ابومصطفی دیرانی وجود داشتند. در تابستان ۱۳۸۵ نیز حزب الله با



حمله به پایگاه اسرائیلی‌ها در مزارع شبعا دو نظامی اسرائیلی را به اسارت گرفت که سرانجام در تابستان ۱۳۸۷ جسد این دو نظامی با پنج اسیر لبنانی از جمله سمیر قطار، قدیمی‌ترین زندانی لبنانی در اسرائیل و نیز پیکر ۱۹۹ تن از شهیدان عرب مبادله شد.

فعالیت اجتماعی حزب‌الله:

حزب‌الله لبنان اندکی پس از تاسیس موفق شد، حضور مردمی و نظامی مهمی در صحنه پیدا کند. شعار این حزب در این اوضاع حول مبارزه با اشغالگران اسرائیلی و مقابله با استکبار جهانی دور می‌زد. در میان طرح‌های حزب‌الله، طرح توسعه قلمرو نفوذ اجتماعی از طریق عرضه خدمات اجتماعی نظیر بیمارستان، درمانگاه و مراکز خدماتی در حومه جنوبی بیروت و برخی مناطق لبنان جلب توجه می‌کند. حزب‌الله، عرضه خدمات اجتماعی را هنگامی آغاز کرد که لبنان درگیر جنگ‌های داخلی بود و دولت لبنان قادر نبود حداقل خدمات لازم را برای مردم این کشور تامین کند. این مشکلات در زمان شورش میشل عون فرمانده ارتش لبنان که پس از پایان دوره ریاست جمهوری امین جمیل با تلاش او به کاخ ریاست جمهوری لبنان راه یافت، به اوج خود رسید. زیرا وی آب و برق بیروت غربی و ضاحیه (حومه جنوبی بیروت) را قطع کرد. اما جهاد سازندگی حزب‌الله از طریق تامین آب آشامیدنی به کمک اهالی بیروت و ضاحیه شتافت. پس از پایان جنگ داخلی لبنان نیز که دولت لبنان هنوز نیازهای مناطق شیعه‌نشین لبنان را تامین نکرده بود، حزب‌الله این گونه خدمات را استمرار بخشید. اجرای این طرح‌ها به حزب‌الله امکان داد نقش موثری در جذب و هدایت افکار عمومی از طریق برگزاری نمازهای جمعه در مساجد و گردهمایی‌های مذهبی ایفا کند.

عرصه دیگری که حزب‌الله در آن کارنامه درخشانی ارائه داده است، احداث مدرسه و آموزشگاه است. این حزب در طی سالیان متمادی، تعداد زیادی مدرسه در سطوح آموزشی مختلف در نقاط شیعه‌نشین لبنان ایجاد کرده است. این مدارس با ارائه بهترین خدمات تربیتی و آموزشی توانسته شهرت بسیار زیادی در لبنان و به خصوص در میان شیعیان کسب کند، و ثبت‌نام دانش‌آموزان جدید منوط به «رزرو» جا است. از آنجایی که دولت لبنان به مدارس غیردولتی اجازه آموزش رایگان را نمی‌دهد، حزب‌الله نیز از دانش‌آموزان مبالغی را به عنوان حق ثبت‌نام دریافت می‌کند، با این حال این مدارس از مدارس خصوصی دیگر به مراتب ارزان‌تر است.

در موضوع «ساماندهی شهری» نیز، حزب‌الله خود را به صورت یکی از بازیگران اصلی جلوه‌گر ساخت. قدرت حزب‌الله در ساماندهی شهری در کلیه نقاط شیعه‌نشین که حزب‌الله قدرت برتر در آن بوده، به اثبات رسیده است.^۱

ساختار تشکیلاتی حزب‌الله:

حزب‌الله دارای نهادهای سیاسی، اجتماعی و تبلیغاتی است.

۱- نهادهای سیاسی:

چارچوب سیاسی حزب‌الله بر مبنای مجلس شورای تصمیم‌گیری متشکل از هفت تن به ریاست دبیرکل حزب، کمیته اجرایی، کمیته سیاسی، کمیته برنامه‌ریزی، کمیته جهادی، کمیته قضایی، نمایندگان مسئولان شاخه‌های

حزب و مسئولان روستاهاست.

۲- نهادهای اجتماعی:

نهادهای اجتماعی و تبلیغاتی حزب‌الله بیانگر بالندگی این حزب و فعالیت فکری و ارتباط تنگاتنگ با بدنه اجتماعی و طرح‌های سیاسی خویش است. مهم‌ترین نهادهای اجتماعی حزب‌الله به صورت مستقیم و غیرمستقیم عملاً در خدمت هدف‌های حزب قرار دارند. این نهادها شامل:

مدارس المهدی (عج)، کمیته اسلامی بهداشت، بنیاد شهید و کمیته امداد امام خمینی (ره) است.

۳- نهادهای تبلیغاتی:

نهادهای تبلیغاتی حزب‌الله نیز شامل:

تلویزیون المنار و رادیوی النور، روزنامه الانتقاد (قبلاً العهد بود)، مرکز فرهنگی امام خمینی (ره) است که همه این نهادها در چارچوب فعالیت‌های مرکزی این حزب قرار دارد.

بخش‌هایی از این نهادها در مناطق و روستاهای لبنان فعالیت می‌کنند.



حزب‌الله و نیروهای سیاسی:

حزب‌الله لبنان از آغاز ورود به مرحله مقاومت علیه اشغالگران اسرائیلی و مرحله حضور نیروهای چندملیتی غرب در معرض ابهامات و پرسش‌ها و حتی حملات وسیع درباره هدف‌ها و روش فعالیت و ماهیت روند فعالیت خود قرار گرفت.

هنگامی که جنگ اردوگاه‌ها میان جنبش امل و فلسطینی‌ها شروع شد، حزب‌الله لبنان این جنگ را محکوم و اعلام کرد که در این جنگ از هیچ یک از طرف‌ها جانبداری نمی‌کند. حزب‌الله در این زمینه هشدار داد که نباید روند جداسازی جنوب لبنان ادامه پیدا کند.

درگیری‌های حزب‌الله و جنبش امل در ماه آوریل ۱۹۸۸ از سرگرفته شد. حزب‌الله با انتشار بیانیه‌های مختلف خاطرنشان کرد که هیچ مسئولیتی در این جنگ ندارد. همچنین حزب‌الله تاکید کرد که روابط خود را با جنبش امل برپایه مقاومت علیه اسرائیل سامان داده است.

حزب‌الله لبنان پس از کنگره چهارم خود کوشش کرد دیدگاه خود را



ارتباط ندارند، وجود دارد» بدین ترتیب، حزب الله موفقیت‌های خود را در انتخابات ۱۹۹۶ نیز تکرار کرد و پس از عقب‌نشینی اسرائیل از خاک لبنان در خرداد سال ۲۰۰۰ به صورت قدرت اول شیعه در مبارزات انتخاباتی همان سال شرکت کرد.^۳ و با ورود به نظام سیاسی لبنان توانست هویت رسمی و قانونی برای مقاومت به دست آورد و مردم و گروه‌های سیاسی لبنان را بر سر یک موضوع ملی گرد هم آورد. جاذبه این وحدت ملی هنگامی بیشتر شد که دولت لبنان، حمایت از مقاومت را در پیش گرفت. این حمایت باعث شد تا زمینه‌های همزیستی و همکاری مثبت میان ارتش لبنان و حزب الله در رویارویی با اسرائیل فراهم شود.^۴

حزب الله لبنان در مواجهه با دشمن صهیونیست راه شهادت‌طلبی را برگزید و این راه را با الگوگیری از حادثه کربلا و سرمشق گرفتن از سیدالشهدا، حضرت امام حسین(ع) به دست آورد.

روز ۲۷ بهمن ۱۳۷۰ همزمان با سالگرد شهادت شیخ راغب حرب یکی از پیش‌قراولان جهاد علیه اسرائیل، رژیم صهیونیستی ناجوانمردانه اتومبیل حامل سیدعباس موسوی دبیرکل حزب الله لبنان و همسر و فرزند خردسالش را از هوا مورد حمله قرار داد و همگی آنان را به شهادت رساند و حدود یک سال پس از پیروزی حزب الله در جنگ ۳۳ روزه سال ۲۰۰۶ با ارتش صهیونیستی، حاج رضوان فرمانده نظامی مقاومت نیز به دست مزدوران و عوامل رژیم صهیونیستی در سوریه به شهادت رسید تا شهادت مظلومانه این شهیدان والا مقام و دیگر شهدای مقاومت اسلامی لبنان گواهی باشد بر همراهی آنان با قطرات خونی که در این راه مقدس ریخته شد و برگ زرینی دیگر بر دفتر پرافتخار شیعه.

پی‌نوشت‌ها:

۱- منی قلق حرب، سياسات التنظيم المدني فی الضاحیه الجنوبيه لبيروت، بيروت،

مرکز الاستشارات والبحوث، ۱۹۹۸ م، ص ۳۰

۲- وضاح شراره، دولة حزب الله: لبنان، مجتمعاً اسلامياً، بيروت، دارالتهار، ۱۹۹۸، ص

۱۲۶

۳- مسعود اسداللهی، جنبش حزب الله لبنان؛ گذشته و حال، تهران، پژوهشکده

مطالعات راهبردی، ۱۳۸۲، ص ۲۰۹.

۴- محمود حیدر، الایقین السلمي: احوال لبنان ما بعدالحرب، بيروت، دارالفارابی،

۱۹۹۷، ص ۱۲۵

درقبال احزاب ملی و اسلامی لبنان بهبود بخشد. برقراری ارتباط و ایجاد زمینه‌های مشترک برای فعالیت سیاسی داخلی در دستور کار حزب قرار گرفت. حزب الله از احزاب سیاسی برای برگزاری نشست مقدماتی هتل «بريستول» دعوت کرد که در نتیجه آن یک سند سیاسی به امضای احزاب شرکت‌کننده در این نشست رسید. همچنین در این نشست تصمیم گرفته شد یک کمیته پیگیری مسئولیت اجرای فعالیت‌های مشترک احزاب و تلاش برای اجرای آن را به عهده گیرد.

همچنین حزب الله از احزاب سیاسی لبنان خواست در مقاومت علیه اشغالگران اسرائیلی در جنوب و بقاع غربی مشارکت فعال داشته باشند. در این زمینه چارچوبی برای بسیج نیروها تحت عنوان «واحد‌های مقاومت» از سوی این حزب شکل گرفت، تا فعالیت احزاب را با مقاومت علیه اشغالگران اسرائیلی هماهنگ کند. بسیاری از احزاب سیاسی از این اقدام حزب الله استقبال کردند و آن را گامی برای گشوده شدن آغوش حزب الله به روی جناح‌های سیاسی و توسعه قلمرو مقاومت در مقیاس ملی به شمار آوردند... در کنار تعامل سیاسی حزب الله با دیگر احزاب و جریان‌های سیاسی لبنان، از اوایل دهه ۹۰ میلادی این حزب تصمیم گرفت به نظام سیاسی لبنان وارد شود. از این رو در جریان مبارزات انتخاباتی سال ۱۹۹۲ با توجه به اوضاع جدید و نیازهای حیاتی لبنان، با برخی از گروه‌های سیاسی لبنان ائتلاف کرد. «نامزدهای انتخاباتی حزب الله، با نامزدهای جنبش امل، حزب کمونیست، حزب قومی سوری و حزب بعث، در یک فهرست ائتلافی و در کنار یکدیگر قرار گرفتند.»^۵

نتیجه این ائتلاف و مبارزه دقیق انتخاباتی، پیروزی چشمگیر حزب الله در انتخابات پارلمانی ۱۹۹۲ بود. بدین ترتیب که هشت نماینده شیعه و چهار نماینده از سایر طوایف مذهبی لبنان که هم‌پیمان حزب الله بودند، به پارلمان راه یافتند و فراکسیونی ۱۲ نفره به نام «وفای به مقاومت» تشکیل دادند. این فراکسیون، که اولین فراکسیون اسلامی در تاریخ پارلمان لبنان به شمار می‌آید، از فعال‌ترین فراکسیون‌های پارلمانی در لبنان محسوب می‌شود. این پیروزی باعث شد که سید حسن نصرالله در ارزیابی دستاوردهای پارلمانی حزب تاکید کند که «آزمون ورود به پارلمان، آزمون مثبتی بوده است و به همین علت، حزب الله در انتخابات آینده (۱۹۹۶) نیز شرکت خواهد کرد.» شیخ نعیم قاسم [معاون دبیرکل حزب الله] نیز درخصوص ائتلاف‌های انتخابات سال ۱۹۹۶ گفت: «امکان ائتلاف با تمامی احزابی که با اسرائیل





نظریه پردازان صهیونیسم

ناهوم سوکولو

SOKOLOW. NAHUM TOBIAS

(۱۸۵۹ - ۱۹۳۶ م)

علیرضا سلطانشاهی

و پس از آن با تمام توان به این جریان کمک کرد. وی تا پیش از این با اثر پینسکر دیگر نظریه پرداز صهیونیسم و کتابش «خود رهایی» یا «خود آزاد سازی»^۹ نیز به مخالفت برخاسته بود. ولی گویا ورود وی به عرصه سیاست و دیپلماسی، ورزیدگی خاصی به ذهن انتزاعی وی داد تا حدی که در سال ۱۹۳۴ یعنی دو سال قبل از مرگش کتاب محبان صهیون را به نگارش درآورد.^{۱۰}

او در زمان جنگ اول جهانی فعالیت سیاسی خود را با سفر به انگلستان وسعت بخشید و به عنوان یکی از فعالان تهیه اعلامیه بالفور در کنار وایزمن تلاش کرد.^{۱۱} او با موسسولینی برای تحکیم صهیونیسم در ایتالیا ملاقات داشت^{۱۲} و به عنوان اولین یهودی با پاپ دیدار کرد و همچنین به عنوان اولین یهودی صهیونیست با پاپ بندیکت پانزدهم دیدار^{۱۳} و برنامه های صهیونیسم را به اطلاع وی رساند. او در کنفرانس صلح پاریس در ۱۹۱۹ شرکت داشت و حتی به عنوان نماینده یهودیان در جامعه ملل^{۱۴} ادای وظیفه کرد.

سوکولو در بدنه سازمان جهانی صهیونیسم نیز مسئولیت های متعددی را پذیرفت. از جمله به دعوت دیوید ولفسون در سال ۱۹۰۶ دبیر کلی سازمان جهانی صهیونیسم را برعهده داشت،^{۱۵} ضمن آنکه در سال ۱۹۱۱ به عنوان یکی از اعضای هیات اجرایی سازمان جهانی صهیونیسم انتخاب شد.^{۱۶} وی در سال ۱۹۲۹ رئیس بخش اجرایی آژانس یهود شد و در سال ۱۹۳۱ تا ۱۹۳۳ نیز ریاست سازمان جهانی صهیونیسم را عهده دار بود.^{۱۷}

سوکولو تنها به علت نگارش کتاب «تاریخ صهیونیسم» به عنوان مورخ رسمی صهیونیسم^{۱۸} معروف شد. این کتاب با گستره تاریخی ۱۹۱۸ - ۱۶۰۰^{۱۹} به زمینه ها و تاریخ پیدایی صهیونیسم می پردازد و اگرچه با تشکیل دولت صهیونیستی در سال ۱۹۴۸، کامل نمی شود، ولی همچنان به عنوان یکی از

ناهوم توبیاس سوکولو نویسنده و روزنامه نگار معروف یهودی از جمله شخصیت های معروف صهیونیست است که فراوانی آثار و مکتوبات او باعث شده است که وی از جمله اندیشمندان و متفکران صهیونیسم قلمداد شود، در حالی که با مرور آثار و آراء وی می توان اندیشمند بودن و یا حتی متفکر بودن وی را مورد تامل قرار داد.

ناهوم سوکولو در وهله اول یک روزنامه نگار معروف یهودی بود که به صورت مداوم با در اختیار داشتن ستون در نشریه معروف «ها زفیراه» (Ha-Zefirah) مقالات خود را با گرایش های مختلف از جمله علمی، اجتماعی، مذهبی و حتی داستانی چاپ می کرد.^{۲۰} بعدها نیز با انتشار نشریه هفتگی «هائولام» (Haolam) ارگان سازمان صهیونیسم^{۲۱}، این علاقه خود را دنبال کرد.

سوکولو به سبب تولد در یک خانواده یهودی و قدیمی در ویزوگرد لهستان و وجود خاخام های فراوان از این خانواده، تربیت سنتی خاصی یافت و بعدها با فراگیری زبان های ییدیشی، آلمانی، فرانسوی، اسپانیایی و ایتالیایی با ادبیات غیریهودی آشنا شد و از آن زبان ها برای بیان آراء خود بهره برد.^{۲۲} حجم نوشته های سوکولو در آن حد است که حییم نحمان بیالیک پدر شعر مدرن عبری^{۲۳} و نویسنده معروف یهودی می گوید «اگر فردی بخواهد تمام نوشته های سوکولو اعم از مقالات، یادداشت ها، پاورقی ها، سفرنامه ها، داستان ها و دروس او را در یک نقطه جمع کند، ۳۰۰ شتر نیاز است»^{۲۴}.

سوکولو علاوه بر فعالیت در عرصه نویسندگی، در عرصه سیاست نیز فعال بود. وی با وجود مخالفت اولیه با جنبش عشاق صهیون^{۲۵} و همچنین مخالفت جدی با کتاب «دولت یهود» هرترزل، پس از شرکت در اولین کنگره صهیونیست ها^{۲۶} در بال سوئیس، شدیداً به هرترزل و عقاید وی علاقه مند شد

ناهوم سوکولو در سال ۱۹۳۶ در لندن از دنیا رفت^{۲۱} و هر ساله به منظور بزرگداشت فعالیت‌های وی در اسرائیل مراسم یادبودی با همکاری شهرداری تل‌آویو با عنوان جایزه روزنامه‌نگاری سالانه سوکولف برپا می‌شود.^{۲۲} درواقع شهرداری تل‌آویو به این سبب پیشقدم چنین کاری شده است که برای اولین بار سوکولو نام «تل‌آویو» را برای این منطقه که در کنار یافا بنا شده است^{۲۳}، برگزید و حال آنکه این نام اساساً عربی است و اعراب این منطقه را «تل الربیع یا تپه بهاری» می‌نامیدند.

همچنین کمیوتی به نام «سده ناهوم» در دره «جرزیل» بعد از مرگ سوکولو به عنوان «خانه سوکولو» انتخاب شد.^{۲۴}

عبدالوهاب المسیری در مورد کتاب «تاریخ صهیونیسم» سوکولو معتقد است که این اثر ضعف تحلیلی اساسی دارد و این ضعف را با برشمردن اهداف صهیونیسم از منظر سوکولو استدلال می‌کند. درواقع وی معتقد است که سوکولو تنها به ارائه داده‌های بسیاری از تاریخ صهیونیسم می‌پردازد، بدون آنکه حقایق آن را درک کند.^{۲۵}

پی‌نوشت‌ها

1-GEOFFREY WIGODER, «DICTIONARY OF JEWISH BIOGRAPHY» simon & Schuster, 1991, Jerusalem, P.490-491
2-ENCYCLOPEDIA JUDAICA, vol 15.p.85

3-Ibid, p.8b

۴-عبدالوهاب المسیری، «دایره‌المعارف یهود، یهودیت و صهیونیسم» ترجمه موسسه مطالعات و پژوهش‌های تاریخ خاورمیانه، نشر دبیرخانه کنفرانس بین‌المللی حمایت از انتفاضه فلسطین، تهران ۱۳۸۳، جلد ششم، ص ۲۷۶.

5-opcit. Wigoder, p.70

6-opcit, judaica.p.89

7-Ibid

8-Ibid

9-Auto-emancipation

۱۰-المسیری، ص ۲۷۷

۱۱-همان

۱۲-همان

۱۳-ناهوم سوکولو، «تاریخ صهیونیسم»، ترجمه داوود حیدری، نشر موسسه مطالعات

تاریخ معاصر ایران، تهران، ۱۳۷۷، ص ب

۱۴-همان، ص ج

۱۵-همان ص الف

۱۶-همان ص ب

۱۷-همان ص ج

۱۸-المسیری، ص ۲۷۶

۱۹-سوکولو، ص ب

۲۰-المسیری، ص ۲۷۷

۲۱-سوکولف، ص ب

22-opcit, judaica.p.89

23-Ibid.p.8b

24-Ibid.p.89

۲۵-المسیری، ص ۲۷۷



مهم‌ترین منابع رسمی تاریخ صهیونیسم، شناخته می‌شود. سوکولو علاوه بر کتاب مذکور آثار دیگری در قالب کتاب از خود به جای گذاشته است، از جمله ترجمه آثار لورنس الیفات، کتاب سال عبری برای آموزش نوین زبان عبری، «نفرت ازلی از ملت جاودانه» که همچون لئو پینسکر در صدد القای این مفهوم است که ضدیت با یهود در ذهن و روان غیریهودیان به صورت ذاتی وجود دارد. او همچنین برای ترغیب یهودیان برای پیوستن به صهیونیسم، کتاب «سروران ما و استادان ما» را به نگارش درآورد.^{۲۰}



تلمود

عبدالله راستگو

بخش سوم

ضرورت ارتباط نداشتن با ایشان پافشاری می‌کنند. یکی از شارحان تلمود در قرن هفدهم در لهستان می‌گوید: «پر واضح است که تورات یهودیان را امر می‌کند که نفرت و انزجار خود از دیگران (غیریهود) را حفظ کنند تا از خطر ازدواج با بیگانگان دور بمانند. از این رو نمی‌توان انجام دادن کارهایی که باعث کاهش دشمنی میان یهودیان و غیریهودیان می‌شود روا دانست. گرایش برتری‌جویی در این عبارت به اوج خود رسیده است: «بهترین غیریهودیان را بکش، سر شریف‌ترین افعی‌ها را لگدکوب کن». یکی از گردان‌های ارتش اسرائیل، همین عبارت تلمودی را به عنوان شعار خود برگزید و این امر سبب شد که در داخل اسرائیل سر و صدا بلند شود و بعضی از رهبران دینی نیز در مخالفت با این کار گفتند، این نوعی خراب کردن اعتقادات یهودی است.

بیشتر صفحات تلمود، وضعیت اقتصادی یهودیان را به‌عنوان یک گروه کارکردی که به تجارت مشغول هستند، منعکس می‌سازد. از این رو براساس سنت‌های تلمودی بر هر یهودی واجب بود که روزانه سه بار شکر خدا را به جای آورد که او را یهودی آفرید و او را زن و کشاورز خلق نکرد. گفته شده است که: «هیچ کاری پست‌تر از کشاورزی نیست.» با این حال بخش‌های مفصلی

در شماره قبل قسمت‌هایی از دایره‌المعارف یهود، یهودیت و صهیونیسم تالیف عبدالوهاب المسیری^۱ درباره تلمود را خدمت خوانندگان محترم ارائه کردیم. اکنون ادامه آن مطالب:

در تلمود آمده است که فروختن چیزی که در حال فاسد شدن است به یهودی درست نیست، اما فروختن آن به غیریهودی اشکال ندارد. همچنین بر پزشک یهودی حرام است که مریض غیریهودی را معالجه و مداوا کند (جز برای دفع آزار بیگانگان).

نظر تلمود بر این است که تنها یهودیان تجسم روح خداوند هستند و از این رو می‌بینیم از کسانی که با تغییر مذهب به آیین یهود درمی‌آیند، استقبال نمی‌کند. در تلمود آمده است: کسانی که با تغییر مذهب، یهودی شده‌اند، همانند خاری در چشم بنی‌اسرائیل هستند. این دیدگاه هنوز هم بر نهاد ارتدوکس که وارث فرهنگ تلمود در اسرائیل است، تسلط دارد. فرد یهودی خدای خویش را سپاس می‌گفت بدین سبب که «جایگاه او در بین آنانی است که در مدرسه و معبد یهودی می‌نشینند (یهودیان) و نه در میان کسانی که به تئاتر و سیرک می‌روند (غیریهودیان)». حتی هنگامی که بعضی مفسران، یهودیان را اندرز می‌دهند که به بیگانگان دروغ نگویند، بر

از تلمود در مورد زراعت و کشاورزی، قوانین، ارزش‌ها و فضایل آن است.

تجارت برده از مهم‌ترین تجارت‌های غیریهودیان بود و به همین سبب می‌بینیم که تلمود برده‌گیری از غیریهودیان را سامان می‌دهد.

در تلمود برای به خدمت گرفتن برده، صیغه‌ای وجود دارد که چنین است: «این برده‌ای است که به صورت قانونی به بردگی گرفته شده است، او هیچ یک از حقوق اجیران را ندارد و وی را هیچ گونه خواسته‌ای نیست که بتواند آن را از پادشاه یا ملکه مطالبه کند؛ هیچ نشانه‌ای از انسانیت در او نیست. هیچ عیب جسمی ندارد و هیچ علامت و نشانه‌ای در پوست او نیست که نشان دهنده بیماری برص در وی باشد، خواه در زمان حال، خواه در زمان گذشته». طبقه بردگان پست شمرده می‌شدند، هم‌چنین اعتقاد بر این بود که آنان انسان‌های تنبلی هستند: «ده درجه از خواب بر عالم هستی فرود آمد که بردگان نه درجه و جزء آن را گرفتند و یک جزء باقی‌مانده را بقیه مردم گرفتند». نویسندگان تلمود هیچ اعتقادی به بردگان نداشتند و از این رو آنان انسان به شمار نمی‌رفتند، بنابراین هیچ یهودی نمی‌تواند در کنار برده‌ای نماز بخواند یا بر جنازه او نماز بگذارد و یا در تشییع جنازه او شرکت کند.

تلمود تنها به زندگی عمومی یهودیان بسنده نمی‌کند، بلکه خصوصی‌ترین مسائل زندگی آنان را نیز دربرمی‌گیرد. تلمود همه نکات ظریف را بررسی می‌کند، نکاتی مانند آماده کردن غذا و خوردن آن، روابط خصوصی بین زن و شوهر. زن در تلمود عمیقا حقیر و پست شمرده شده است. در جایی از تلمود آمده است: «زن دارای چند خصلت‌اند: شکم‌بارگی، تنبلی، حسادت، شکوه‌گری و پرگویی».

تلمود در مورد صفت آخر به تفصیل سخن گفته است: «از ده جزء حرف زدن که به جهان فرود آمد، زنان نه جزء را برداشتند و مردان یکی را»^۲.

تلمود هم‌چنین کتابی طبی است. به همین علت در آن نسخه‌های پزشکی متعددی می‌یابیم. برای مثال تلمود سفارش می‌کند که پس از حمام با آب گرم، حتما بدن با آب سرد شسته شود. هم‌چنین در تلمود شرح و توضیحی در مورد علت

یبوست مزاج و روش‌های معالجه آن را می‌یابیم. تلمود سفارش می‌کند: «کسی که بیشتر در مستراح می‌ماند، خداوند عمرش را طولانی می‌کند».

افزون بر اینها می‌توان گفت که تلمود کتاب فرهنگ عامیانه نیز هست، از این رو بسیاری عادت‌ها و اندیشه‌های خرافی را که در مکان پیدایش تلمود رواج داشته، در این کتاب منعکس شده است، خواه در سرزمین بابل و خواه در مکان‌های دیگری که شارحان زندگی می‌کرده‌اند. از آنجا که نویسندگان تلمود در چارچوب حلول گرایي بودند، به امکان تحکیم کامل بر جهان، دستیابی به راه‌حل‌های جادویی (گنوسی) و تاثیر درمان‌های فوق‌العاده و داروهای شیطانی و حرز و تعویذ، ایمان داشتند. تلمود هم‌چنین کتاب جادو، ستاره‌شناسی و تعبیر خواب است. درباره تلمود می‌گویند که اگر کسی بخواهد جنیان را ببیند می‌تواند با خواندن این کتاب به ترتیبی که با دقت مشخص شده به مقصودش برسد و اگر کسی بخواهد اجنه را دور کند نیز بسیاری از صفحات تلمود دربردارنده

تعویذاتی است که برای رسیدن به این هدف به وی کمک می‌کند. حلول گرایي آن‌گاه به اوج خود می‌رسد که تلمود تاکید می‌کند، قدرت آفرینش نیز داشته‌اند. در این کتاب آمده است که یک بار خاخمی با ذکر اسم اعظم خدا انسانی را آفرید و او را نزد خاخم زعیرا فرستاد و خاخم زعیرا با او سخن گفت، اما آن مخلوق نتوانست جواب وی را بگوید و به همین سبب خاخم زعیرا با تعجب گفت: «تو با سحر و جادو آفریده شده‌ای، به سوی خاک برگرد».

تلمود به سبب دیدگاه حلولی و انزواجویانه‌اش که در بیشترین بخش‌های آن دیده می‌شود، در فکر و اندیشه صهیونیستی تاثیر گذاشت؛ زیرا اندیشمندان صهیونیست هر آن چه را موید عقاید و گرایش‌های فکری ایشان بود، در آن یافتند. برای نمونه در سفر «عفوده زارا» چنین آمده است: «در سرزمین اسرائیل خانه‌ها نیز نباید به غیریهودیان اجاره داده شود، تا چه رسد به زمین‌ها و کشتزارها». همین مسئله، یکی از اصول صندوق قومی یهود شد. هم‌چنین صهیونیست‌ها از تلمود چنین عباراتی را اقتباس می‌کنند: «هر کس خارج از سرزمین اسرائیل زندگی می‌کند، چون انسانی است که خدا ندارد».

(کتوبت، ۱۱۰ ب).

در تلمود هم‌چنین اندیشه‌های متضادی درباره عصر مشیحانی وجود دارد که بعضی دارای رنگ و بوی صهیونیستی و انزواجویانه است و برخی دیگر عکس آن است و به همانند شدن و جهانی گشتن گرایش دارد.

آن چه تلمود درباره مرزهای سرزمین اسرائیل در آینده گفته است، توجیهی برای توسعه‌طلبی‌های صهیونیسم شده است. آن گونه که تلمود می‌گوید، این سرزمین از چهار جهت گسترش خواهد یافت و تقدیر چنین است که دروازه‌های قدس تا دمشق برسد و تبعیدشدگان بازگردند و در وسط این سرزمین خیمه‌های خویش را برپا سازند. هم‌چنین در تلمود آمده است: «فلسطین سرزمین آهو خوانده می‌شود، همان گونه که پوست آهو از در برگرفتن گوشت و جسم آهو ناتوان است، سرزمین اسرائیل نیز چنین است: هنگامی که آبادان شد، گسترش می‌یابد، اما زمانی که آبادان نباشد، تنگ و محدود می‌شود». پس محدوده این سرزمین در حال تغییر است و با افزایش مهاجران یهودی، توسعه پیدا می‌کند. این سخن با موضع تئودور هرتزل درباره مرزهای اسرائیل، تفاوتی ندارد. او نیز با بیان ارتباط گسترده اسرائیل با نیاز صهیونیست‌ها گفت: «هر چه تعداد مهاجران یهودی فزونی یابد، به همان مقدار نیاز ما به زمین، بیشتر خواهد شد».

ادامه دارد

پی نوشت‌ها:

۱- ج ۵، صص ۱۴۴ و ۱۴۵

۲- اینها در مورد زن یهودی است. در مورد زنان غیریهودی، برخورد بسیار زشت و زننده‌ای می‌شود.

**زن در تلمود عمیقا
حقیر و پست شمرده
شده است. در
جایی از تلمود آمده
است: «زنان دارای
چند خصلت‌اند:
شکم‌بارگی، تنبلی،
حسادت، شکوه‌گری و
پرگویی».**



مجید صفاتاج

نگاهی به جنبش اسلامی در فلسطین

جنبش اسلامی به رسمیت شناخته شد و این اجازه را یافت که علنی فعالیت کند. تأسیس جنبش فتح در اواخر دهه ۵۰ میلادی و پیوستن شمار زیادی از سران اخوان به جنبش جدید که بعدها به صورت بزرگ‌ترین گروه سیاسی سازمان آزادی‌بخش فلسطین درآمد، ضربه‌ای اساسی بر سازمان اخوان در فلسطین وارد آورد و دست کم در تضعیف تشکیلاتی آنها مؤثر افتاد. در این زمان جنبش فتح، رقیب اصلی اخوان در فلسطین اشغالی بود. در این مرحله، جنبش اسلامی ضعیف شد و نیروهای آن در مناطق اشغالی، در سال ۱۹۴۸م پنهان شدند. در کرانه غربی گروه جدیدی در کنار اخوان تشکیل شد که حزب آزادی‌بخش اسلامی نام گرفت. در نوار غزه، گسترش نفوذ سیاسی و تشکیلاتی جنبش اسلامی در اواخر دهه پنجاه پایان یافت. مرحله تضعیف آن نیز با خروج عده‌ای از اعضای آن از صفوف اخوان المسلمین و تغییر جهت برخی از ایشان برای کار در چارچوب جنبش فتح و به ویژه شورای رهبری آن آغاز شد.^۳

مرحله دوم: پس از سال ۱۹۶۷م تا ۱۹۷۹م

بعد از اشغال کرانه غربی و نوار غزه در سال ۱۹۶۷، این مناطق تحت حاکمیت نظامیان اسرائیلی قرار گرفت. از این پس، تشکیلاتی که به اخوان المسلمین اردن در فلسطین معروف بود، فعال شد. به این ترتیب، ارتباط تشکیلاتی اخوان در غزه به جای مصر به اردن منتقل شد. این امر بر مواضع و سیاست‌های جنبش اسلامی در کرانه غربی و نوار غزه و تشکیلات بین‌المللی اخوان المسلمین تأثیر گذاشت. اشغال کرانه غربی و نوار غزه، عامل برقراری ارتباط بین افراد سه گانه فلسطین، یعنی مناطق اشغالی ۱۹۴۸م، کرانه غربی و نوار غزه شد. به این ترتیب امکان همکاری بین گروه‌های اسلامی در فلسطین به طور کامل فراهم آمد. در این دوره، جنبش اسلامی در فلسطین به سبب رهایی از سیاست سرکوبگرانه رژیم صهیونیستی، توانست اساس و شالوده خود را حفظ کند و آن را گسترش دهد.

مرحله سوم: پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران

پس از پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی (ره) که یکی از فاسدترین رژیم‌های دست‌نشانده استکبار و صهیونیسم در منطقه سرنگون شد، مسلمانان جهان با الهام از این انقلاب دریافتند که اسلام تنها راه حل و جهاد

جنبش اسلامی به مجموعه تحرکاتی اطلاق می‌شود که براساس ایدئولوژی اسلامی در سطح اجتماعی صورت می‌گیرد، از زمان اشغال سرزمین فلسطین به‌دست انگلیس در سال ۱۹۱۷، اسلام یکی از نشانه‌های اصلی هویت ملی است. مسلمانان در مقابله با این اشغال، جهاد کردند و دولت انگلیس خود را با قیام مردم مسلمان فلسطین مواجه دید. اولین تشکیلات اسلامی به نام جمعیت شبان المسلمین (انجمن جوانان مسلمان) در اواخر دهه بیستم میلادی به وجود آمد. اولین کنفرانس انجمن‌های اسلامی در شهر ساحلی یافا در آوریل سال ۱۹۲۸م برگزار شد.

طی دو دهه پس از اولین کنفرانس انجمن‌های اسلامی، تا زمان سلطه صهیونیست‌ها بر فلسطین، رهبران مسلمان و جریان‌های اسلامی در اکثر قیام‌های مردمی بر ضد استعمار انگلیس و صهیونیسم نقش مؤثر و بسزایی داشتند. به ویژه شیخ عزالدین قسام و شیخ محمد امین الحسینی، مفتی فلسطین، و سازمان جماعت اخوان المسلمین. اولین شعبه اخوان المسلمین در ۲۶ اکتبر ۱۹۴۵م، در بیت المقدس گشایش یافت. در پی آن در دیگر شهرهای فلسطین نیز شعب آن گشوده شد، به گونه‌ای که در سال ۱۹۴۷م در فلسطین ۲۵ شعبه که اعضای آن بالغ بر ۱۲ تا ۲۰ هزار بود، وجود داشت.^۱ به این ترتیب، جنبش اخوان المسلمین با اقتدار در فلسطین متولد شد. پس از طرح تقسیم فلسطین، اخوان المسلمین آن را رد کرد و مردم را به بر گرفتن سلاح و جهاد مقدس فرا خواند. در آستانه پایان ظاهری قیومیت انگلیس که جنگ فلسطین آغاز شد، صدها تن از داوطلبان اخوان در جبهه‌های گوناگون نبرد علیه صهیونیست‌ها شرکت کردند. با وجود این، جنگ به از دست رفتن بخش وسیعی از سرزمین فلسطین و نابودی بنیادهای سیاسی و مردمی آن منجر شد و فلسطین به سه منطقه شامل: مناطق اشغالی سال ۱۹۴۸م، کرانه غربی و نوار غزه تقسیم شد.^۲ در مناطق اشغالی ۱۹۴۸م، جنبش اسلامی سرکوب شد، ولی در کرانه غربی تا حدی فعالیت‌های خود را که بیشتر جنبه فرهنگی داشت ادامه داد. در نوار غزه نیز تا سال ۱۹۶۷م این جنبش روند نزولی و از سال ۱۹۶۷م یعنی در دهه‌های هفتاد و هشتاد تاکنون روند صعودی داشته است. دگرگونی‌ها و تحولات جنبش اسلامی در فلسطین شامل سه مرحله است:

مرحله اول: از ۱۹۴۸ تا ۱۹۶۷م

در این مرحله، جنبش اسلامی در مناطق سه گانه اشغالی ۱۹۴۸م کرانه غربی و نوار غزه، فاقد نظام و روشی ثابت بود. اما در کرانه غربی که به اردن ضمیمه شد،

جریان دوم: جهادی است که جنبش جهاد اسلامی و جنبش حماس نمونه بارز آن است.

جریان سوم: این جریان، برخی از مواضع دو گروه دیگر را با هم جمع کرده است. نمونه بارز آن حزب آزادی بخش اسلامی است.

جریان چهارم: این جریان شامل جنبش اسلامی در سرزمین‌های اشغالی ۱۹۴۸ است. این جریان دو جناح را دربر می‌گیرد؛ یکی جنبش اسلامی به رهبری شیخ رائد صلاح و دیگری جنبش اسلامی به رهبری شیخ نمر درویش. تفاوت این دو جریان



بیشتر در خصوص نحوه مبارزه با رژیم صهیونیستی و شرکت در انتخابات پارلمان این رژیم است.

ادامه دارد

پی نوشت‌ها:

۱- ابوعمر، زیاد، جنبش‌های اسلامی در فلسطین، ترجمه هادی صبا، تهران، نشر سفیر ص ۳.

۲- ساره، فایز، «الحرکه الاسلامیه فی فلسطین»، فصلنامه المستقبل العربی، ۱۹۸۹م، ص ۴۹.

۳- یکی از این افراد، خلیل الوزير (ابو جهاد) از بنیان‌گذاران جنبش فتح بود که در آوریل ۱۹۸۹ م در تونس، به‌دست یک گروه کماندویی تروریست صهیونیستی به شهادت رسید.

نیز مناسب‌ترین روش برای احقاق حقوق از دست رفته‌شان است. مردم مسلمان فلسطین به ویژه گروه‌های دانشجویی و تحصیلکرده آن از انقلاب اسلامی ایران الهام بیشتری گرفتند. به ویژه پس از شکل‌گیری مقاومت اسلامی لبنان و مشاهدۀ نقش آن در بیرون راندن نیروهای اشغالگر اسرائیلی از این کشور، باورپذیری آنها به مبارزه مسلحانه مبتنی بر ایدئولوژی اسلامی بیشتر شد.

عوامل رشد و گسترش جنبش اسلامی

رشد و گسترش جنبش اسلامی در فلسطین پس از سال ۱۹۶۷م، معلول مجموعه عوامل داخلی و خارجی است. این عوامل بعضاً بیانگر برخی پدیده‌ها در رخدادهای تاریخی و اجتماعی هستند که به ویژه طی سه دهه اخیر منجر به گرایش به اسلام در میان جنبش‌های مقاومت فلسطینی شد. جدای از روند کلی گرایش و بازگشت به اسلام در سطح جهان اسلام که حرکتی جهانی هم تلقی شده، عوامل چندی در گرایش به اسلام در سرزمین‌های اشغالی مؤثر بوده است از جمله: شکست ایدئولوژی‌های سکولار، پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و عملیات حزب‌الله و مقاومت اسلامی در جنوب لبنان

علاوه بر این، عوامل دیگری نیز در رشد و گسترش جنبش اسلامی در فلسطین مؤثر بوده است که به طور خلاصه در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱- جنگ‌های سال‌های ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳م و پیامدهای آن، که مهم‌ترین عامل رشد و گسترش جنبش اسلامی است. عاملی که سبب بالا بردن آگاهی‌های اسلامی در منطقه شد.

۲- فروپاشی شوروی سابق و سرنگونی نظام کمونیستی مادر، نظامی که نیمی از جهان را تحت سیطره خود داشت و عملاً محکوم به شکست شد.

۳- توطئه‌های استکبار جهانی و تبانی شرق و غرب بر ضد ملت فلسطین، برای تثبیت هر چه بیشتر اسرائیل در منطقه.

۴- استمرار اشغال زمین‌های فلسطینیان و گسترش شهرک‌های یهودی‌نشین که آثار منفی زیادی بر جامعه فلسطین گذاشت.

۵- کینه و عناد رژیم صهیونیستی در خصوص جنبش اسلامی، و اقدامات سرکوبگرانه آن بر ضد اسلام‌گراها.

۶- کاهش تناقضات و اختلاف‌ها بین گروه‌های گوناگون جنبش اسلامی در انتفاضه فلسطین و پویایی فکری و آرمانی جنبش اسلامی در سال‌های اخیر و کنار گذاشتن پایبندی و تعصب به مواضع قومی.

۷- مهاجرت فلسطینیان به کشورهای اسلامی و اختلاط آنها با جامعه اسلامی این کشورها.

۸- وجود مساجد و افزایش تعداد آنها در سرزمین‌های اشغالی و کارهای اجتماعی و خیرخواهانه که جریان‌های اسلامی در داخل سرزمین‌های اشغالی انجام دادند.

جریان‌های فکری گوناگون جنبش اسلامی فلسطین

جریان‌های گوناگون فکری جنبش اسلامی در فلسطین را می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد:

جریان اول: اسلام سنتی است که جماعت اخوان المسلمین نمونه بارز آن است.

امام خمینی (ره) در برابر توطئه صهیونی در ایران
بخش دوم

بهای ها و اسرار نفوذ آنها

محمد تقی تقی‌پور

حضور و نفوذ بهایی ها در مراکز مهم و حساس برنامه ریزی و سیاستگزاری ایران در آن زمان و نیز روابط گسترده و بسیار نزدیک رژیم پهلوی با دولت اسرائیل؛ دولت و سلطنت را به حامی بی چون و چرای آنها تبدیل کرده بود. از سوی دیگر، این حضور و نفوذ، موجب شده بود تا آنها در بسیاری از امور حساس در عرصه های گوناگون، در مسیر برنامه ها و اهداف خود، نقش و دخالت خزنده و پنهان داشته باشند.

گزارش رئیس شهربانی وقت قم درباره بخشی از سخنان حضرت امام خمینی در این باره خواندنی است:

«..... این قانونی^۱ که می خواهند در مملکت شیوع بدهند در حزب آقای علم طرح شده و آقای علم بدانند که مردم از پای نمی نشینند تا لایحه لغو شود و پس از تشکیل مجلس نیز ساکت نخواهند نشست.

مطبوعات را سانسور نموده اند و می گویند آزادی هست [...] ما به گوش دنیا می رسانیم. دولت خوب است وظیفه خود را بداند؛ ما را زیردست یک مشت کلیمی که خود را به صورت بهایی در آورده اند پایمال ننماید.»^۲

در گزارش طبقه بندی شده ساواک قم به مرکز، بخشی از سخنرانی مورخ ۲۳ اردیبهشت ۱۳۴۲ حضرت امام به چشم می خورد که در آن به مواردی از همکاری دستگاه های رسمی کشور با بهایی ها و یهودی ها به صراحت اشاره شده است. طبق گزارش ساواک، امام در این سخنرانی خطاب به حاضران می فرماید:

«دولت شما می خواهد به دست بهایی ها و اسرائیلی ها شما را از بین ببرد. بدانید که دولت شما به دو هزار نفر بهایی، هریک پانصد دلار کرایه طیاره داده که به لندن بروند، جمع شوند و علیه قرآن و پیغمبر شما تصمیم بگیرند. دولت شما در یک معامله فروش روغن و مواد نفتی از شرکت [ملی] نفت به «ثابت پاسال» بهایی^۳ [یهودی تبار]، پنج میلیون تومان استفاده رسانده است که با این پول مخارج اعزام بهایی ها به لندن و تبلیغات بهایی تامین شود. از مالیاتی که دولت از شما مسلمانان می گیرد، این مخارج را می کند و یهودی و اسرائیلی و بهایی را تقویت می کند»

در ادامه به تلاش دولت برای به رسمیت شناختن کامل رژیم صهیونیستی، به طور علنی و صریح چنین اشاره شده است:

«اطلاع کامل دارم؛ می خواهند که بر خلاف تمایل ملت مسلمان ایران و سایر ملل اسلامی و عرب، دولت اسرائیل را به رسمیت بشناسند؛ ولی هنوز مثل این که جرات نکرده اند و از شما وحشت دارند که موضوع را رسماً



اعلام کنند. دو سال قبل همین کار را کردند که مورد اعتراض علما و مردم مسلمان قرار گرفت؛ فوری تکذیب کردند. حالا هم همین خیال را دارند.»^۵

هشدارهای پی‌درپی حضرت امام درباره خطر و تهدیدی که از ناحیه بهائیت و یهود برای مردم مسلمان ایران، منافع ملی و معتقدات اسلامی مردم به وجود آمده بود، نشان‌دهنده عمق، ابعاد و اهمیت توطئه صهیونیست‌ها در ایران آن عصر است. آن چنان که امام در ادامه همین سخنرانی چنین هشدار می‌دهند:

«آقایان بدانند که خطر امروز بر اسلام کمتر از خطر بنی امیه نیست. دستگاه جبار با تمام قوا به اسرائیل و عمال آن‌ها (فرقه ضال و مضله) [بهائیت] همراهی می‌کند. دستگاه تبلیغات را به آنها سپرده و در دربار دست آنها باز است. در ارتش و فرهنگ و سایر وزارتخانه‌ها برای آنها جا باز نموده و شغل‌های حساسی به آنها داده اند.

خطر اسرائیل و عمال آن را به مردم تذکر دهید. در نوحه‌های سینه زنی از مصیبت‌های وارده بر اسلام و مراکز فقه و دیانت و انصار شریعت [را] یاد آور شوید [...] سکوت در این ایام تابید دستگاه جبار و کمک به دشمنان اسلام است.»^۶

تکاپوی فزاینده و پردامنه بهایی‌ها در سراسر کشور و آزادی عمل آنها در دستگاه پهلوی، موقعیت ممتازی برای این فرقه ضاله در ایران به وجود آورده بود. آن چنان که در محافل و مراکز اقتصادی و سیاسی، به خصوص سیاست‌گزاری و تصمیم‌گیری نیز حضور و نفوذ اسرار آمیزی داشتند.

به اعتراف منابع یهودی و صهیونیستی، خانواده‌های فراوانی در تهران، شیراز، همدان، کاشان و... بود که در اصل یهودی بودند، اما در ظاهر به بهائیت گرویده و به مناصب و موقعیت‌های بسیار بالای دولتی و اقتصادی دست پیدا کرده بودند. در منابع یهودی به نمونه‌های برجسته این قبیل بهایی‌ها از جمله؛ امیرعباس هویدا، ثابت پاسال همدانی یا حبیب اله ثابت، سرلشکر عبدالکریم ایادی، پزشک مخصوص محمد رضا و... اشاره و تصریح شده است:

«پشتیبانی‌های سازمان یافته و تشکیلاتی و گروهی آنها در ورود به دستگاه‌های دولتی و بالاکشدن دیگر هم‌کیشان [بهایی]، راه را برای یارگیری‌های بیشتر باز می‌کرد.»^۷

سرلشکر ایادی نمونه‌ای مثال‌زدنی در این باره است. منیر عزری سفیر وقت اسرائیل در ایران، در باره میزان نفوذ و قدرت او می‌نویسد: «سرلشکر ایادی پزشک ویژه محمدرضا بود و به چشم و گوش شاه می‌مانست. ایادی به یهودیان مهری ناگسستگی داشت و آنها را شایسته بی‌پیرایه‌ترین یاری‌ها می‌دانست. افزون بر آن، ارزنده‌ترین و والاترین

نیایشگاه بهائیان در اسرائیل بود و این پدیده روشن‌تر از آفتاب را ایادی نمی‌توانست نادیده بگیرد.»^۸

البته بسیاری از مردم مسلمان ایران، حتی عالمان، اندیشمندان و روشنفکران در آن زمان درباره این قبیل واقعیت‌های سیاه و پنهان جامعه، آگاهی و اطلاعات کافی نداشتند. اما حضرت امام با نگاهی هوشمندانه، در همان دوران، اسرار حضور بهایی‌ها در دستگاه سلطنتی و پیوند آنها با کانون‌های یهودی و صهیونیستی را افشامی‌کرد.



منیر عزری
سفیر اسرائیل در ایران

پس از این که دولت علم طی تلگرافی خطاب به علمای قم، عقب‌نشینی خود را در قضیه لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی به طور فریب‌کارانه اعلام کرد، حضرت امام طی سخنانی گفت:

«... این‌ها می‌خواستند با تصویب لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی و لغای شرط اسلام از رأی‌دهنده و انتخاب شونده، مقدرات مسلمین را به دست غیر مسلمانان، مانند یهودی‌های بهایی بسپارند. اگر استان‌های کشور به دست غیر مسلمانان بیفتد، چه بسا ممکن است از حلقوم خبیث آنان صدایی غیر از قرآن شنیده شود و آن روز است که خطرهای بزرگی متوجه می‌شود [...] تمام حیثیات خواهد رفت؛ اقتصادیات، بازار، ذخایر مملکت [...]»

ای مؤمنین بیدار باشید. اجانب به فکر از بین بردن ایران و کشور مسلمین افتاده‌اند. جز قرآن مانعی نمی‌بینند. عمال خود را وادار کردند به هر حيله‌ای که ممکن است قرآن را از بین ببرند [...]»

مردم را متوجه کنید تا به دولت بگویند: ما حاضر نیستیم استان‌های این کشور تحت تصرف بهایی‌های ناهای یهود درآید.^۹ امام در موضع‌گیری دیگری، در پاسخ به استفتاء بازرگانان و اصناف قم مبنی بر مصاحبه اسداله علم نخست‌وزیر وقت و نیز تلگراف او به علما در خصوص اصلاح و تغییر لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی اقدام و حرکت علم را نوعی اغفال‌گری و فریب‌کاری دانستند و افزودند:

«خطر بزرگی که برای اسلام و استقلال و کیان مملکت به واسطه این تصویب‌نامه، که شاید به دست جاسوسان یهود و صهیونیست‌ها تهیه شده، برای نابودی استقلال و

هشدارهای پی‌درپی حضرت امام درباره خطر و تهدیدی که از ناحیه بهائیت و یهود برای مردم مسلمان ایران، منافع ملی و معتقدات اسلامی مردم به وجود آمده بود، نشان‌دهنده عمق، ابعاد و اهمیت توطئه صهیونیست‌ها در ایران آن عصر است.

به هم‌زدن اقتصاد مملکت، به قوت خود به نظر دولت آقای علم - باقی است [...] اینجانب، حسب وظیفه شرعی، به ملت ایران و مسلمین جهان اعلام خطر می‌کنم؛ قرآن کریم و اسلام در معرض خطر است. استقلال مملکت و اقتصاد آن در معرض قبضه صهیونیست‌هاست، که در ایران به حزب بهایی ظاهر شدند و مدتی نخواهد گذشت که با این سکوت مرگبار مسلمین، تمام اقتصاد این مملکت را با تأیید عمال

درخواستی بکند و پذیرفته نشود. شاید همین پیوند ایادی با شاه بود که هر گاه سران کشور یا شاه به نکته دشواری برمی خوردند؛ دست به دامن ایادی می شدند و او می توانست گره گشایی کند.^{۱۵}

البته ماجرای سرلشکر ایادی که به صورت بسیار گذرا به آن اشاره شد، تنها یک نمونه از حضور و نفوذ اسرارآمیز سیاسی، اطلاعاتی و

اقتصادی بهایی‌ها در ایران عصر پهلوی است.

اعتراف سفیر وقت اسرائیل در ایران، درباره حضور مخفی و اسرارآمیز بهایی‌ها در دستگاه‌های مختلف کشور، جذاب، تکان دهنده و خواندنی است :

« در سایه دوستی با [سرلشکر عبدالکریم] ایادی، با گروهی از سرشناسان کشور آشنا شدم که هرگز باور نمی کردم پیرو کیش بهایی باشند. بسیاری از آنها در باور خود چون سنگ خارا بودند ولی به خوبی می دانستند چگونه در برابر دیگران خود را پنهان سازند. آنها همه دریافته بودند که در برابر من [به عنوان یک یهودی و سفیر اسرائیل] نیازی به پنهان کاری ندارند.»^{۱۶}

در دورانی که نهضت امام آغاز شد، یعنی در همان سال ۱۳۴۱ و ۱۳۴۲ ش، صرف نظر از برخی بهایی‌های مخفی و یا عناصر کاملاً مرتبط و متصل با کانون‌های صهیونیستی، که به عنوان وزیر در کابینه حضور فعال داشتند، وزیران بهایی یهودی تبار، چون امیرعباس هویدا نیز نقش ویژه‌ای ایفا می کردند. البته این بهایی یهودی بعدها به مقام نخست وزیری رسید و حدود سیزده سال بالاترین قدرت و مقام اجرایی و رسمی کشور را پس از شاه عهده‌دار بود.

نمونه دیگر حبیب اله ثابت معروف به ثابت پاسال، بهایی یهودی تبار بود که در خدمت به آرمان بهائیت و صهیونیسم از هیچ تلاش اقتصادی و فرهنگی کوتاهی نکرد. ثابت پاسال اگرچه مشاغل رسمی در حد وکالت و وزارت بر عهده نداشت، اما به سبب ثروت بسیار هنگفت و بی حد و حصری که اندوخته بود، در بسیاری از مراکز و مؤسسات، ذی نفوذ بود و بر مراجع و مقامات سیاستگذار و تصمیم گیر زمان خودش نفوذ و بلکه تسلط داشت.

منابع موجود حکایت از آن دارند که « بیش از ۹۹ درصد اجناسی که شرکت‌های متعلق به ثابت پاسال به ایران وارد می کردند، از پیسی کولا گرفته تا تلویزیون‌های « R.C.A » و کارخانجات لاستیک « جنرال »

[و...] همگی ساخت آمریکا و متعلق به کارتل‌ها و تراست‌هایی بودند که سهام آن‌ها به یهودی‌های صهیونیست تعلق داشت.»

خود قبضه می کنند. و ملت مسلمان را از هستی در تمام شوؤن ساقط می کنند. تلویزیون ایران پایگاه جاسوسی یهود است و دولت‌ها ناظر آن هستند و از آن تأیید می کنند. ملت مسلمان تا رفع این خطرها نشود، سکوت نمی کند و اگر کسی سکوت کند در پیشگاه خداوند قاهر مسؤول و در این عالم محکوم به زوال است.»^{۱۷}



امیرعباس هویدا

اعتراف منابع صهیونیستی به نفوذ شگفت انگیز بهایی‌ها و نمونه بارز آن یعنی، عبدالکریم ایادی بهایی در مراکز و مؤسسات مختلف در دوران پهلوی و اشغال مشاغل و مناصب گوناگون به طور همزمان، از جمله، بهداری ارتش، بیمارستان‌های وابسته به مراکز نظامی، اداره خرید دارو و لوازم پزشکی برای یگان‌های ارتش، کمیته خرید دارو از خارج، فروشگاه‌های زنجیره‌ای اتکا و...، و به علاوه، مساعدت بی چون و چرا و حساب شده او برای ورود یهودی‌ها و بهایی‌ها در مشاغل حساس و مهم،^{۱۸} پس از گذشت ده سال از آن دوران، هنوز، هم چنان شگفت‌آور است.

مثیر عزری پس از اشاره به اختیارات گسترده بهایی‌ها، در باره نقش و قدرت عبدالکریم ایادی می نویسد: «در یکی از دیدارهای خانوادگی [...]»

در کنار ایادی نشسته بودم و پیرامون همکاری‌های کارشناسان اسرائیلی تحت سرپرستی او گفت و گو می کردم. چند روز پس از آن دیدار، ایادی کارشناسان ما را فراخواند و با آنها پیمان بست تا میوه، مرغ و تخم مرغ [مورد نیاز] ارتش ایران را فراهم کند و برای ارتش، مرغداری و دهکده‌های نمونه بسازد. هم چنین ایادی به بازرگانان و کارشناسان اسرائیلی یاری داد تا میوه مورد نیاز ارتش ایران را فراهم کنند.»^{۱۹}

ارتشبد حسین فردوست در خاطرات خود، با اشاره به حضور گسترده بهایی‌ها، ایادی را بانفوذترین فرد دربار محمدرضا معرفی کرده و نوشته است که او هشتاد شغل در سطوح عالی کشور برای خود درست کرده بود که همه پول ساز بودند.^{۲۰}

منابع موجود ضمن اعتراف به قدرت بهائیت در دوره پهلوی، ایادی را چهره‌ای مرموز و جاسوس بزرگ غرب و مطلع ترین منبع اطلاعاتی سرویس‌های آمریکا و انگلیس دانسته‌اند. به طوری که نخست وزیران، رؤسای ستاد ارتش و کلیه مقامات مملکتی، اعم از وزیر و نماینده مجلس و امثالهم دستورات او را که نخست به فرم خواهش بود و اگر اجرا نمی شد به فرم آمرانه، اجرامی کردند.^{۲۱}

به اعتراف مثیر عزری: « کسی باور نمی کرد که ایادی از شاه

ارتشبد حسین فردوست در خاطرات خود، با اشاره به حضور گسترده بهایی‌ها، ایادی را بانفوذترین فرد دربار محمدرضا معرفی کرده و نوشته است که او هشتاد شغل در سطوح عالی کشور برای خود درست کرده بود که همه پول ساز بودند.

ایجاد کارخانه تولید پیسی کولا در سال ۱۳۳۴ ش / ۱۹۵۶ م.

خوب است آقایان به ادارات مرکزی خود گزارش دهند که مراسم

روز ۱۷ دی را بیش از آن چه که هست جلوه ندهند و مردمی را که اعصابشان تحریک شده، [به] وسیله دستگاه جاسوسی بهایی‌ها تهییج نمایند. دستگاه بهائیت و کارخانه پیسی کولا دستگاه جاسوسی یهود فلسطین^{۳۳} است.



سرلشکر عبدالکریم ایادی

و دستیابی به سود سرشار از قبل آن و علاوه بر آن، نمایندگی کمپانی «R. C. A» سازنده نخستین فرستنده تلویزیونی در ایران (۱۳۳۷ ش) که «طی ۱۱ سال سلطه انحصاری حبیب ثابت بر تلویزیون ایران»، میلیاردها تومان سود در آن زمان از جیب مردم ایران، به کیسه‌ی کمپانی آمریکایی و ثابت پاسال بهایی یهودی تبار سرازیر کرد، ایجاد کارخانه مونتاژ تلویزیون R. T. I، ایجاد بانک صنعت و معدن با همکاری تنی چند از بهایی‌ها و صهیونیست‌ها و بهره‌گیری از وام‌های کلان بانکی و اعتبارات ویژه دولتی و خارجی، تنها گوشه‌ای از چپاول های بی حد و حصر این شخص بود. زیرا آن گونه که اسناد روایت می کنند، حبیب ثابت معروف به ثابت پاسال ۴۱ کارخانه عظیم صنعتی و دهه‌ها شرکت بزرگ تجاری را مالک بود. در وابستگی

ثابت پاسال به کانون های قدرت صهیونیستی و رژیم غاصب اسرائیل، همین بس که «پس از مرگ او یکی از خیابان های تل آویو را به نام او نامگذاری کردند»^{۳۴}

این‌ها نمونه‌ها و مثال هایی از هزاران بهایی و فراماسون^{۳۵} فعال و ذی نفوذ در عرصه های مختلف سیاسی و اقتصادی و فرهنگی دوره محمدرضا پهلوی بودند که در سراسر کشور سیطره بی بدیل داشتند. هوشیاری و ذکاوت بی نظیر حضرت امام در شناخت ماهیت و ابعاد نفوذ این توطئه گران و کانون های دسیسه گر و افشای بی‌محابای آن‌ها با آن صراحت و قاطعیت، در دوران سیطره آنها بسیار قابل تأمل و تعمق است.

به دنبال رویدادهای مربوط به «انجمن های ایالتی و ولایتی» در آذر ماه ۱۳۴۱ ش، دو نفر از فرستادگان و نمایندگان اعزامی رژیم شاه به قم، به نام های حسین پرتو، رئیس شهربانی وقت قم و بدیعی رئیس ساواک قم، در منزل امام حضور یافتند که امام طی سخنانی بسیار صریح، ضمن افشای فسادگری های رژیم و اقدامات و برنامه های خیانت‌بار و توطئه گرانه دستگاه سلطنت و دولت افزودند:

«... دستگاه تبلیغاتی تلویزیون متعلق به یک دسته اقلیت منفور است»^{۳۶} و گویا قرار است در تمام کشور توسعه پیدا کند. صاحب آن، علاوه بر این که اقتصاد مملکت ما را در دست گرفته، [مثل] کارخانه پیسی کولا [که] یک کانون جاسوسی است؛ در تلویزیون قصد دارند زنان سابق و امروزی را در ۱۷ دی^{۳۷} نمایش بدهند و روز مزبور، زنان در مقابل عدم اجرای لایحه‌ی انجمن های ایالتی و ولایتی تظاهراتی نمایند. از همین حالا عده‌ای از اهالی تهران و شهرستان‌ها به ما مراجعه کرده اند که اگر چنین عملی صورت بگیرد، ما هم در همان روز عکس‌العمل نشان خواهیم داد.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی.
- ۲- گزارش حسین پرتو، رئیس شهربانی قم در تلگراف شماره ۵/۲۰۲۳ مورخ ۱۳۴۱/۹/۲ به اداره کل اطلاعات کشور؛ سخنان حضرت امام در جمع بازاریان تهران در قم، صحیفه امام، آذر ۱۳۴۱، ص ۹۴.
- ۳- حبیب اله ثابت معروف به ثابت پاسال، بهایی یهودی تبار، صاحب ده‌ها کارخانه و شرکت بزرگ در ایران آن‌زمان بود.
- ۴- گزارش ساواک مبنی بر ورود گروهی از روحانیون شهرهای مختلف به قم و منزل امام خمینی و سخنرانی آن حضرت، روز ۲۳/۲/۱۳۴۲، صحیفه امام، ج ۱، ص ۲۲۷.
- ۵- همان، ص ۲۲۸.
- ۶- سخنرانی امام، ۱۳۴۲/۲/۲۸، صحیفه امام، ج ۱، ص ۲۳۰.
- ۷- مئیر عزری، کیست از شما از تمامی قوم او (یادنامه)، دفتر یکم، برگردان ابراهیم خاخامی، ۲۰۰۰ م، اورشلیم [بیت المقدس].
- ۸- همان‌منبع.
- ۹- سخنرانی امام، ۹ آذر ۱۳۴۱، در حضور جمعی از اهالی تهران، صحیفه امام، ج ۱، صص ۱۰۳-۱۰۴.
- ۱۰- پاسخ حضرت امام خمینی به استفتاء بازرگانان و اصناف قم، آذر ۱۳۴۱، صحیفه امام، ج ۱، صص ۱۰۹-۱۱۰.
- ۱۱- مئیر عزری، پیشین.
- ۱۲- همان.
- ۱۳- ارتشبد سابق حسین فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، موسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی، ج ۱.
- ۱۴- همان.
- ۱۵- عزری، پیشین.
- ۱۶- همان.
- ۱۷- هویدا در کابینه سال‌های آخر دولت علم و نیز حسنعلی منصور وزیر دارایی بود.
- ۱۸- دفتر پژوهش های مؤسسه کیهان، معماران تباهی، ج سوم، ۱۳۷۷، ص ۳۲.
- ۱۹- ر. ک: همان‌منبع.
- ۲۰- این قبیل اشخاص، عمدتاً در لژهای فراماسونری نیز عضویت داشتند. برای کسب اطلاعات بیشتر به منابع پیش گفته در باره فراماسونری مراجعه شود.
- ۲۱- منظور فرقه‌ی بهائیت است و تلویزیون ثابت پاسال.
- ۲۲- سالروز توطئه کشف حجاب رضا خانی در ۱۷ دی ۱۳۱۴ ش.
- ۲۳- مقصود، مهاجمان یهودی اشغالگر سرزمین فلسطین است.
- ۲۴- گزارش شماره ۵/۲۱۸۶، مورخ ۵/۲۳/۱۳۴۱ ش، شهربانی قم؛ سخنان امام، مورخ ۱۳۴۱/۹/۲۰ ش، ۱۳ رجب ۱۳۸۲، صحیفه امام، ج ۱، ص ۱۲۳.

هراس صهیونیستها

تلاش‌های گسترده بین‌المللی برای تشکیل دادگاه جنایی و محاکمه سران رژیم صهیونیستی؛ وحشت مقامات و نهادهای امنیتی این رژیم را موجب شده است.

منابع خبری اعلام کردند: ۳۰۰ سازمان بین‌المللی و حقوقی از ۴۰ کشور در تلاشی هماهنگ؛ اسناد و مدارکی را دال بر اقدام رژیم صهیونیستی در نقض حقوق بشر (در حمله به غزه) جمع‌آوری کرده‌اند. دادگاه مادرید نیز

اعلام کرد: اقدامات تروریستی صهیونیستها را در سال‌های گذشته، از جمله ترور صلاح شحاده - موسس گردان‌های القسام - شاخه نظامی حماس، بررسی می‌کند. صهیونیستها ۶ سال پیش، با انفجار بمب یک تنی، صلاح شحاده و ۱۴ نفر دیگر را شهید و صد نفر از جمله ۹ کودک را زخمی کردند. مدیر مرکز فلسطینی حقوق بشر هم با اشاره به تقاضاهای روزافزون جهانی برای محاکمه مقامات اسرائیل تاکید کرد: این جنایتکاران، بهای سنگینی خواهند پرداخت. راجی‌الصورانی گفت: ۸۰ تن از مقامات اسرائیلی به علت ترس از محاکمه نمی‌توانند از سرزمین‌های اشغالی خارج شوند. در همین حال خبرگزاری قدس، اسامی و تصاویر برخی جنایتکاران جنگی رژیم صهیونیستی را منتشر کرد.

ایهود باراک (وزیر جنگ رژیم صهیونیستی و طراح عملیات سرب گداخته در نوار غزه).

ژنرال مناخیم مازوز (دادستان کل رژیم اشغالگر قدس که از جنایات جنگی سران این رژیم در جنگ غزه چشم‌پوشی کرد).

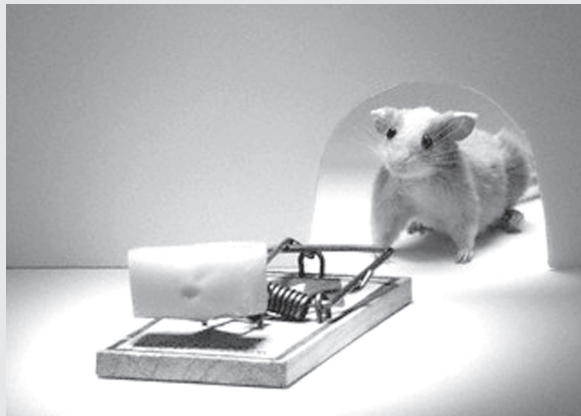
سرهنگ رون آشرو (فرمانده واحد شمالی عملیات غزه و معاون گردان‌های گورانی).

سرهنگ آیل اسین برگ (فرمانده کل نظامیان رژیم صهیونیستی که دستور تقسیم نوار غزه را صادر کرد؛ وی همچنین در جنگ ۳۳ روزه، دستور تقسیم و تفکیک لبنان را صادر کرده بود).

ژنرال ایدو نهوستان: فرمانده نیروی هوایی ارتش رژیم صهیونیستی که مسئولیت عملیات تخریب با هزاران تن از بمب‌های فسفری را برعهده داشت.

سرهنگ یووال اسلووکی: فرمانده گردان‌های نیروهای مسلح ۴۰۱ که با تانک‌های نظامی مرکاوا وارد غزه شد. وی این عملیات را تا زمان رسیدن کامل به منطقه ساحلی متوقف نکرد. اسلووکی حتی شهروندان فلسطینی را که پرچم سفید در دست داشتند به شهادت رساند و تعداد زیادی از منازل مسکونی فلسطینی‌ها را تخریب کرد.

ژنرال شووالای ماروم: وی صدها منزل مسکونی را در رفح و جباليا ویران کرد.



سرهنگ آوی پیلد: جنایتکار جنگی و فرمانده گردان ۵۱ ارتش که در عملیات سرب گداخته به کشتار فلسطینی‌ها ادامه داد. وی در جنگ ۳۳ روزه ضدلبنان نیز حضور داشت.

سرهنگ هرتر هالیوی: فرمانده واحد چتربازان ارتش رژیم صهیونیستی در غزه.

ژنرال یووال هالامیش: رئیس افسر اطلاعاتی ارتش رژیم صهیونیستی.

سپهبد گابی اشگنازی رئیس ستاد

مشترک ارتش رژیم صهیونیستی که در جنگ لبنان هم مرتکب جنایات جنگی شد.

ژنرال یووال گالانت رئیس فرماندهی نظامی واحد جنوب که ریاست فرماندهی کل عملیات سرب گداخته را برعهده داشت. وی شخصا در این عملیات و کشتار شهروندان بی‌گناه فلسطینی حضور داشت.

ژنرال آموس یادلین: رئیس اطلاعات نظامی ارتش که شخصا در جنگ غزه حضور داشت.

در زیر نام‌های برخی دیگر از جنایتکاران صهیونیست بدون عکس آورده شده است:

ژنرال جانانان لاکر فرمانده نیروی هوایی رژیم اشغالگر قدس.

سرهنگ دوم آوی بلات فرمانده گردان‌های چتربازی واحد ۱۰۱.

سرهنگ دوم یهودا کوهن فرمانده پیاده نظام در واحد گورانی.

سرهنگ دوم رانین داگمی معاون فرمانده تیپ ۴۰۱ نیروهای مسلح.

ژنرال زویکا فوگل جنایتکار جنگی و معاون سابق فرمانده جنوبی در واحد توپخانه ارتش رژیم صهیونیستی.

سرهنگ دوم کل اریز فرمانده واحد مسلح گردان‌های زرهی این رژیم.

ژنرال نیمروود آلونی

سرهنگ تومر تسیتز

سرهنگ دوم شلومو سابان

سرهنگ دوم یائوف مردخای

سرهنگ دوم اورن کوهن

گور رونزن بلات؛ افسر ذخیره واحد پیاده‌نظام

گای اوهایون؛ افسر ذخیره واحد پیاده نظام رژیم صهیونیستی

سروان رون واردی

افسر ریچارد آویزرات

نسیم قدس برای انتشار خبر و اسامی اشخاص، نهادها و تشکلهایی که مایلند برای دستگیری این جنایتکاران جایزه تعیین کنند، آماده است.



حسبنا الله و نعم الوكيل!

دکتر محمدعلی مهتدی

دستورالعمل‌هایی که روز جمعه هر هفته صادر می‌کنند، از فرماندهان ارتش صهیونیستی گله‌مندند که چرا فقط یک هزار فلسطینی را کشته‌اند، در حالی که می‌توانستند یک میلیون نفر از آنها را بکشند.

حال تصور کنیم که چنین رژیم خونخواری که در این منطقه اسلامی، به سلاح هسته‌ای نیز مسلح است، چه خطری را برای همه ملت‌های منطقه ایجاد می‌کند. شاید اگر نوار غزه آنقدر به شهرها و شهرک‌های صهیونیست‌نشین نزدیک نبود، آنها از بمب هسته‌ای تاکتیکی نیز استفاده می‌کردند، کما اینکه برخی از سران رژیم صهیونیستی این کار را توصیه کردند. بنابراین با وجود چنین رژیم خونخوار و نژادپرست و ضدانسانی، چطور ملت‌ها می‌توانند در این منطقه احساس امنیت کنند؟ فاجعه غزه نشان داد که وجود این رژیم با این سلاح‌ها تحمل‌ناپذیر است.

اما آنچه قابل درک نیست، تبانی برخی از رژیم‌های عربی در پدیدآوردن این فاجعه است. آنها که ده‌ها سال از عربیت و وحدت عربی و همبستگی عربی و پیمان دفاع مشترک عربی دم زده‌اند، چگونه توانستند به این جنایت بزرگ دست بزنند یا بدان رضایت دهند؟

رنج و اندوه غزه بی‌پایان و فراموش‌نشده است. هزاران کودک و نوجوان که امروز حسبنا الله و نعم الوکیل می‌گویند، در آینده تبدیل به بمب‌های متحرک خواهند شد و همه جا را به آتش خواهند کشید. بدون تردید این منطقه بعد از فاجعه غزه حال و روز دیگری خواهد داشت. حتی وقتی که امیر قطر تصمیم گرفت کنفرانسی برای غزه تشکیل دهد، بعضی از سران عرب پای تلفن نشستند و با انواع تهدید و تطمیع مانع از شرکت دیگر سران عرب در این کنفرانس شدند و آنگاه امیر قطر با ابراز شگفتی از اینکه این کنفرانس به محض آنکه به حد نصاب می‌رسد، از نصاب می‌افتد، گفت: حسبنا الله و نعم الوکیل!

همه شواهد حاکی از آن است که فاجعه غزه پایان کار نیست، بلکه آغاز مرحله‌ای جدید در تحولات منطقه است و از این پس بسیار باید بگوییم: حسبنا الله و نعم الوکیل!

از آغاز حمله ددمتشان ارتش اسرائیل به نوار غزه، آیه شریفه فوق را هر روز صد‌ها بار از زبان مردان، زنان و حتی کودکان در نوار غزه شنیدیم و می‌شنویم. حجم جنایت و ابعاد آن تصورنشده‌ای و ورای هرگونه توصیف است. مردمی که از هر سو به‌دست دوست و دشمن در محاصره قرار گرفته‌اند و بدون هیچ پناهگاهی، با پیشرفته‌ترین هواپیماهای جنگی و آخرین اختراعات مرگبار شبانه روز بمباران می‌شوند. در چنین اوضاعی در اوج استیصال و بی‌کسی به این آیه شریفه پناه می‌برند که: فقط خدا را داریم و همو خود وکیل و حامی ماست (آیه ۱۷۳ سوره آل عمران).

مردی که زن و فرزندانش جلوی چشمش جان داده‌اند، مادری که پیکر بی‌جان کودکش را در آغوش گرفته و اشک می‌ریزد، مددکاری که پیکر شهید یا مجروحی را حمل می‌کند، زن یا مردی که خانه و دار و ندارش در یک لحظه با خاک یکسان شده، همه و همه در اوج درد و اندوه و احساس بی‌پناهی به این آیه شریفه پناه می‌برند و فریاد می‌زنند که «حسبنا الله و نعم الوکیل»!

چه کسی می‌توانست تصور کند که روزی فرا رسد که بسیاری از رژیم‌های عرب دست در دست آمریکا و اسرائیل بگذارند و چنین فاجعه‌ای را علیه ملت مظلوم فلسطین به بار آورند و آنگاه از رسیدن آب و دارو و غذا به این مصیبت‌دیدگان جلوگیری کنند؟ پناه بردن به این آیه شریفه را در فرهنگ اسلامی «احتساب» می‌گویند که در طول تاریخ اسلام به ویژه در واقعه کربلا بسیار کاربرد داشته است و اکنون غزه، کربلایی دیگر است.

آنچه انسان بر صفحه تلویزیون می‌بیند، باورکردنی نیست، اما حقیقت دارد. مگر می‌شود انسان به این درجه از سبیت برسد که با هم‌نوع خود این گونه رفتار کند؟

در مورد صهیونیست‌ها مسئله روشن است. آنها فقط خود را انسان و برگزیده خداوند می‌دانند و انسان‌های دیگر را حیواناتی در شکل انسان می‌بینند که باید در خدمت صهیونیست‌ها و تسلیم شهوات آنان باشند. از دید آنها، انسان‌های دیگر، بیگانه (در زبان عبری «گوییم») هستند. آنها حشراتند که می‌توان هزاران یا میلیون‌ها عدد از آنها را امشی کرد بدون آنکه دچار عذاب وجدان شد!

این روزها می‌شنویم که خاخام‌های صهیونیست در فلسطین اشغالی، در

به نقل از روزنامه اطلاعات - سه‌شنبه ۸۷/۱۱/۱

چراغی که به خانه رواست...

و بزرگ و کوچک قتل عام می‌شوند، کوچک‌ترین نگرانی و ناراحتی به آنها دست ندهد و حتی اظهار تأثر هم نکنند و روحیه همدردی، نوع‌دوستی، حمیت، غیرت، انسانیت و وجدان در انسان‌ها کشته شود، تا جهانخواران خون‌آشام یا خیال راحت در هر کجای دنیا که می‌خواهند، خون بریزند و مردم را سلاخی کنند و دیگر ملت‌ها صدایشان درنیاید و خیال جنایتکاران را آشفته نسازد. آنها می‌خواهند امروز که فلسطینی‌ها را قتل عام می‌کنند ایرانی‌ها دم برنیاورند و بی‌تفاوت و ساکت بمانند و فردا که خدای نخواست به سراغ ایرانی‌ها می‌آیند و می‌خواهند ایرانی‌ها را به مسلخ بکشند، فلسطینی‌ها و دیگر ملت‌ها دم برنیاورند و صدا به اعتراض بلند نکنند. همان طوری که در دوران رژیم پهلوی در مقابل آن همه جنایات و کشتار رژیم ساکت ماندند و آن رژیم خونخوار را تایید و تجهیز کردند.

ثانیا ایران لقمه‌ای از دهان ایرانی نگرفته است که به فلسطینی‌ها بدهد. غالبا کمک‌های ایران به مردم فلسطین از راه تعاون و مساعدت خود مردم است که با دل و جان، از دسترنج خود برای یاری مردم فلسطین تقدیم می‌دارند و آنچه را دولت به فلسطینی‌ها کمک می‌کند، در حدی نیست که در سرنوشت مردم ایران تأثیرگذار باشد.

ثالثا کمک ما به فلسطین درواقع در راه دفاع از مرز و بوم ایران و استقلال کشور خودمان است که به توضیح آن می‌پردازیم:

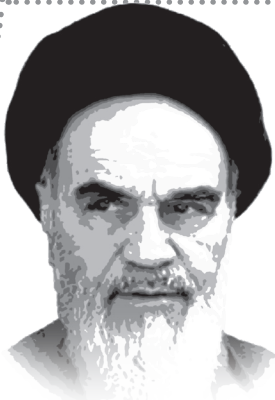
باید دانست که صهیونیست‌های تاجرپیشه و سوداگر تنها برای تصرف خاک و شن داغ فلسطین به این سرزمین کوچ نکرده‌اند و غرضشان تنها زیستن در سرزمین محدود فلسطین نیست. آن روز که نفت در خاورمیانه کشف شد و بوی نفت مشام صهیونیست‌ها را نوازش داد، آنها یادشان آمد که «فلسطین ارض موعود است!» تا از این راه یهودی‌های عوام و ساده‌لوح را بفریبند و به عشق سرزمین موعود به سوی خاورمیانه بکشانند. غرض اصلی آنها اشغال کشورهای نفت‌خیز و دستیابی بر چاه‌های نفت منطقه است. از این رو، همزمان با توطئه برای اشغال فلسطین صریحا اعلام کردند که هدفشان «تشکیل اسرائیل بزرگ از نیل تا فرات است» و بعضی از افراطیان صهیونیستی نیز رویای تصرف سرزمین‌های «از وادی صهیون تا جولانگاه

فصلنامه ۱۵ خرداد، از نشریات وزین و مفیدی است که درزمینه انقلاب اسلامی و وقایع و مسائل و تاریخ آن به طور مداوم مطالب ارزنده‌ای را منتشر می‌کند. این مجله در شماره ۱۶؛ دوره سوم؛ سال پنجم؛ تابستان ۱۳۸۷؛ در صفحه ۴۲۱ به یکی از سؤالاتی که عموماً درباره فلسطین مطرح می‌شود، جواب کافی و مستدلی داده است که با کمی تلخیص از نظر خوانندگان محترم می‌گذرد؛ ضمن اینکه نشانی و تلفن آن فصلنامه هم ذکر می‌شود:

تهران: خیابان شهید کلاهدوز؛ کوچه شهید عفیف مصمم؛^۶
تلفن ۲۲۵۸۸۳۸۵؛ صندوق پستی شماره ۷۳۸۵-۱۹۳۹۵

«آیا درست است که ایران برای فلسطین تا این قدر بی‌تابی از خود به خرج بدهد، در حالی که خود فلسطینی‌ها معلوم نیست می‌خواهند چه کار بکنند؟ بعضی‌هایشان مشغول بده و بگیر با اسرائیل هستند و خیلی معلوم نیست برای خاکشان دلمشغولی داشته باشند. آن وقت ایران لقمه از دهان مردمش می‌گیرد و به آنها کمک می‌کند با اینکه خیلی از ایرانی‌ها مستحق‌ترند و به قول قدیمی‌ها چراغی که به خانه رواست در مسجد حرام است...»!

-آولا این مثل معروف: «چراغی که به خانه رواست در مسجد حرام است» برخلاف اصول انسانی و موازین اخلاقی است و با مبانی اسلامی نیز مغایرت دارد. بانوی بزرگ اسلام، حضرت فاطمه سلام‌الله علیها بنابر روایتی فرمودند: «الجار، ثم الدار»؛ نخست همسایه، آنگاه خانه. این شعار ارتجاعی و خلاف انسانی: «چراغی که به خانه رواست در مسجد حرام است» برای کسانی پسندیده و پذیرفته است که می‌خواهند مانند حیوانات زیست کنند، غذای خودشان تامین باشد، بر سر دیگران هر چه بیاید باکی نیست! گوسپند دنبال علف خویش است و هر از چندگاه که سر از آخور بیرون می‌آورد، می‌بیند که گوسپندانی را سربریده‌اند و آن حیوانات در خون خود دست و پا می‌زنند، اما او با کمال بی‌تفاوتی و خون‌سردی به آن صحنه خونبار نگاه می‌کند و به علف خوردن ادامه می‌دهد. برخی برآنند که ایرانی‌ها زندگی حیوانی داشته باشند و زندگی، رفاه، آسایش و آرامش خود را تامین کنند و آن‌گاه که در برابر دیدگانشان صدها و هزاران نفر از مردم و زن و کودک



بسم الله الرحمن الرحيم

مسئله قدس یک مسئله شخصی نیست و یک مسئله مخصوص به یک کشور و یا یک مسئله مخصوص به مسلمین جهان در عصر حاضر نیست، بلکه حادثه‌ای است برای موحدین جهان و مومنان اعصار گذشته و حال و آینده، از روزی که مسجدالاقصی پی‌ریزی شد تا آن‌گاه که این سیاره در نظام هستی در گردش است. و چه دردناک است برای مسلمانان جهان در عصر حاضر که با داشتن آن همه امکانات مادی و معنوی، در مرئی و منظر آنان به پیشگاه خداوند متعال و رسولان عالی‌قدرش این چنین جسارت واقع شود، آن هم از یک مشت اوباش جنایتکار. و چه ننگ است برای دولت‌های اسلامی که با در دست داشتن شریان حیاتی ابرقدرت‌های جهان، بنشینند و تماشاگر باشند که امریکا ابرجنایتکار تاریخ، یک عنصر فاسد بی‌ارزش را در مقابل آنان علم کند و با عده‌ای ناچیز عبادتگاه مقدس و قبله‌گاه اول آنان را از آنان غصب نموده و با کمال وقاحت در مقابل همه آنان قدرت‌نمایی کند. و چه شرم‌آور است سکوت در مقابل این فاجعه بزرگ تاریخ. و چه زیبا بود که بلندگوهای مسجد اقصی از همان روز که اسرائیل این عنصر خبیث دست به کار این جنایت عظیم شده بود، به صدا درمی‌آمدند. اکنون که مسلمانان انقلابی و شجاع فلسطین با همتی عالی و با آوای الهی از معراجگاه رسول ختمی - صلی‌الله علیه و آله و سلم - خروش برآورده و مسلمانان را به قیام و وحدت دعوت نموده‌اند و در مقابل کفر جهانی نهضت نموده‌اند، با کدام عذر در مقابل خداوند قادر و وجدان بیدار انسانی می‌توان در این امر اسلامی بی‌تفاوت بود؟ اکنون که خون جوانان عزیز فلسطین دیوارهای مسجد قدس را رنگین کرده است و در مقابل مطالبه حق مشروعشان از مشت‌ی دغل‌باز، با مسلسل جواب شنیده‌اند، برای مسلمانان غیرتمند عار نیست که به ندای مظلومانه آنان جواب ندهند و همدردی خود را با آنان اظهار نکنند؟ باشد که فریاد همدردی آنان دولت‌ها را بیدار کند که از قدرت عظیم اسلامی استفاده کرده و دست امریکای جهان‌خوار، این جنایتکار تاریخ را که از آن طرف دریاها به پشتیبانی ستمگران، دست پلید اسرائیل را می‌فشارد قطع کنند و خود و ملت‌های مظلوم جهان را نجات دهند. امید است خداوند منان بر بشر منت فرموده و وعده قرآنی خود را هر چه زودتر انجام فرماید و مستضعفان جهان را بر مستکبران غلبه دهد. درود بر قدس و بر مسجد اقصی. درود بر ملت‌های به پاخاسته در مقابل اسرائیل جنایتکار؛ و درود بر مسلمانان و مستضعفان جهان.

روح‌الله الموسوی الخمینی

استر» را دارند، یعنی بخش زیادی از سرزمین‌های ایران؛ و اگر تا به امروز به این خواسته شیطانی و استعماری دست پیدا نکرده‌اند، برای این است که در خاکریز اول مانده‌اند و نتوانسته‌اند فلسطینی‌ها را سرکوب کنند و از سر راه مطامع و اغراض و امیال خود کنار بزنند. بی‌تردید اگر روزی، خدای نخواست، فلسطینی‌ها را بتوانند از سر راه خود بردارند و نابود کنند و یا به تسلیم وادارند در حمله به دیگر کشورهای مجاور فلسطین برای رسیدن به چاه‌های نفت درنگ نمی‌کنند و اگر چنین روزی پیش بیاید، ملت ایران ناگزیر خواهد شد برای دفاع از سرزمین خود و منابع سرشار آن با صهیونیست‌ها در مرزهای ایران روبه‌رو شود و در خاک ایران با آنها بجنگد. حضرت امام علی(ع) - به حسب روایت - فرمود: «بدیخت ملتی که بی تفاوت بنشیند تا دشمن پیش بیاید و در درون خانه خویش با دشمن پیکار کند». امروز فلسطینی‌های مظلوم و بی‌پناه، نه تنها در راه آزادی سرزمین خود مبارزه می‌کنند، بلکه از دیگر کشورها و ملت‌های منطقه خاورمیانه نیز دفاع می‌کنند و صهیونیست‌ها را از اشغال کشورهای نفت‌خیز خاورمیانه بازمی‌دارند.

بنابراین حمایت ایران از مردم مظلوم فلسطین روی سه اصل اساسی و عقلایی است:

۱. از نظر انسانی، به گفته سعدی:

تو کز محنت دیگران بی‌غمی

نشاید که نامند نهند آدمی

ایرانیان شریف و آزاده روی خصلت آزادگی، جوانمردی و نوع‌دوستی هیچ‌گاه نمی‌توانند از سرنوشت دیگر انسان‌ها غافل باشند و به یاری مظلومان و ستمدیدگان نشتابند.

۲. از نظر موازین اسلامی، پیامبر اکرم صلی‌الله علیه و آله فرمودند: کسی که استغاثه انسانی را بشنود و به یاری او نشتابد مسلمان نیست. (من سمع رجلاً ینادی یا للمسلمین فلم یجبه فلیس بمسلم). نیز از آن حضرت روایت شده است که اگر کسی صبح از خواب برخیزد و به امور دیگر مسلمان‌ها اهتمام نداشته باشد، مسلمان نیست. (من أصبح ولم یهتم بامور المسلمین فلیس بمسلم)

از نظر اسلام دفاع از مظلومان و ستمدیدگان واجب است و کسی که در این مسئولیت کوتاهی کند گناهکار است. بنابراین بر هر انسان مسلمانی واجب است که از مسلمانان تحت ستم، به ویژه مردم فلسطین دفاع کند و اگر هیچ کاری از او برنمی‌آید، دست کم صدا به اعتراض بلند کند، فریاد بزند و ستم‌هایی را که بر آنان می‌رود محکوم کند.

۳. از نظر سیاسی، چنان که آورده شد امروز مردم فلسطین با مقاومت و مقابله با اشغالگران درواقع از سرزمین ایران نیز دفاع می‌کنند و صهیونیست‌ها را از تجاوز به خاک ایران بازمی‌دارند. بنابراین، پشتیبانی از فلسطینی‌ها درواقع دفاع از ایران و پیشگیری از خطر صهیونیست‌ها است که چشم طمع به منابع نفت و گاز و... ایران و دیگر کشورهای منطقه دارند.

در پایان، صرف نظر از تمام موارد مذکور، یکی از پیام‌های حضرت امام سلام‌الله علیه در سال ۱۳۶۱ را که گویای اهمیت و جایگاه مسئله فلسطین و مسجدالاقصی و وظیفه مسلمین جهان درقبال رژیم نامشروع صهیونیسم است در پی می‌آوریم:

بنی‌امیه و دولت بیزانس

مقاله‌ای از مرحوم استاد امیر توکل کامبوزیا

اشاره:

امیر توکل کامبوزیا کرد زعفرانلو، از قربانیان دستگاه جبار پهلوی بود که بعد از سال‌ها تبعید و تحمل مرارت و گرفتاری، عاقبت در ۲۳ مهر ماه ۱۳۵۳ در زاهدان به دست ماموران ساواک مسموم و شهید شد. این مرد بزرگ در بیرون شهر زاهدان مزرعه بزرگ و کم‌نظیری احداث کرده و کتابخانه‌ای با ۱۵۰۰ جلد - به زبان‌های فارسی، عربی، فرانسه و... - فراهم آورده بود و در آن کویر جغرافیایی و فرهنگی به تربیت شاگردان و تحقیق مسائل سیاسی و تاریخی پرداخته بود و دیدگاه‌های بدیعی داشت که بخش بزرگی به دست عوامل رژیم پهلوی منهدم و مقدار اندکی باقی مانده است.

مقاله زیر یکی از آثار باقی‌مانده از آن دانشمند ارجمند است که با اندکی تنظیم، تقدیم خوانندگان گرامی می‌شود. این مقاله به تاریخ ۱۳۴۸/۱/۲۰ و در جواب سوالی که از ایشان شده بود نوشته شده است.^۱

گفتنی است که مرحوم کامبوزیا همه مسائل جهان را با دو نگاه مثبت و منفی: از نظر اسلام و یا با دسیسه‌های یهودی بررسی می‌کرد. او همه نیکی‌های عالم را حاصل اسلام و تمام گرفتاری‌ها و فاجعه‌ها را محصول دسیسه‌های یهود می‌دانست.

روانش شاد و روحش با موالایش محشور باد.

مرحوم استاد شهید کامبوزیا در تاریخ ۲۰ فروردین ۱۳۴۸ در جواب نامه‌ای ماهیت حکومت معاویه را برملا کرده و توطئه‌ها و دسیسه‌هایی را که در پس پرده ریا و تزویر و تحت نقاب زد و بندهای سیاسی مستور بوده، افشا کرده است. این نامه را به لحاظ اهمیت طرح مسه تاریخی آن انتخاب کرده‌ایم تا مورد توجه محققان قرار گیرد، در عین حال چون لازم بود از حالت نامه به شکل «مقاله» درآید، در ترکیب آن و تقدم و تاخر مطالب، تغییراتی داده شد. برای حفظ کامل امانت، مطالب آن نامه را در این مقاله در داخل «گیومه» می‌آوریم و آنچه اضافه کرده‌ایم، فقط ربط و اتصال و توضیح جملات است.

چنان که می‌دانیم معاویه از یک سو در تمام دوران حکومتش در پی نابود کردن مسلمانان پاک و راستینی بود که به رهبری حضرت علی و امام حسن مجتبی و امام حسین علیهم‌السلام می‌خواستند راه حضرت رسول صلی‌الله علیه و آله و سلم را ادامه دهند و از سوی دیگر درگیر جنگ‌هایی با روم و بیزانس بوده و می‌کوشیده تا قسطنطنیه را فتح کند. مرحوم کامبوزیا می‌گوید: «باتوجه به اوضاع داخلی اسلام، مشاهده می‌شود که با طرح این عملیات جنگی با بیزانس - که مطلقاً زرگری بوده - رجال و افراد موثر داخلی عالم اسلام به خارج اعزام می‌شده‌اند و آزادگان و حق‌طلبان و مردان حقی که در داخل اسلام خار راه پیشرفت مقاصد معاویه و حکومت آینده یزید بوده‌اند، یکی بعد از دیگری از بین برده شده و نابود می‌شوند.»

طبعاً برای اثبات این مدعا، ابتدا باید خود واقعه تاریخی - حمله نظامی معاویه به بیزانس - را مورد مطالعه قرار داد.

«در سال ۴۹ هجری که مصادف با سال شهادت حضرت مجتبی است، این طور به نظر می‌رسد که معاویه برای تثبیت مقام خلافت و تهیه مقدمات آن صلح کدایی و از بین بردن بی‌سر و صدای امام دوم که به نام خلیفه پنجم مورد هواخواهی مسلمانان به طور کلی بود - جنگ با روم را تحت



فرماندهی پسرش یزید - با افسرانی سخت مومن به اسلام، از قبیل عبدالله بن عباس، عبدالله بن عمر، عبدالله بن زبیر و ابویوب انصاری، به اصطلاح به نام فتح قسطنطنیه، به جنگ اعزام داشت.

تمام این بزرگان صدیق اسلام از طرفداران مخصوص خاندان علی علیه السلام بودند، اما حکومت، مدینه را در همان سال ۴۹ به سعید بن عاص که از طرفداران معاویه بود واگذار کرد و از شهادت حضرت مجتبی (ع) نتیجه مطلوب را در خالی کردن میدان از رقیب، برای خود به دست آورد. این موارد را طبری در وقایع سال ۴۹ هجری در جلد ۴ صفحه ۱۷۳ تاریخ خود (چاپ عربی) بدون نظر خوب یا بد، ضبط کرده است.

«دو مرتبه در سال ۵۱ هجری، جنگ را شروع کرد و باز در این سال، عده زیادی از بزرگان صدیق اسلام را از قبیل حجر بن عدی کندی و اصحاب او را برای پایداری در طرفداری از پیشوایی حسین علیه السلام، در نزدیکی دمشق نابود کرد و این پس از تکلیف به براءت از خاندان علی (ع) و امتناع ایشان از این پیشنهاد بود. مغیره که در آن سال به حکومت کوفه گماشته شده بود، سبب اصلی شهادت حجر و اصحاب او شد.»

«طبری در جلد ۴ ص ۲۱۸ می نویسد: «سپس سال ۵۴ هـ. رسید. در آن سال اردوگاه زمستانی محمد بن مالک، سرزمین روم و صافیه، اقامتگاه محن بن یزیدالمسلمی بود. در آن سال به عقیده واقدی جزیره ای در دریا که در نزدیکی قسطنطنیه به نام ارواد بود به دست جناده بن ابی امیه گشوده شد و بنا به گفته محمد بن عمر، سپاه اسلام در آن جزیره مدتی اقامت جستند و گفته شده است که این مدت، هفت سال کشید. از جمله کسانی که در آن اردوگاه بودند، مجاهد بن جبر بود که نقل کرد در آنجا تبعی بن امراه کعب گفت: این دستگاه مدرجی را که می بینید، هر وقت از محل خود کنده شود، زمان بازگشت ما فرا رسیده است. سپس نقل می کند که باد شدیدی وزید و آن دستگاه مدرج را از جای خود برکند. در همین ایام بود که مامور اعلام مرگ معاویه و نامه یزید هر دو رسیدند و دستور مراجعت صادر شد. بی درنگ مراجعت کردیم و آن دستگاه را دیگر کسی نساخت و منهدم شد و رومیان هم از بیم ما راحت و آسوده شدند.»

رنه گروسه در کتاب امپراطوری شرق صفحات ۹۸ و ۹۹ می نویسد: سپاه دریایی بیزانس در این هنگام ۶۵۵ میلادی - تحت فرماندهی کنستانت دوم - جنگ دریایی علیه مسلمان را ادامه می داد. او در سال ۶۵۹ میلادی با معاویه به نام خلیفه قرارداد صلح منعقد کرد. کنستانت دوم برای استقرار و تثبیت وضع خود به ایتالیا جنوبی رفت و در فاصله سال های ۶۶۳ تا ۶۶۸ در ایتالیا ماند و در همان جا هم روزگارش به سر آمد. مسلمانان از این موقعیت برای تجدید نبرد استفاده کردند، در آسیای صغیر به تاخت و تاز پرداختند. در همین حال قبایل کوهستانی مسیحی ماردائید تحت اغوا و تحریک بیزانس، علیه خلافت دمشق به جنگ های چریکی مهیبی دست می زدند.

امپراطوری کنستانتین چهارم (پسر کنستانت دوم) ۶۶۸ تا ۶۵۸ میلادی نگران افزایش خطر مسلمانان و فتح قسطنطنیه به دست خلیفه معاویه بود. (خواهیم دید که این تظاهر معاویه برای فریب مجاهدان اسلام و اجرای توطئه های خود بوده است.) در سال ۶۷۳ میلادی ناوگان بزرگ مسلمانان

از دریای اژه عبور و شهر قسطنطنیه را از آوریل تا سپتامبر محاصره کردند و سعی کردند که قدرت مقاومت شهر را درهم بشکنند.

دفاع سرسختانه نیروی دریایی بیزانس و فصل بد زمستان، مسلمانان را وادار کرد که در سیزیک پناه بگیرند. آنان تا پنج سال تابستان ها پایتخت مسیحیان را محاصره می کردند و زمستان عقب می نشستند. در این زمان یک یونانی از مردم سوریه از این سرزمین گریخت و به قسطنطنیه پناهنده شد و سلاح آتشینی را که برای محاصره کنندگان مسلمان مهلک بود، در اختیار مسیحیان قرار داد. (توجه شود که چگونه این شخص در این موقع حساس از مرکز اسلامی می گریزد و به سوی دشمن می رود و باعث شکست مسلمانان و قتل بسیاری از افسران لایق می شود) در سال ۶۷۷ میلادی ناوگان اعراب زبان های سنگینی دیدند و تصمیم به عقب نشینی گرفتند، آنگاه خلیفه معاویه صلحی ننگین با کنستانتین چهارم منعقد کرد با تعهد پرداخت غرامتی معادل سالیانه ۳۰۰۰ لیور طلا، پس از آن کنستانتین چهارم همچون منجی مسیحیت متجلی شد.

«ژرژ استرگورسکی استاد بلغراد، در تاریخ بیزانس صفحه ۱۵۵ می نویسد: «معاویه فرتوت تا به ان حد فلک زده و کوچک و حقیر شد که با دولت بیزانس معاهده ای امضا کرد که به مدت ۳۰ سال متعهد گردید سالیانه ۳۰۰۰ سکه طلا همراه با ۵۰ زندانی و ۵۰ راس اسب به امپراطور بدهد.»

آنچه تاکنون ذکر شده در جدول زیر خلاصه می‌شود و در عین حال گویای بسیاری از مسائل است:

شروع خلافت ظاهری حضرت علی(ع) ۳۶ هجری
قرارداد کنستان دوم با معاویه به عنوان خلیفه ۳۷ هجری (معادل ۶۵۹ میلادی)

شهادت حضرت امیر(ع) ۴۱ هجری
شهادت امام حسن مجتبی(ع) ۴۹ هجری
(شروع محاصره قسطنطنیه به دست ناوگان دریایی اسلام ۵۱ هجری ۶۷۳ میلادی)
عقد قرارداد خفت بار معاویه با کنستانتین چهارم ۵۵ هجری (۶۷۷ میلادی)

واقعه کربلا پس از مرگ معاویه ۶۱ هجری
حال تحلیل وقایع و نقل جریاناتی که به درک مسائل کمک موثری

چهارم به کمک پاپ وقت به تخت می‌نشیند و نقشه مبارزه با اسلام را بهتر و دقیق تر از پدر به انجام می‌رساند.

۶- یکی از آثار قرارداد تحقیرآمیز معاویه با کنستانتین چهارم «حکومت مشترک عرب بیزانس در ارمنستان و ایبری و آلبانی و جزیره قبری - متصرفات سابق اسلام بود، اما این صلح هم چیزی جز متارکه موقت نبود.» (تاریخ عمومی، ج ۲، ص ۱۶۱، تالیف رنه گروسه و ا.ژ. لئونارد).

این گونه است که رومیان از بیم مسلمانان آسوده و راحت شدند. مجموع همه آنچه تا اینجا گفته شد، به اضافه این نکته که معاویه، یزید را برای فرماندهی حمله به قسطنطنیه انتخاب کرد و بعد هم کوشش تنفرانگیز او برای تثبیت ولایتعهدی یزید و تبدیل حکومت انسانی به استبداد جابرانه اموی، قطعاً توطئه حساب شده اموی - یهودی - بیزانسی است که هدف آن هم هدم اساس اسلام بوده است. موید این نکته آن که در جریان بیعت گرفتن از حسین بن علی(ع) و ابن زبیر و ابن عمر و ابن عباس نیز

علی علیه السلام همه درآمد حکومت اسلامی را در اختیار داشت و با وجود نهایت درجه صرفه جویی و دقت باز هم پیوسته گرفتار بحران اقتصادی بود، در حالی که معاویه تنها در گوشه کوچکی از مملکت اسلامی با آن هزینه های عظیم و جاسوسی و جلب قلوب افراد و عیاشی و بازهم کمترین بخشش او هزاران دینار بود، منبع این بذل و بخشش اموال کجا بوده است؟

می‌کند:

۱- درست در ایام توطئه حکمیت، کنستان دوم معاویه را به عنوان خلیفه می‌شناسد و با او قرارداد صلح امضا می‌کند.

۲- عناصر یهود، از یک سو عده‌ای از افراد احمق را می‌فریبند و آنان را به نام خوارج در برابر حضرت امیر(ع) قرار می‌دهند و از سوی دیگر تبلیغ می‌کنند که پیروان علی(ع) او را خدا می‌دانند و این امر باعث می‌شود که در شام علی(ع) را کافر بدانند.

۳- حاصل این شیوه کار آن است که در جریان حکمیت، عده‌ای از مسلمانان و یهودیان در شام با معاویه به عنوان خلیفه بیعت می‌کنند.

۴- علی علیه السلام همه درآمد حکومت اسلامی را در اختیار داشت و با وجود نهایت درجه صرفه جویی و دقت باز هم پیوسته گرفتار بحران اقتصادی بود، در حالی که معاویه تنها در گوشه کوچکی از مملکت اسلامی با آن هزینه های عظیم و جاسوسی و جلب قلوب افراد و عیاشی و بازهم کمترین بخشش او هزاران دینار بود، منبع این بذل و بخشش اموال کجا بوده است؟

۵- کنستان دوم پس از فراهم آوردن مقدمات خلافت معاویه و شهادت حضرت علی(ع) و امام حسن(ع) در ۱۵ سپتامبر ۶۶۸ در حمام شخصی به دست یکی از نوکران خود کشته می‌شود و پس از مناقشات، کنستانتین

بینشی روانشناسانه و جامعه‌شناسانه و سیاستمدارانه نهفته است که به کلی از عهده معاویه - که در موقع مرگ هذیان می‌گفت و یزید ابله سخیف الرای پیرو لهو و لعب و اهل تظاهر و سالوس بر نمی‌آمد - بلکه درست تر آن است که باور کنیم، اینان آلت فعل یهود و عناصر بیگانه و ضد اسلام بوده‌اند. شاید با این دید بتوان ابعاد عظیم دیگری از علت قیام امام حسین(ع) را دریافت «تمام این نقشه‌های زیان‌بخش صرفاً با بیداری و ایمان خالص و شهادت و شجاعت بی‌نظیر حسن بن علی علیه السلام نقش بر آب شد که نتیجه‌اش در ابتدا به سقوط امویان و در سال ۱۴۵۳ با سقوط دولت بیزانس حاصل آمد.»

پی‌نوشت‌ها

۱- این مقاله قبلاً در صحیفه، ضمیمه روزنامه جمهوری اسلامی، دوم آبان ۱۳۶۴ چاپ شده است.

معرفی و نقد کتاب

علیرضا رضوی



عنوان: از جولانگاه استر تا وادی صهیون

نویسنده: علیرضا سلطان‌شاهی

ناشر: بنیاد تاریخ‌پژوهی ایران معاصر

سال نشر: ۱۳۸۶

تعداد صفحات: ۳۰۴

قطع: وزیری

قیمت: ۳۵۰۰ تومان

کتاب حاضر در برگرنده نقد و بررسی سه عنوان از کتاب‌های منتشرشده در خارج از کشور با موضوع یهود و اسرائیل و ایران است که تنها یکی از آنها به فارسی در ایران ترجمه و منتشر شده است و دو عنوان دیگر اساساً به زبان فارسی در خارج از کشور منتشر شده است.

اولین کتاب مورد نقد و بررسی، کتاب یادنامه یا خاطرات مؤیر عزری سفیر سابق رژیم صهیونیستی در ایران عصر پهلوی است که در دو جلد قطع رحلی و با بیش از ۵۰ عکس در اسرائیل به زبان فارسی منتشر شده است. این اثر که مناسب است با کمی تحشیه و حذف برخی قسمت‌های غیرضروری بعنوان یک اثر تامل‌برانگیز برای محققان در تیراژی محدود منتشر شود از لحاظ اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، روابط ایران و رژیم صهیونیستی را با ذکر جزئیات مورد توجه قرار داده است.

به نظر می‌رسد که نقد این کتاب که برای اولین بار در شماره اول فصلنامه پانزده خرداد نوشته شده است با کمی تغییر در کنار اثر مذکور قابل استفاده و مفید باشد.

دومین کتاب مورد نقد و بررسی که در ابتدای «از جولانگاه...» آمده است، بررسی خاطرات حبیب لوی مورخ معروف «تاریخ یهود ایران» است که با وجود تصور مخاطبان، تنها به مناسبات مالی و معیشتی خود پرداخته است تا به موضوعی که برای آن معروف شده و آن تاریخ‌نگاری برای

سرگذشت یهود ایران است. این اثر با وجود علاقه شدید لوی به صهیونیسم و اسرائیل در آمریکا به زبان فارسی منتشر شد و حتی لوی با آن همه علاقه حاضر به زندگی در اسرائیل نبود و تنها جسدش پس از مرگ نصیب صهیونیست‌ها در اسرائیل شد.

سومین اثر که ترجمه ضعیف آن در ایران منتشر شده است، مجموعه مقالات فرزندان استر نام دارد که به همت هومن سرشار، فرزند هماسر شار روزنامه‌نگار معروف یهودی مقیم لس‌آنجلس، گردآوری شده است. ویژگی اساسی این اثر استفاده گسترده از تصاویر مرتبط با تاریخ حضور یهودیان در ایران است. هرچند نمی‌توان آن را اثری محققانه برشمرد.

کتاب «از جولانگاه استر تا وادی صهیون» مجموعه‌ای از اطلاعات مربوط به تاریخ یهود ایران است، به‌ویژه نقد مطالب و دیدگاه‌هایی که در این خصوص در خارج از کشور تبلیغ می‌شود، دیدگاه‌هایی که عمدتاً در مسیر تاریخ‌پردازی صهیونیستی ارزیابی شده و مسئولان می‌بایست آن را مورد توجه قرار دهند.



واژگان در دسرساز

چرا حضرت امام این کار را کرده‌اند؟ به همان دلیل که عرض شد؛ یعنی نام بردن از شیء بما هو شیء، بویژه اینکه این شیء همچون شی‌ای بی‌ارزش مثل اسرائیل باشد.

گذشته از اینها، ما هم‌اکنون در استفاده از واژگان دیگری همچون صهیونیسم که مفهوم عام‌تری پیدا کرده نیز باید دقت کنیم. مثلاً به صرف به کار بردن صهیونیست‌ها، نمی‌توان یهودیان سرزمین‌های اشغالی را مدنظر داشت. چراکه هم‌اکنون ما به غیر از یهودیان در میان مسیحیان نیز صهیونیست داریم و از سوی دیگر نمی‌توان تمام صهیونیست‌ها را یهودی فرض کرد. درواقع آن دسته از غیریهودیان اعم از مسیحی و حتی مسلمان که به اشغال و تشکیل دولت یهودی در فلسطین اعتقاد و به تحقق این ایده کمک می‌کنند، صهیونیست اطلاق می‌شود. بگذریم از اینکه هم‌اکنون عده‌ای یهودی ساکن در فلسطین نیز پیدا شده‌اند که علم ضدصهیونیست برپا کرده‌اند و یا در مکان‌های خوش آب و هوای دنیا همچون نیویورک ساز مخالفت با صهیونیست کوک می‌کنند. اگر این عده واقعا راست می‌گفتند اولاً از فلسطین اشغالی خارج می‌شدند و یا حداقل در هر نقطه‌ای از دنیا اقدامی به غیر از شعار، علیه کسانی انجام می‌دادند که به اصطلاح خودشان دین آنها را لجن‌مال کرده‌اند. آیا تاکنون یک یهودی ضدصهیونیست به خاطر نجات دین خود از دست این جنایتکاران تاریخ، جانش را از دست داده است. ما که سراغ نداریم اگر داشتید بسم!...

دیرزمانی است که علما در استفاده از عنوان یهودی، نه تنها در ایران بلکه در سراسر دنیا با مشکل مواجه‌اند. اینکه در انگلیسی Jew می‌گویند و در فرانسه Juife و یا در آلمانی Jude، مسئله ما در این مقال نیست. بلکه نحوه استفاده این کلمه در ایران و زبان فارسی مطرح است. درواقع این واژه همچون در اروپا نیز با بار منفی مواجه است و برای همین هم یهودیان در تلاشند تا با ابداع واژگان جدیدتر از بار منفی آن بکاهند، همچون باب شدن واژه کلیمی به جای یهودی که مرحوم محیط طباطبایی طی مقاله‌ای به شدت با آن مخالفت کرد^۱. درواقع در هر دوره‌ای که مخالفتی وجود نداشته این ابداعات سریع‌تر جای افتاده است. عباراتی همچون عبرانی‌ها، اسرائیلی‌ها، موسوی‌ها، جهود از جمله مهم‌ترین واژگان مورد استفاده به جای یهودی هستند. که در این میان کلمه جهود استفاده طولانی‌تر و عمومی‌تری داشته و البته بار منفی آن نیز بیشتر از بقیه است. درواقع هیچ کس نیست که با شنیدن این کلمه احساس بدی پیدا نکند؟ می‌گویید نه. خوب آن انسان خوش احساس را پیدا کنید^۲.

پی‌نوشت

- ۱- مقاله‌ای با این موضوع در نشریه تموز، ارگان انجمن کلیمیان نیز منتشر شده است.
- ۲- اگر می‌خواهید علت این احساس را بدانید، مقاله‌ای همچون «واقعیت یهودستیزی» در کتاب «پژوهه صهیونیت» نشر مرکز مطالعات فلسطین وجود دارد.

به هنگام استفاده از هیچ کلمه‌ای جز «اسرائیل»، این قدر تامل و فکر نمی‌کنم. چرا؟ چون هنگام استفاده از آن باید جایگاه این کلمه را با حرف و حدیث‌های مرتبط با آن بسنجم. مبدا که از آن معنی «دولت» یا «حکومت» مستفاد شود، یا اینکه به نحوی با کاربرد آن رژیم غاصب صهیونیستی به رسمیت شناخته شود. یا خدای ناکرده ما این رژیم پلید و خونخوار را به حساب اینکه دو تا توپ و موشک و کلاهک هسته‌ای دارد و عالم و آدم در جبهه کفر حامی او هستند، به عنوان یک واقعیت مثل خیلی از مدعوبان داخلی و خارجی به حساب آوریم.

در کنار موارد بالا جدیداً هم بعضی اندیشه‌های [!] علمی سخن از ارزش‌ها و حقایق انسانی در عرصه روابط بین‌الملل را نوعی عقب‌ماندگی سیاسی در صحنه منازعات جهانی دانسته و به واژه‌های امنیت و منافع ملی چسبیده و نشخوارکننده چند تئوری و نظریه روابط بین‌الملل در دانشگاه‌های نسبتاً خودی هستند که الحمدالله فعلاً تنه ما به آنها نزدیک نشده که بعداً حتی بخورد. با این اوصاف این سوال به ذهن می‌آید که اصلاً اسرائیل را باید در حرف‌ها و نوشته‌هایمان استفاده کنیم یا خیر؟

جواب در برخی موارد مثبت است، یعنی استفاده شرعی و قانونی این کاربرد کلماتیک [!] بی‌اشکال است. مثلاً اگر بخواهید از اسرائیل به عنوان یک شیء بما هو شیء که البته نامی هم دارد استفاده کنید. مثلاً این فرمایش حضرت امام (ره) که می‌فرماید «اسرائیل باید از بین برود» یا «اسرائیل باید از صحنه روزگار محو شود».

اصلاً راستش را بخواهید گفتن این نکته خالی از لطف نیست که اتفاقاً حضرت امام پیش از آنکه واژگانی همچون رژیم صهیونیستی یا رژیم اشغالگر قدس و فلسطین را در بیانیات و پیام‌های خود استفاده کند واژه اسرائیل را به کار برده‌اند، می‌گویید نه! امتحان شمارش آن مجانی است.



تاریخ در انتظار

هرتصل و صهیونیسم

تئودور هرتصل، به عنوان بنیانگذار و رهبر صهیونیسم معروف است. او روزنامه‌نگاری اتریشی بود که در مطبوعات اروپا مقاله می‌نوشت و با کتاب «دولت یهود» و همچنین با برگزاری کنگره صهیونیسم در ۱۸۹۷ رهبر پیشرو حرکت صهیونیسم شد. می‌گویند: شرح حال هرتصل، همان شرح به وجود آمدن و رشد صهیونیسم است. اگر این سخن درست باشد، قاعدتا باید سرنوشت و پایان کار صهیونیسم هم مثل سرنوشت و سرانجام هرتصل باشد؛ پدیده‌ای که این روزها کم‌کم نشانه‌های آن را ملاحظه می‌کنیم.

عبدالوهاب المسیری در کتاب بزرگ خود: «دایره‌المعارف یهود، یهودیت، صهیونیسم» درباره سرانجام زندگی بازماندگان هرتصل می‌نویسد: «نسل هرتصل در نهایت برفتاد. دختر بزرگش پولین، دچار اختلال روانی شد و از شوهرش طلاق گرفت و به مواد مخدر معتاد شد. پسر بزرگ هرتصل، هانس در مخالفت با تعلیم یهود... و با افسردگی و اختلال روانی به مسیحیت گروید و همان روزی که خواهرش مرد، او هم خودکشی کرد. دختر کوچک هرتصل دائما مریض بود و از این آسایشگاه به آن بیمارستان می‌رفت تا درگذشت. پسر این دختر، تنها نوه هرتصل در انگلستان بزرگ شد و نام خود را از نیومان (یهودی) به نرمان (انگلساکسون) تغییر داد. او افسر ارتش انگلیس بود و پس از پایان خدمتش در ارتش، رایزن اقتصادی انگلیس در واشنگتن شد، اما در همین شهر خود را از بالای پل به رودخانه انداخت.» اگر سرگذشت صهیونیسم و هرتصل به هم گره خورده بود، انگار سرنوشت و پایان کار این دو هم شبیه یکدیگر است: فساد، افسردگی، اعتیاد، مرض، تباهی و خودکشی لطفا تاریخ را زیاد معطل نکنید.



در آستانه هشتم بهمن (۲۷ ژانویه) که براساس مصوبه سازمان ملل و برائت القاتل و تبلیغات دروغین صهیونیسم جهانی، روز جهانی هولوکاست لقب گرفته است، دکتر «فردریک توبن» پژوهشگر تجدیدنظرطلب هولوکاست و عضو موسسه جهانی «آدلاید» استرالیا برای آشنایی بیشتر ایرانیان، با ابعاد و اهداف این دروغ بزرگ، به ایران آمد. این سفر به دعوت جمعیت حامیان آزادی قدس شریف انجام شد و دکتر توبن در طول اقامت چهار روزه در تهران، ضمن بازدید از چند موسسه فرهنگی، تحقیقاتی، رسانه‌ای در همایش «هولوکاست، دروغ مقدس غرب» شرکت و سخنرانی کرد. همچنین ایشان در چند مصاحبه مطبوعاتی و میزگردی خبری به سوالات مطرح پاسخ گفت. دکتر توبن که همراه با یکی دیگر از تجدیدنظر طلبان جوان «آقای ریچارد کرگی» مهندس ژئوفیزیک اهل آلمان و ساکن استرالیا به ایران سفر کرده بود، با حضور در خبرگزاری فارس و خبرگزاری مهر

ضمن بازدید از این دو موسسه، به پرسش‌های خبرنگاران پاسخ گفت. ایشان در صبح دومین روز سفر از موسسه تحقیقات و پژوهش‌های سیاسی - علمی ندا بازدید کرد و با فعالیت‌های پژوهشگران آن مرکز آشنا شد و سپس در نشست خبری که در این موسسه برگزار گردید، به پرسش‌های خبرنگاران رسانه‌ها پاسخ گفت.

این تجدیدنظر طلب در مورد هولوکاست گفت: هر کس به وجود اتاق‌های گاز ادعایی صهیونیست‌ها در آلمان اعتقاد داشته باشد، یا دروغ گوست یا بر وقایع علمی هیچ اشرافی ندارد. دکتر توبن محقق آلمانی، که از منکران هولوکاست در جهان محسوب می‌شود، در ادامه سخنانش هولوکاست را دروغی دانست که عمر آن رو به پایان است.

در بعد از ظهر سه‌شنبه ۷۸/۱۱/۸ دکتر توبن، همراه با مهندس کرگی، در همایش «هولوکاست؛ دروغ مقدس غرب» که در دانشگاه صنعتی شریف و با همکاری انجمن اسلامی دانشجویان

پیام رئیس جمهور، دکتر احمدی‌نژاد به همایش «هولوکاست؛ دروغ مقدس غرب»

بسم الله الرحمن الرحيم

«اللهم عجل لوليک الفرج والعافیة والنصر و جعلنا من خیر انصاره و اعوانه و المستشهدین بین یدیه»

حضار محترم، اساتید و دانشجویان عزیز!

نگاهی اجمالی به وقایع بعد از جنگ جهانی دوم نشان می‌دهد موضوع هولوکاست در ابعادی که آن را تعریف کردند، بهانه‌ای جهت ادامه تسلط و گسترش نفوذ پیروزمندان جنگ بویژه آمریکا و انگلیس در پهنه بین‌الملل بوده‌است.

ولیده نامشروع رژیم صهیونیستی یکی از نتایج موضوع هولوکاست است. با اینکه جمعیت زیادی از مردم کشورهای درگیر جنگ، کشته شدند که رقم آن را تا ۵۶ میلیون نفر در جنگ دوم ذکر کرده‌اند، شبکه‌ای سیاسی و قدرت‌طلب خود را مدعی خون و وکیل مدافع تعدادی از قربانیان معرفی و حکم کردند که بازماندگان این عده خاص از قربانیان باید خون‌بها دریافت کنند و بخشی از خون‌بها را تأسیس رژیم صهیونیستی در سرزمین فلسطین اعلام کردند و با همین بهانه به فلسطین حمله کردند و با کشتن و آواره کردن مردم، سرزمین‌های مادری آنان را اشغال و رژیم صهیونیستی را تأسیس کردند و به او ماموریت دادند اجازه ندهد هیچ قدرت منطقه‌ای در فراسوی غرب و در سرزمین‌های اسلامی شکل بگیرد. چرا که تمدن و فرهنگ اسلامی با بالندگی ذاتی خود منافع ناشی از ظلم و زور و قدرت طلبی‌های آنان را تهدید می‌نماید. این اساس و فلسفه تشکیل رژیم صهیونیستی است و امروز کسانی که در سرزمین‌های تحت اشغال این رژیم زندگی می‌کنند که شامل بخشی از مردم بومی فلسطین و بخش عمده‌ای مهاجرین از آمریکا و آسیا و عده‌ای هم از اروپا هستند و اکثر آنان حتی در منطق هولوکاستی از بازماندگان جنگ نیستند

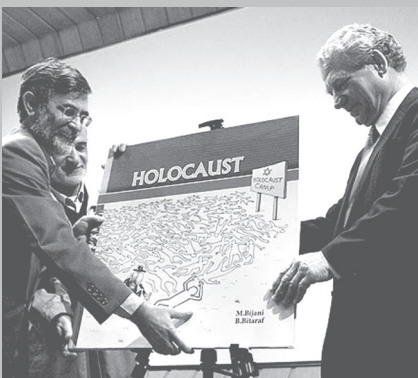
مع‌الاسف ۶۰ سال اجازه ندادند کسی منطق هولوکاست و اصل آن را به چالش بکشد، زیرا اگر حقیقت آن روشن شود چیزی از منطق دموکراسی اینان باقی نمی‌ماند.

هولوکاست با دموکراسی لیبرال گره خورده‌است. همین مدعیان دموکراسی لیبرال هستند که از منطق هولوکاست حمایت می‌کنند و آنچنان آن را تقدیس کرده‌اند که هیچ کس حق ورود بر ساحت قدسی آن را ندارد. شکستن قفل صندوقچه هولوکاست و بازگشایی آن به مثابه بریدن رگ حیات رژیم صهیونیستی است و هم بنای فلسفی آن فرو خواهد ریخت، اما نکته مهمی که نظر حضار و محققان گرانقدر را به آن جلب می‌کنم این است که ثمره هولوکاست فقط شجره ناپاک رژیم صهیونیستی نیست بلکه تبعات آن بسیار فراتر از آن است. امروز صهیونیست‌ها بر بسیاری از مراکز قدرت و ثروت و رسانه‌ای جهان تسلط دارند و متأسفانه عده زیادی از سیاستمداران و احزاب را در بند خود گرفتار کرده‌اند و از این طریق منافع و ثروت ملت‌ها را غارت کرده، آزادی‌های آنان را سلب می‌کنند، همچنین با توسعه شبکه‌های فساد فرهنگ و ارزش‌های انسانی را ضایع می‌کنند.

اینجانب از محققان و اندیشمندان و جوانان و دانشجویان عزیز که پیشقدم هستند دعوت می‌کنم علاوه بر پرداختن به موضوع هولوکاست، آثار و تبعات آن را نیز بررسی و نتیجه تحقیقات خود را در اختیار ملت‌ها قرار دهند همچنین فراموش نکنند که شبکه صهیونیسم که مبتکر بحث هولوکاست است بیش از گذشته باید شناسایی و به ملت‌ها معرفی شود. از همه دست‌اندرکاران این نشست تشکر و قدردانی می‌کنم و از همه محققان و نویسندگانی که در این زمینه کار کرده‌اند و آثار خود را منتشر می‌کنند سپاسگزاری می‌کنم.

موفق و موید باشید

محمود احمدی‌نژاد



زنداد گذرانده است، مهم‌ترین عامل تحریک در کشورهای مختلف را صهیونیست‌ها معرفی کرد و افزود: اسرائیلی‌ها در بسیاری از کشورها، درگیری‌های نژادی ایجاد می‌کنند که بتوانند از آنها بهره‌برداری کنند. توبین اظهار داشت: رفتار اسرائیلی‌ها با مردم فلسطین نمونه کامل نژادپرستی است و کشتار و جنایت آنان در فلسطین نسل‌کشی است.

وی تأکید کرد: امروز هرکس که در دنیای به اصطلاح دمکراتیک غربی از هولوکاست حمایت می‌کند، شریک جنایات اسرائیل در هولوکاست و نسل‌کشی فلسطینی‌هاست.

توبین گفت: تا زمانی که آمریکا حامی اسرائیل باشد، قدرت‌طلبی و نسل‌کشی آنان ادامه دارد. مطمئناً حضور اوپاما نیز نمی‌تواند کاری از پیش ببرد و تا زمانی که لابی‌های قدرتمند صهیونیستی بر آمریکا حاکم باشند، اسرائیل به جنایت‌هایش ادامه می‌دهد. او با اشاره به اینکه رئیس‌جمهور ایران تعبیر درستی از هولوکاست ارائه داده است گفت: احمدی‌نژاد فکر بزرگی دارد، او می‌گوید اگر افسانه هولوکاست واقعیت دارد، چرا نباید در موردش تحقیق و سوال کرد.

در ادامه مراسم، با حضور دکتر توبین، آقایان شمس‌الدین رحمانی، محمدتقی تقی‌پور و علیرضا سلطانشاهی بخش پاسخ‌به‌سوالات حضار برگزار شد.

دکتر توبین در بازدید از دفتر مرکزی جمعیت حامیان آزادی قدس شریف، ضمن آشنایی با اعضای موسس و فعالیت‌های جمعیت، با قدرانی از دعوتش به ایران و پربار بودن نتایج این سفر، ابراز امیدواری کرد که این‌گونه برنامه‌ها تداوم داشته باشد و ارتباط بین مراکز و موسسات غیردولتی فرهنگی تحقیقاتی هم‌گرا، گسترده‌تر گردد.

مستقل آن دانشگاه برگزار شد، شرکت کرد. در ابتدای مراسم آقای شمس‌الدین رحمانی دبیرکل جمعیت حامیان آزادی قدس شریف و پژوهشگر و تحلیل‌گر مسائل یهود ضمن خیرمقدم به حضار، مطالبی را در زمینه اندیشه یهود و «تحریف» که شاکله و تخصص آنهاست بیان کرد. آنگاه آقای محمدتقی تقی‌پور عضو موسس جمعیت حامیان آزادی قدس شریف و پژوهشگر هولوکاست و یهود، درخصوص هولوکاست و پیشینه، انگیزه‌ها، اهداف، نتایج و ابعاد طرح این ادعای دروغین سخنرانی کرد. سپس با حضور یافتن دکتر غلامحسین الهام وزیر دادگستری و سخنگوی دولت در مراسم، ایشان که حامل پیام کتبی دکتر احمدی‌نژاد ریاست محترم جمهوری بودند، ضمن قرائت پیام ایشان، دقایقی درباره این پدیده جعلی و دروغین سخن گفت. سپس با حضور ایشان، دکتر توبین و آقای شمس‌الدین رحمانی، از نسخه عربی و انگلیسی کتاب طنز «هولوکاست» رونمایی شد.

در ادامه مراسم دکتر فردریک توبین درخصوص هولوکاست و نقد آن سخن گفت. وی در بخشی از سخنانش اظهار داشت: همه سردمداران غربی می‌دانند که اگر کذب بودن هولوکاست ثابت شود، موجودیت اسرائیل به خطر می‌افتد. آنها می‌دانند که در این صورت دیگر نمی‌توانند از هولوکاست به‌عنوان سلاح قدرتمندی بر ضد فلسطین استفاده کنند. توبین افزود: مردم در کشورهای غربی، می‌توانند وجود خدا را انکار کنند، ولی انکار هولوکاست مساوی با جهل و نادانی و دشمنی آنها محسوب می‌شود. این محقق که به سبب زیر سوال بردن هولوکاست بارها مورد تعقیب بوده و در کشورهای آلمان و اتریش ۱۸ ماه را در

فردریک توبین کیست؟

فردریک توبین (Fredrick Toben) از موسسه آدلاید، متولد آلمان، ۶۵ ساله ساکن استرالیا و دارای مدرک دکترای فلسفه از دانشگاه اشتوتگارد و نویسنده ۸ کتاب است. او از جمله تجدیدنظرطلبانی است که منکر افسانه هولوکاست است و به همین اتهام بارها تحت تعقیب قرار گرفته و یک بار در آلمان به مدت ۷ ماه بار دوم در اتریش به مدت ۱۱ ماه در زندان به سر برده است. وی در نتیجه افکار تجدیدنظرطلبانه خود به حاشیه رانده شده و بارها تهدید شده است که مطالب انکار هولوکاست را از وبسایت خود پاکسازی کند. توبین هر بار که با اتهامات انکار هولوکاست مواجه می‌شود، نمی‌تواند برای دفاع از خود و کیلی پیدا کند و به ناچار خود در دادگاه کار دفاع را برعهده می‌گیرد، زیرا وکلا حاضر به دفاع از تجدیدنظرطلبان نیستند. طبق قوانین آلمان زیر سوال بردن هولوکاست جرم است و می‌تواند تا ۵ سال زندان داشته باشد.

فردریک توبین همراه با اندیشمندان و محققان برجسته‌ای چون ارنست ژاندل، روبرت فوریسون، روزه گارودی و... همواره در مظان اتهام و تهدید به زندان قرار داشته است. این اندیشمندان اروپایی شخصا از اردوگاه آشویتس بازدید کرده و خرابه‌های اتاق‌های گاز ادعایی صهیونیست‌ها را بررسی و با توجه به دلایل علمی و تکنولوژی آن زمان هولوکاست را مورد انکار قرار می‌دهد. به عقیده وی اقدامات هیتلر نه در جهت کشتار سازمان یافته، بلکه در جهت انتقال یهودیان به همدستی و برنامه‌ریزی صهیونیست‌ها بود. توبین معتقد است که کشتار ادعایی هم به لحاظ تکنیکی و هم به لحاظ فنی غیرممکن بود. چون این امر زمان زیادی می‌برد و در طول ۴ سال جنگ جهانی دوم، کشتار این تعداد یهودی میسر نبود و کشتن آنها، زمانی بیش از چند دهه طول می‌کشید. دکتر توبین معتقد است حیات صهیونیست‌ها بر محور تحریف تاریخ متمرکز است.



اشاره:

شرکت در همایش «حق

بازگشت» که اوایل آذر با حضور

جمع کثیری از شخصیت‌ها،

پژوهشگران و فعالان قضیه

فلسطین در دمشق برگزار شد،

فرصت آشنایی و مصاحبه با تنی

چند از شرکت‌کنندگان را فراهم آورد.

گفت‌وگو با یکی از فعالان فلسطینی

ساکن لبنان را می‌خوانیم.

باز می‌گردیم

به‌شمار می‌رود.

لذا قرعه به نام فلسطین درآمد و مقرر شد که این کشور پایتخت کشور عظیم و قدرت برتر صهیونیست در منطقه باشد. ولی ملت ما بیش از ۱۰۰ سال است که در مقابل این پدیده ایستادگی می‌کند و بر مقاومت خود همچنان ادامه می‌دهد و تا زمانی که فلسطین را آزاد نکند دست از این اقدامات برنخواهد داشت. لذا بار دیگر از تلاش‌های ایران و حمایت از حق قدردانی می‌کنم و امیدوارم که بتوانیم با جمعیت شما ارتباط مستمری داشته باشیم.

نسیم قدس: در لبنان چه اقداماتی برای احیای حق بازگشت انجام شده است؟

ما در لبنان همواره از طریق اعتصاب، راه‌پیمایی، تظاهرات و انجمن‌ها صدای خود را به گوش جهانیان می‌رسانیم. ما در لبنان تنها نیستیم بلکه انجمن‌ها، جمعیت‌ها و موسسات زیادی وجود دارند که در زمینه حق بازگشت فعالیت می‌کنند. هدف اصلی



همه این نهادها زنده نگه‌داشتن حق بازگشت است و اینکه به همه بگویید که ملت فلسطین با اسکان در خارج از کشور خود مخالف است. این فعالیت‌ها پس از تلاش آمریکا و اسرائیل برای لغو و محو حق بازگشت به اوج خود رسید.

البته ناگفته نماند که ما در لبنان از لحاظ سیاسی در وضعیت بسیار بدی به سر می‌بریم. توطئه‌های زیادی

برای مهاجرت هزاران تن از ساکنان این منطقه به کشورهای خارجی انجام می‌شود. ملت ما تحت فشارهای زیادی قرار گرفته است و شمار بسیاری از ما به اروپا و... مهاجرت کردند و اسکان گزیدند و بدین ترتیب روایی همیشگی اسرائیل مبنی بر عدم بازگشت ملت فلسطین به خاک خود و ایجاد زمینه مناسب برای برپایی دولت مستقل به حقیقت می‌پیوندد. لیونی وزیر امور خارجه رژیم صهیونیستی که امروزه در صدد است که رهبری اسرائیل را به عهده بگیرد، در گذشته در موساد فعالیت داشته و دست به بازداشت بسیاری از فرزندان ملت ما زده است. لیونی بر لغو حق بازگشت اصرار زیادی می‌کند، لذا ما به عنوان شاخه‌ای از ملت فلسطین از طریق این جمعیت دست به دست هم می‌دهیم تا حق بازگشت را همواره زنده نگه داریم و تاکید داریم که این حق تحت هیچ شرایطی لغو و محو نخواهد شد و از تمام محافل مختلف بین‌المللی درخواست می‌کنیم که قطعنامه ۱۴۹ شورای امنیت مبنی بر حق بازگشت ملت فلسطین به خاک خود را اجرا کنند. ما از برادران عزیز در مجله نسیم قدس تقاضا می‌کنیم که به بحث و مسئله حق بازگشت توجه زیادی داشته باشند. شما از طریق مجله خود می‌توانید علاوه بر ملت ایران، تمام ملت‌ها در نقاط مختلف جهان را مورد خطاب قرار دهید و بگویید که

نسیم قدس: ضمن تشکر از این که وقتتان را در اختیار ما قرار دادید، لطفا خود را برای خوانندگان ما معرفی کنید و اهداف تاسیس جمعیت حق بازگشت را بیان بفرمایید.

بند «عصام الحاج» عضو جمعیت حق بازگشت در اردوگاه صور هستیم. در ابتدا ما این اقدام عظیم و چشمگیر را تبریک می‌گوییم. تاسیس مجله‌ای با هدف اطلاع‌رسانی درخصوص مسئله قدس شریف و آزادی آن اقدام بزرگی است. از سوی دیگر شما در این مجله در صدد شناساندن رژیم صهیونیستی هستید که در اراضی اشغال شده فلسطین، هدف سیطره بر خاک این کشور و کشورهای عربی و اسلامی را دارد، البته چنین اقدامی از جانب جمهوری اسلامی ایران که از همان ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹ از طریق بستن سفارت اسرائیل و برپا داشتن سفارت فلسطین به جای آن انجام گرفت، عجیب به نظر نمی‌رسد. علاوه بر این پرچم فلسطین در این سفارت برافراشته شده و هزاران ایرانی غیور برای حمایت از ملت مظلوم و بی‌گناه فلسطین در راهپیمایی‌های مختلف مشارکت داشته‌اند. همچنین جمهوری اسلامی ایران همواره از تمام گروه‌های مقاوم در لبنان، فلسطین، عراق و سایر کشورهای دیگر حمایت می‌کند تا این ملت‌ها بتوانند از اشغال‌گری رهایی یابند. لذا بار دیگر از موضع‌گیری‌های چشمگیر ایران از طرف خود و اعضای فعال در جمعیت حق بازگشت تشکر می‌کنیم.

هدف اصلی از تاسیس این جمعیت اصرار و تاکید هر چه بیشتر بر حق بازگشت است و تمام تلاش خود را برای پایمال نشدن این حق به کار می‌گیریم. حق بازگشت، حق تمام ملت فلسطین است. حق بازگشت مسئله کاملاً مقدسی است و هیچ‌یک از توافقات ننگین با اسرائیل نمی‌تواند این حق را از میان بردارد. ما به خوبی می‌دانیم که درگیری ما با این دشمن غاصب درگیری ملی، تاریخی، فرهنگی و مذهبی است و این رژیم به صورت غصبی تاسیس شد. جنبش صهیونیسم که در سال ۱۹۴۷ توسط هر تزل برپایه دشمنی و عداوت پایه‌گذاری شد. سیطره بر ملت‌های منطقه و سرقت دارایی‌های موجود در اراضی این کشورها از اهداف اساسی این رژیم

ملت فلسطین به شدت با مسئله اسکان مخالف است، زیرا بدین وسیله هدف و رویای دیرینه اسرائیل به حقیقت خواهد پیوست.

نسیم قدس: این اقدامات، اقدامات بیرونی است، یعنی برای زنده نگه داشتن حق بازگشت میان سایر ملت‌های جهان است، اما در میان ملت فلسطین این عقیده هنوز پابرجا است. چه اقداماتی برای پابرجا ماندن این مسئله، به خصوص در میان نسل جدید انجام شده است؟

قبل از هر چیزی تاکید می‌کنم که ملت ما اسکان در کشورهای مختلف را به طور کلی رد می‌کند و همواره برحق بازگشت تکیه کرده. گروه‌های مختلفی در فلسطین وجود دارند که همچنان با طرح‌های صهیونیست‌ها

و آمریکایی‌ها دست و پنجه نرم می‌کنند که از این میان می‌توان به حماس و جهاد اسلامی و غیره اشاره کرد. تمام این گروه‌های مخالف و مقاوم تمام تلاش خود را برای مقابله با رژیم صهیونیستی در داخل اراضی اشغالی به کار می‌گیرند. ما نیز در اردوگاه‌های لبنان و سایر اردوگاه‌های جهان از طریق اطلاع رسانی و تبلیغات صدای خود را به

صدای این گروه‌های مقاوم می‌رسانیم و مخالفت خود را با اسکان و مهاجرت اعلام می‌داریم. ما همواره بر حق بازگشت و قضیه فلسطین پایبند هستیم و از طریق ایجاد ارتباط با انجمن جوانان فلسطینی که به عنوان نسل جدید فلسطین به شمار می‌آید و در اردوگاه‌های غربت و دور از وطن چشم به جهان گشود، قصد داریم که این نسل را از قضیه فلسطین آگاه سازیم و بگویم که این باید مهم‌ترین و اساسی‌ترین مسئله هر فلسطینی باشد. لذا امروزه ما به نسل جوان و هوشیار خود که به قضیه فلسطین و حق بازگشت پایبند است افتخار می‌کنیم. این نسل جوان از طریق تاسیس و تشکیل موسسات و انجمن‌های مختلف می‌خواهد به همه مردم جهان بگوید که با وجود گذشت زمان، هنوز مسئله فلسطین در ذهن همه زنده است. این نسل هرگز نمی‌تواند فلسطین را به فراموشی بسپارد؛ چراکه در آغوش مادر و پدری مقاوم بزرگ شده است. او از همان کودکی می‌داند که اسرائیلی دشمن اصلی اوست و ارتش این رژیم بود که باعث آوارگی، غربت و بیچارگی این ملت شده است. آنها می‌دانند که در لبنان و سوریه و یا هر جای دیگر جهان، مهمانانی موقتی هستند و بالاخره به وطن خود بازخواهند گشت.

نسیم قدس: چه موانعی بر سر راه بازگشت ملت فلسطین به خاک میهن خود وجود دارد؟

اولا ملت فلسطین همواره به مقاومت و جهاد ایمان دارد. این ملت به یک آغوش گرم عربی و اسلامی نیازمند است، تا بدین وسیله به صورت محکم‌تر به مقاومت خود ادامه دهد و در این راستا از موضع‌گیری سوریه و ایران قدردانی می‌کنیم.

ما به خوبی می‌دانیم که جمهوری اسلامی ایران آغوش گرم خود را برای مقاومت اسلامی در لبنان گشوده بود و توانست پیروزی‌های زیادی را به دست آورد و عظیم‌ترین این پیروزی‌ها در شکست اسرائیل طی جنگ ۳۳ روزه اخیر لبنان به خوبی نمایان شد. ما امروز معتقدیم که سوریه و ایران از مقاومت اسلامی در فلسطین حمایت می‌کنند. اما برای اجرای قانون حق بازگشت با موانعی روبرو هستیم از جمله:

- حمایت مطلق آمریکا از رژیم صهیونیستی

- حمایت برخی از طرف‌های اروپایی از این رژیم، چراکه این رژیم را یکی از نهادهای حساس در منطقه می‌دانند که از طریق آن می‌توان سیاست‌های خبیث آمریکا را به اجرا درآورد.

ما مطمئن هستیم که با

پیروزی باراک اوباما رئیس‌جمهور آمریکا چیزی در سیاست این کشور تغییر نخواهد یافت، زیرا دو حزب جمهوری‌خواه و دمکرات به مسئله حمایت مطلق از اسرائیل ایمان دارند و خود را موظف به حفظ امنیت آن می‌دانند.

ملت ما باید از حمایت مردم کشورهای عربی و اسلامی برخوردار باشد. مقاومت ما در نوار



غزه روبه‌روز شهامت و جوانمردی خود را به اثبات می‌رسانند. آنها از طریق پرتاب موشک و خمپاره به قلب شهرک‌نشینان اسرائیلی در برابر وحشی‌گری اسرائیل از خود واکنش نشان می‌دهند. رژیم صهیونیستی در سال ۲۰۰۵ مجبور به عقب‌نشینی از نوار غزه شد و این اقدام به سبب حل و فصل اختلافات نبود بلکه به علت هجوم پیاپی مقاومت وادار شد که به چنین ذلتی تن دهد. ملت ما ایمان دارد که تنها از طریق خون دادن، فداکاری و مقاومت می‌توان فلسطین را آزاد کرد.

نسیم قدس: نظر شما درباره این کنفرانس چیست؟

این همایش به ویژه در این شرایط سیاسی سخت و پیچیده از اهمیت بالایی برخوردار است. آمریکا، اسرائیل و برخی از طرف‌های اروپایی امروزه تمام تلاش خود را برای لغو قانون حق بازگشت به کار می‌گیرند. این همایش با هدف اینکه بگوید ملت فلسطین تنها نیستند برگزار شده است و ملت‌های مختلفی از کشورهای عربی و اسلامی و حتی غربی در کنار این ملت ایستاده‌اند و هیئت‌های کشورهای مختلف از جمله ایران، سوریه، مصر، کویت، بحرین و... بر این ادعای ما صحه می‌گذارند.

نسیم قدس: ما نیز امیدواریم که آزادی قدس شریف و بازگشت ملت فلسطین به خاک میهن خود را در طول حیات خود ببینیم و آرزو می‌کنیم بتوانیم در قدس نماز بخوانیم.

من نیز امیدوارم که این چنین باشد و حتی اگر زنده نبودیم. این آرزو را برای نسل‌های بعدی خود داریم.

فلسطین

در گذر تاریخ

(اسفند)



۸ اسفند/ ۲۶ فوریه/ ۱۹۳۲ انفجار بمب در بازارهای حیفا و یافا توسط گروه‌های شبه نظامی صهیونیست و قتل عام ۲۸ فلسطینی

۲۶ اسفند/ ۱۶ مارس/ ۱۹۳۷ انفجار یک مرکز تجمع فلسطینی‌ها توسط گروه تروریستی هاگانا در یافا و قتل عام ۱۱ فلسطینی

۵ اسفند/ ۲۳ فوریه/ ۱۹۴۲ انفجار کشتی استروما با ۷۶۹ مسافر غیرقانونی یهودی توسط هاگانا و قتل ۷۶۱ یهودی مهاجر در دریای سیاه **۳ اسفند/ ۲۱ فوریه/ ۱۹۷۳** عملیات ترور هوایی دو جنگنده صهیونیستی از طریق پرتاب موشک و شلیک مسلسل به یک هواپیمای مسافربری لیبی (در جریان این حمله هواپیمای مسافربری با تمامی ۱۰۹ سرنشین منهدم شد. این هواپیما در اثر طوفان شن راه خود را گم کرده و داخل فضای صحرای سینا شده بود که اسرائیل آن را در اشغال داشت)

۷ اسفند/ ۲۵ فوریه/ ۱۹۴۴ انفجار بمب در اداره مهاجرت حیفا توسط سازمان تروریستی ایرگون

۱۱ اسفند/ ۱ مارس/ ۱۹۴۸ انفجار باشگاه افسران گلد اسمیت در بیت المقدس توسط گروه صهیونیستی ایرگون و قتل ۱۳ افسر و مجروحیت ۱۶ نفر دیگر

۱۳ اسفند/ ۳ مارس/ ۱۹۴۸ انفجار یک کامیون حامل فلسطینی‌ها متعلق به ارتش انگلیس توسط گروه شبه نظامی صهیونیستی اشترن در مقابل ساختمان صلح شهر حیفا و قتل ده‌ها فلسطینی

۲۰ اسفند/ ۱۰ مارس/ ۱۹۴۸ انهدام ساختمان آژانس ملی یهود در شهر قدس توسط مبارزان فلسطینی به رهبری عبدالقادر حسینی

۲۳ اسفند/ ۱۳ مارس/ ۱۹۴۸ آتش زدن ده‌ها باب منزل فلسطینی‌ها در مناطق قطمون در بیت المقدس، یافا و روستای حسینییه در جلیله شمالی توسط گروه‌های تروریستی صهیونیستی/تخریب کامل روستای فلسطینی کفر حسینییه در شمال فلسطین اشغالی توسط گروه تروریستی هاگانا و قتل عام ۶۰ تن از اهالی این روستا

۱۳ اسفند/ ۳ مارس/ ۱۹۴۹ شورای امنیت قطعنامه ۶۹ مبنی بر پذیرش عضویت اسرائیل را در سازمان ملل با ۹ رأی موافق تصویب کرد

۹ اسفند/ ۲۷ فوریه/ ۱۹۵۵ یورش خونین ارتش اشغالگر رژیم صهیونیستی به نوار غزه و شهادت ۳۸ فلسطینی و زخمی شدن ده‌ها نفر دیگر

۱۸ اسفند/ ۸ مارس/ ۱۹۵۹ آغاز جنگ فرسایشی در جبهه کانال سوئز میان مصر و رژیم صهیونیستی

۶ اسفند/ ۲۴ فوریه/ ۱۹۶۲ حمله هوایی جنگنده‌های صهیونیستی به دهکده‌های المامه و میسلون در سوریه و قتل

عام نزدیک به ۴۰ شهروند سوری

۶ اسفند/ ۲۴ فوریه/ ۱۹۷۲ یورش زمینی و هوایی صهیونیست‌ها به دره بقاع و جنوب لبنان و قتل عام ۳۵ شهروند لبنانی

۳ اسفند/ ۲۱ فوریه/ ۱۹۷۳ عملیات ترور هوایی دو جنگنده صهیونیستی از طریق پرتاب موشک و شلیک مسلسل به یک هواپیمای مسافربری با تمامی ۱۰۹ سرنشین منهدم شد. این هواپیما در اثر طوفان شن راه خود را گم کرده و داخل فضای صحرای سینا شده بود که اسرائیل آن را در اشغال داشت

- **۱۹۷۸** کشتار مردم بنت جبیل در جنوب لبنان پس از حمله نظامیان صهیونیست به یک خودرو حامل اهالی این منطقه و شهادت ۱۶ لبنانی

۲۵ اسفند/ ۱۵ مارس/ ۱۹۷۹ ترور سمیر طوقان عضو دفتر سازمان آزادی بخش فلسطین در قبرس

۴ اسفند/ ۲۲ فوریه/ ۱۹۸۳ ترور جمیل عبدالقادر عبدالرب از شخصیت‌های فلسطینی در آتن

۲۱ اسفند/ ۱۱ مارس/ ۱۹۸۵ کشتار معروف مردم شهرک زراریه در جنوب لبنان توسط یگان‌های صهیونیستی از طریق بمب‌گذاری‌های متعدد

۱۵ اسفند/ ۵ مارس/ ۱۹۸۵ کشتار اهالی منطقه معرکه در جنوب لبنان به وسیله انفجار یک بمب قوی که منجر به شهادت ۱۵ نفر و مجروح شدن بسیاری شد

۱۶ اسفند/ ۶ مارس/ ۱۹۹۱ اعلام برگزاری کنفرانس صلح خاورمیانه برای حل و فصل منازعه عربی - فلسطینی توسط آمریکا

۲۷ اسفند/ ۱۷ مارس/ ۱۹۹۲ ترور سیدعباس موسوی دبیر کل جنبش حزب الله لبنان توسط دو فروند بالگرد جنگی رژیم صهیونیستی در شهر نبطیه (در نتیجه این حمله حجت الاسلام سیدعباس موسوی، همسر، فرزند ۶ ساله و راننده‌اش به شهادت رسیدند)

۲۹ اسفند/ ۱۹ مارس/ ۱۹۹۳ دستگیری «یوسف بن گال» کارمند ظاهری وزارت آموزش و پرورش اسرائیل و «دکتر اتوجو کلیک» دانشمند اتریشی در سوئیس، به اتهام دست داشتن آنها در قتل دانشمندان آلمانی مامور کمک به پروژه موشک‌های نظامی مصر.

۶ اسفند/ ۲۴ فوریه/ ۱۹۹۴ شهادت شماری از نمازگزاران فلسطینی در مسجد حضرت ابراهیم (ع) در الخلیل، در یورش مسلحانه «باروخ گلدشتان» شهرک نشین صهیونیست و متولد بروکلین آمریکا (در نتیجه این اقدام تروریستی، ۳۴ نمازگزار حاضر در مسجد به شهادت رسیدند)

یک دبیر کل شجاع!

علیرضا



پس از غزه به شهرک صهیونیست‌نشین سدیروت رفته و از فجایع بس ناگوار وارد بر ساکنان این شهرک دیدار مبسوطی به عمل آورده است! ضمن آنکه پس از همه این دیدارها به دیدار اولمرت رفته است. (یعنی فردی که ۳ مرکز آموزشی سازمان ملل را ویران نکرده است!) در این دیدار اولمرت به دبیرکل محترم و شجاع ما گفته است که بازسازی غزه باید بدون

دخالت و مشارکت حماس و البته با حضور سازمان ملل و اعوان و انصار خودمان از جمله مصر و خودگردان و... صورت گیرد.

اولمرت به بان کی مون گفته است که هرگونه تحقیق سازمان ملل در باب خسارات این جنگ ۲۲ روزه باید شامل خسارات موشکی حماس به شهرک‌های یهودی‌نشین ظرف ۸ سال گذشته هم باشد و منابع خبری هم از موافقت مون با این درخواست‌ها و یا به عبارتی دستورات خبر داده‌اند.

نتیجه رسانه‌ای: اسرائیل یک دولت خوب، صلح‌طلب، آرام، محبوب، مردمی، دارای وجهه مقبول بین‌المللی و احترام‌کننده به سازمان ملل و تمام قواعد و قوانین و قطعنامه‌های بین‌المللی از زمان تاسیس تاکنون و پس از این است و در مقابل، دولت حماس یک دولت غیردموکراتیک، جنایتکار، تروریست، ضد حقوق بشر، غیرمردمی، منفور، فاشیست، پلید، ضد خدا و انسانیت، کودک‌کش، تا بن دندان مسلح به تمامی سلاح‌های مرگبار روز و... است.

پی نوشت:

۱- تنظیم‌کننده نتیجه رسانه‌ای: مسئول یهودی دفتر بان کی مون جون!

هنوز خریدن وی به پشت تریبون، هنگام شنیدن یک صدای انفجار در عراق و به هنگام برپایی کنفرانس خبری وی با مقامات عراقی از یادها نرفته است. پس از این اتفاق خیلی‌ها وی را سرزنش کردند که چطور این قدر از صدای انفجار می‌ترسد، آن هم به‌عنوان فردی که دبیرکلی بزرگ‌ترین سازمان بین‌المللی را برعهده دارد و یکی از مهم‌ترین ماموریت‌هایش برقراری صلح در سراسر جهان و بویژه در مناطق ناآرام و عمدتاً جنگی است.

این فرد شجاع! این روزها به‌ویژه پس از پایان جنگ ۲۲ روزه علیه مقاومت اسلامی در غزه با ژستی خیلی جدی وارد غزه شده است و از میان این همه آوار و کشتار و جنایات فقط سراغ ۳ مرکز آموزشی سازمان ملل را گرفته و از آنجاها بازدید کرده و بدون اینکه نامی از اسرائیل ببرد با رشادت تمام اظهار داشته که مسببان حمله به این مراکز باید ... شوند. عده‌ای بر این اعتقادند که «بان کی مون» منظورش این بوده که باید این عده شناسایی شوند. عده‌ای دیگر معتقدند که این عده باید «محاکمه» شوند و عده سوم را اعتقاد بر آن است که این افراد جانی باید «مجازات» شوند. و البته عده چهارم با دیدن این اوضاع و جنم دبیرکل محترم و همه‌کاره بودن اسرائیل در دفتر ایشان و مابقی قصه‌ای که خواهیم گفت بر این اعتقادند که مسببان حمله به ۳ مرکز آموزشی سازمان ملل حماسی‌ها! هستند و به همین دلیل اسرائیل باید مورد تقدیر قرار گیرد. درواقع اگر به این رمزگشایی اعتقادی ندارید به ادامه اخبار موجود توجه فرمایید.

در اخبار آمده بود که بان کی مون در سفر خود به غزه با هیچ یک از رهبران حماس دیدار نداشته است و طبق وعده‌ای که به اولمرت داده بود،

یک خبر

دفتر نمایندگی جمعیت حامیان آزادی قدس شریف در استان خوزستان همزمان با ایام الله دهه فجر، در تاریخ ۸۷/۱۱/۱۶ با حضور اعضای جمعیت و مسئولان استان رسماً افتتاح شد. در این مراسم یاد شهدای غزه گرامی داشته شد و شرکت‌کنندگان ضمن امضای دفتر یادبود شهدای غزه احساسات خود را بیان کردند. همچنین در این مراسم بیانیه حمایت از مردم مظلوم غزه را آقای محمدرضا حامد نماینده جمعیت در استان قرائت و حاضران با تکبیر خود آن را تأیید کردند.



تسلیت



با کمال تأسف و تأثر باخبر شدیم که آقای محمدجعفر صالح‌نیا یکی از اعضای جمعیت در استان خراسان رضوی (مشهد)، در حادثه‌ای ناگوار دعوت حق را لبیک گفته است. فقدان آن عزیز را به خانواده و بازماندگان ایشان صمیمانه تسلیت می‌گوییم و برای آن مرحوم، رحمت و مغفرت الهی و علو درجات را آرزومندیم.

جمعیت حامیان آزادی قدس شریف

نامه‌هایتان رسید

شلیلی

سلام، از اعلام آمادگی شما در مورد حمایت مالی از برنامه‌های جمعیت ممنونیم. در صورت نیاز اعلام خواهد شد. پیروز و سربلند باشید.

استان سمنان، شاهرود. حامی گرامی آقای مهدی محمدیان قرقی

سلام، گزارش شما در مورد جمع‌آوری کمک‌های نقدی و اقداماتتان در حمایت از مردم فلسطین و غزه و محکومیت رژیم صهیونیستی را دریافت کردیم. امیدواریم تلاش‌هایتان مقبول درگاه الهی قرار گیرد.

کرج، مهرشهر. حامی عزیز آقای علی همت عقیلی

سلام، نامه شما رسید. از ابراز احساسات و اعلام حمایت شما از مردم آزاده فلسطین و محکومیت رژیم اشغالگر صهیونیستی سپاسگزاریم. پیشنهاد شما در مورد تشکیل شاخه نظامی را خواندیم. باید به اطلاع شما و دیگر حامیان آزادی قدس شریف برساییم که این جمعیت با هدف افزایش شناخت مخاطبان از پدیده شوم صهیونیسم و ارتقاء فرهنگی عموم در قبال قضیه فلسطین عزیز و قدس شریف پایه‌گذاری شده است. وظیفه آماده‌سازی عمومی از نظر نظامی برای مقابله با توطئه‌های دشمنان اسلام و مسلمین برعهده بسیج و پایگاه‌های آن در سراسر کشور است.

تهران، شرکت پویا پوشش آسیا. حامی عزیز آقای حسین کشاورز

سلام، از اعلام آمادگی آن شرکت برای کمک‌رسانی و بازسازی غزه سپاسگزاریم. نامه شما را به مسئولان مربوط منعکس خواهیم کرد.

ایلام، حامی ارجمند سرکار خانم شهناز امیدیان

سلام، نامه شما در مورد گزارش فعالیت‌هایتان رسید. از اقداماتتان سپاسگزاریم. یکی از عکس‌های ارسالی‌تان را از راهپیمایی مردم ایلام در حمایت از مردم غزه چاپ می‌کنیم.



استان فارس، لارستان، شهر جویم. حامی عزیز آقای سجاد حسنی.

سلام، نامه شما و تهیه طومار در حمایت از مردم غزه با بیش از ۳۰۰ امضا رسید. از احساس وظیفه شما و اهالی مومن جویم سپاسگزاریم.

خوزستان، اهواز. حامی عزیز آقای محمدرضا حامد

اطلاعیه افتتاح دفتر جمعیت در استان خوزستان را در شماره گذشته چاپ کردیم. ضمن تشکر از شما برای ارسال تصاویر، مجدداً نشانی دفتر جمعیت حامیان آزادی قدس شریف در استان خوزستان را اعلام می‌کنیم: خوزستان، اهواز، امانیه، فلکه بسیج، نبش ساختمان شماره ۱، سازمان آموزش و پرورش استان خوزستان، تلفن: ۰۹۱۶۶۰۲۷۱۶۶

اردبیل. حامی بزرگوار جناب حجت‌الاسلام والمسلمین موسوی زنجانی

سلام، محموله پستی حضرت‌عالی، حاوی بیانیه و طومارهای امضای اهالی شریف مومن اردبیل واصل گردید. حقیقتاً زبان الکن از بیان و قلم عاجز از درج صدق و صفای باطن و ایمان راستین مردم با ایمان و سلحشور اردبیل است. جزاکم الله خیرا.

آذربایجان شرقی، سراب. روستای کیوج، آقای اسدالله زیرک

سلام، نامه شما رسید. احساسات شما در حمایت از مردم غزه شایان تقدیر است.

تنگابن. آقای امین ديلمی معزی

سلام، مقاله شما همراه با اظهار لطف‌تان رسید. باز هم برایمان نامه و مقاله بفرستید

ترت حیدریه. حامی عزیز آقای محسن دهقان

سلام، نامه شما رسید. از اعلام آمادگی شما برای برگزاری دوره کارگاهی صهیونیسم‌شناسی ممنونیم. آقای صابونچی هم سلام می‌رساند.

اهواز. آقای علی هوشیار

سلام، نامه شما رسید. از ابراز احساسات و اعلام آمادگی شما برای کمک به آزادی فلسطین عزیز سپاسگزاریم.

تهران. خانم ریحانه رفیعی

سلام، نامه شما را دریافت کردیم. از اظهار نظر و ارائه پیشنهادهایتان درباره نشریه سپاسگزاریم. ان شاء الله در ادامه انتشار نشریه از آنها استفاده می‌کنیم. باز هم با ما مکاتبه کنید.

خاش. خانم ناهید مومن

سلام، نامه محبت‌آمیز شما همراه با امضای بیش از ۱۲۰ کودک دبستانی مدرسه ام‌البین شهرستان خاش در همدردی با کودکان مظلوم و بی‌پناه غزه رسید. از ابراز احساسات و اعلام آمادگی شما سپاسگزاریم. به همکاران درباره ارسال فرم‌های عضویت یادآوری شد.

شهر کرد. خانم ناهید شفیعی نیا

سلام، نامه شما رسید. تغییر نشانی شما را به اطلاع همکاران رساندیم. درباره ارسال فرم عضویت نیز اقدام می‌شود.

مازندران. دبیرخانه هماهنگی کانون‌های فرهنگی هنری مساجد، برادر

عزیز آقای محمد فوقی

سلام، نامه شما در مورد اعلام وصول نشریه نسیم‌قدس و بیانیه‌تان در محکومیت رژیم صهیونیستی و حمایت از مردم مظلوم و بی‌دفاع غزه رسید. توفیق شما و همکاران‌تان را در ادای وظیفه و همچنین حمایت از آزادی قدس شریف خواستاریم.

کهکیلویه و بویر احمد. شهر لنده. حامی عزیز آقای ابوذر بینایی

سلام، از زحمات شما در تهیه طومار حمایت مردمی از مقاومت مردم غزه و محکومیت صهیونیست‌ها سپاسگزاریم. طومار ارسالی شما در دفتر مرکزی جمعیت نگهداری و به نمایش گذاشته می‌شود. موفق و موید باشید.

خوزستان خرمشهر. حامی ارجمند جناب آقای دکتر محمدحسین

جدول اختصاصی

(۶)

با جایزه

اکبر علیزاده اعتمادی

افقی:

۱- جانشین و قائم مقام - ضد ثابت کردن ۱۵- اقدامات ضدبشری صهیونیست‌ها
از جمله ساخت شهرک‌ها و جداسازی مردم به وسیله دیوار حائل که منجر به این
امر شده، مورد تقبیح حق طلبان جهان است.

عمودی:

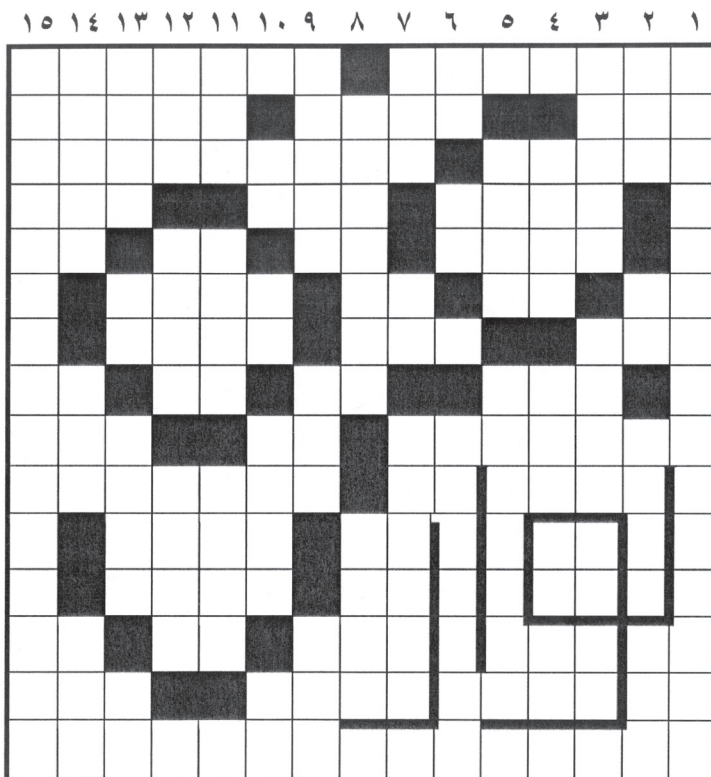
۱- شمار زیادی از کودک و نوجوان و زن مرد فلسطینی در فاجعه غزه به
این سبب جان باختند ۲- حیوان عظیم‌الجثه دریایی - فلز سرخ - طرف چپ -
صدای گربه ۳- از مناطق کرانه باختری - خانه و سرا - آزاده کربلا - عدد نفی
۴- آماده و فراهم - من به عربی - از غلات - قلب ۵- از تقسیمات سال - از
گروه‌های موتلفه جبهه نجات ملی فلسطین در دمشق که رهبر آن سرهنگ
ابوموسی بود ۶- طلا - واحد مقیاس سطح - از اردوگاه‌های فلسطینیان در مرکز
نوار غزه و جنوب اردوگاه البریج ۷- جوابش هوی است - زمان تاریکی - اکثر
یهودیانی که در مرحله چهارم (۱۹۲۴ - ۱۹۲۹) و به علت مشکلات اقتصادی
به سوی فلسطین مهاجرت کردند از این کشور بودند ۸- رهبر جبهه خلق برای
آزادی فلسطین - شهر نارنگی در کشور اشغالی ۹- کورک پلک چشم - سوره
مردم - نام مجنون محبوب لیلی ۱۰- از نهاد برآید - اندازه و مرز - مرثیه‌خوانی
بر شهدای کربلا - مرغابی ۱۱- با اسطربلاب همراه است - خجالتی - بزرگ
۱۲- بیخ و بن - به‌جا آورنده - روایت ۱۳- تکیه داشتن - عددی یک رقمی -
الهام شده - شکوه‌گوی جدایی‌ها ۱۴- کارش بریدن چوب است - خودرو وطنی -
کتابی از ابوعلی سینا ۱۵- هدیه‌ای که به قید قرعه به پنج نفر از شرکت‌کنندگان
در مسابقه پایان دوره آموزشی صهیونیسم‌شناسی در استان لرستان اهدا شد.

۱- آخرین گورستان شکست اسرائیلی‌ها در جنگ نابرابر ۲۲ روزه - یهودیان
در روسیه در دوران به قدرت رسیدن این رهبر شوروی از محدودیت‌های گذشته
کمونیست‌ها رهایی یافتند و مهاجرت به فلسطین را آغاز کردند ۲- کجش به
منزل نمی‌رسد - پیاده - در اتوموبیل بجوید ۳- دانش در جشن ازدواج لازم
است - فلسطینی‌ها فعالیت‌های شصتمین سالگرد این مراسم یادبود را با شعار
«حق بازگشت هیچ جایگزینی ندارد: بر گزار کردند. ۴- از شهرهای فلسطین
اشغالی - مراسم نظامی - فرزند پسر ۵- قاطر - مخفف چاه - حاصل صابون -
جوی خون ۶- عزیز عرب - راه کوتاه - بخیل و ممسک - از جنبش‌های مبارز
فلسطینی که با پیروزی انقلاب اسلامی ایران اوج گرفت ۷- آیین - علت - از
اردوگاه‌های آوارگان فلسطینی در جنوب سوریه ۸- گودی روی شکم - سنگریزه
- آزاد و رها - پایتخت فراری ۹- از شخصیت‌های معروف یهودی که در سال
۲۰۰۵ در ۹۷ سالگی در گذشت و از جمله کسانی بود که در مسیر تحرکات
صهیونیست‌ها تاثیر جدی داشته‌اند - مخفف اگر - بازداشتن ۱۰- در جنگ نابرابر
اسرائیل با غزه مردم بی‌دفاع فاقد این امر بودند - زیر پا مانده - نویسنده عبری
زبان و رئیس سازمان جهانی صهیونیسم و مهره فعال در خرید سرزمین‌های
فلسطین در اوایل قرن بیستم ۱۱- سوره از فروع دین - عدد ماه - یکی دیگر از
اردوگاه‌های آوارگان فلسطینی در منطقه جبل لبنان ۱۲- چهره - حرف فاصله
- هیمه ۱۳- اندوه و ماتم - از موسسات تحقیقات و پژوهش‌های سیاسی
و علمی که در همایش بین‌المللی «حق بازگشت» حضور داشت - کران - علامت
مفعول بی‌واسطه - رودی که به دریا پیوندد ۱۴- صاحب - کارآگاه جنایی فیلم‌ها

توجه:

- ۱- لطفا پس از حل جدول، اصل یا کپی آن را با ذکر مشخصات
و نشانی کامل، تا تاریخ آخر فروردین ۱۳۸۸ به نشانی دفتر
نشریه ارسال کنید.
- ۲- به سه پاسخ صحیح، به قید قرعه جایزه داده می‌شود.
- ۳- لطفاً روی پاکت بنویسید: مربوط به جدول شماره ۴

حل جدول شماره ۵



۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
م	ص	ا	ی	ب	م	س	ی	ح	م	ن	د	ر	س	س
ک	ل	ی	ب	د	ش	ا	ت	ل	ت	و	ا	ب	ع	ع
ا	ی	س	خ	ت	س	ا	ق	ن	ع	ا	د			
ر	ب	ا	و	ا	م	ق	م	ع	ا	خ	ا			
م	ی	ن	و	ق	ل	ن	ا	ش	م	و	ل			
س	ا	س	ا	س	گ	ل	ی	ف	ر	ی	ا			
ق	ی	ر	ق	ی	س	ی	ا	ل	ق	ل	ب	ر	و	
ا	و	ا	ز	ر	ب	س	گ	س	ت	و	ن	ل		
ت	ن	ا	س	ا	س	ن	ا	م	ه	س	د			
ل	ا	چ	ر	م	و	ه	ب	م	ح	و				
ا	م	ش	ی	ب	ن	ل	م	س	ا	ت	ن			
ن	ت	ن	ن	م	د	م	ر	ت	د	س	ب	ا		
ب	ز	ن	ا	س	ل	ح	ه	ش	و	خ	ر	ف		
ی	گ	ا	ن	ه	ج	ی	م	ک	ا	و	ی	ز	ل	
ا	ر	س	ا	ل	ت	ج	ا	ر	ت	ب	ر	د	ه	



فرم عضویت

جمعیت حامیان آزادی قدس شریف

جای عکس

نام خانوادگی: نام پدر: محل تولد: سال تولد: شماره شناسنامه: صادره از: میزات تحصیلات و رشته تحصیلی: نشانی دقیق پستی: کد ملی: تلفن همراه: تلفن تماس ضروری: تخصص: مذهب: کد پستی ده رقمی: پست الکترونیک: شغل:

۱- از چه طریق با جمعیت آشنا شده‌اید؟
 ۲- آشنایی شما با مساله فلسطین از چه طریق است؟
 مطالعه روزنامه‌ها ☐ اخبار صدا و سیما ☐ مطالعه کتب ☐ سایر ☐
 ۳- آیا مایلید در برنامه‌های آموزشی و فرهنگی جمعیت شرکت کنید؟
 ۴- در صورت تمایل کدامیک از راه‌ها را می‌پسندید؟
 شرکت در دوره‌های آموزشی ☐ مطالعه جزوات آموزشی ☐ شرکت در مسابقات ☐
 شرکت در گردهمایی شرکت در فعالیت‌های تبلیغاتی
 ۵- چه نوع کمک‌هایی می‌توانید به جمعیت داشته باشید؟
 ۶- کمک‌های مالی شما در چه حد است؟
 حق عضویت ☐ جمع کردن کمک‌های مردمی ☐ جذب منابع مالی ☐ سایر ☐
 ۷- در میان اطرافیان شما کسانی را که مایل به حمایت از آرمان آزادی قدس شریف هستند معرفی و در صورت تمایل نسبت به تکمیل فرم عضویت و ارسال آن اقدام نمایید.
 ۸- انگیزه اصلی شما برای عضویت در جمعیت چیست؟
 ۹- نام معرفین و یا رابطین خود را همراه با شماره تلفن تماس بنویسید.
 ۱۰- آیا تمایل دارید که عضو فعال جمعیت باشید؟ در صورت تمایل زمینه‌های فعالیت را ذکر نمایید.

امضاء

تاریخ

حامی محترم: لطفاً پس از تکمیل این فرم آن را به همراه مدارک زیر به نشانی مجله ارسال فرمایید.

۱- دو قطعه عکس ۳ × ۴

۲- یک برگ کپی شناسنامه و کارت ملی

۳- پرداخت حق عضویت سالانه به مبلغ ۲۰۰۰۰ ریال به حساب سپهر ۰۳۰۹۷۹۹۸۰۷۰۰۷ بانک صادرات به نام جمعیت حامیان آزادی قدس شریف

www.hamyanequds.ir

راهنمای اشتراک

نیم‌قرس

یک سال، ماهنامه را دریافت کنید.

لطفاً نکات ذیل را در نظر داشته باشید:

- برگ اشتراک را کامل و خوانا تکمیل کرده و کدپستی را حتماً قید فرمایید و همراه با برگ واریز وجه به نشانی دفتر مجله پست نمایید.
- حق اشتراک را به حساب سپهر ۰۳۰۹۷۹۹۸۰۷۰۰۷ بانک صادرات (قابل واریز در همه شعب بانک صادرات) به نام موسسه فرهنگی حامیان آزادی قدس واریز نمایید و اصل فیش بانکی را همراه با برگ تکمیل شده اشتراک به نشانی تهران، صندوق پستی ۱۹۳۴-۱۱۱۵۵ ارسال فرمایید.
- کپی فیش بانکی را تا زمان دریافت نخستین شماره نگاه دارید.
- حق اشتراک یک‌ساله برای داخل کشور ۶۰۰۰ تومان است.
- برای اشتراک خارج از کشور مبلغ ۲۵۰۰۰ تومان به حساب فوق واریز و قبض آن را همراه با نشانی کامل به لاتین ارسال فرمایید.
- در صورت هرگونه تغییر در نشانی، سریعاً دفتر ماهنامه نسیم قدس را در جریان قرار دهید.

برگ اشتراک ماهنامه نسیم قدس

نام:
 نام خانوادگی:
 نام شرکت یا موسسه:
 شغل: سمت:
 تحصیلات: سن:
 نوع فعالیت:
 درخواست اشتراک از شماره: نسخه:
 نشانی:
 کدپستی: تلفن:
 صندوق پستی:
 نشانی مجله: تهران، صندوق پستی ۱۹۳۴-۱۱۱۵۵

نیم‌قرس